

توان یاب

سال هجدهم، شماره ۶۷
(بهار ۱۳۹۷)

۲	سرمقاله
۴	منافع تک تک ما به منافع کل جامعه گره خورده‌است روزبه پیروز، موسس بانک خاورمیانه
۷	اثرات کار فرهنگی در تغییر نگرش سلیم غفوری، مدیر شبکه مستند سیما
۹	مپنا و مسئولیت‌های اجتماعی آن بهنام حقیقی، مدیر ارتباطات و بازار گروه مپنا
۱۳	پروژه‌های ما در مورد نابینایان، بنا بر مسئولیت اجتماعی ما سعید صادقیور مدیرعامل شرکت پکتوس
۱۷	رعد ریشه‌های مرا قوی کرد محمد رضا نجفی امامی، انیماتور
۲۰	با تعمیر کاران موبایل در کلاس اکبر خانی، استاد تعمیرات موبایل
۲۳	فراز و فرودهای دفتر مشارکتهای مردمی آذر صادق پور، مدیر دفتر مشارکتهای مردمی رعد
۲۶	داستان تغییر نگرش شهرزاد چهره نگار
۲۷	یک چهره زهره طحانی، کارشناس طراحی و نقشه‌کشی شعب بانک ملت
۳۱	زمزمه
۳۲	با آغوش باز پذیرای توان یابان، برای فعالیت در این سامانه هستیم علی قاسم‌خانی، مدیر منابع انسانی اسنپ
۳۴	من کد اختصاصی اسنپ دارم
۳۵	یک روز در مهد کودک
۳۶	زمزمه
۳۷	وقتی کسی را دوست داشته باشی، نقص‌های ظاهری به چشم نمی‌آیند یک زندگی
۴۰	مشاهیر دارای معلولیت شومان ربرت
۴۲	من برتر سلامت
۴۴	نوروز پیروز
۴۶	معرفی کتاب
۴۷	در رعد چه خبر؟



صاحب امتیاز:
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سر دبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمد رضا دشتی، منصوره پناهی



دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
حروفچینی: سودابه بیات
ویراستار انگلیسی: مهراوه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵



شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

تغییر نگرش دو سویه

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۱ معلولیت را نوعی اختلال در رابطه‌ی بین فرد و محیط تعریف کرده است. در واقع روند مخدوش شدن ارتباط بین فرد و محیط است که نگاه مردم را به افراد هم تغییر می‌دهد. معلولیت پدیده‌ای است که تمامی جوامع صرف نظر از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. چنان‌که بر اساس آمارهای سازمان بهداشت جهانی، حدود ده درصد جوامع را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند.

جوامع مختلف سیری بس طولانی و پر فراز و فرودی را در خصوص پذیرش افراد دارای معلولیت طی کرده‌اند. جوامع مختلف تا سال‌های متمادی به حذف افراد دارای معلولیت در جامعه خود فکر می‌کردند و به آنها به عنوان موجوداتی ناتوان و اضافی می‌نگریستند. هر قدر جوامع از شکل بدوی، بسته و توسعه نیافته به سوی جامعه مدرن و توسعه یافته حرکت کرده‌اند، نگاه جامعه به افراد دارای معلولیت نیز دستخوش تغییر و تحول گردیده است.

مرحله دوم مواجهه با افراد دارای معلولیت، حمایت سنتی همراه با ترحم، از آنان است. اما به میزانی که نگرش و باورهای سنتی کاهش یافته و نیز تغییر جامعه به سمت فردگرایی و نگاه برابر به کلیه شهروندان و همین‌طور ارزش‌گذاری بر اساس کرامت انسانی شهروندان، جوامع از برخوردهای ترحم آمیز به افراد دارای معلولیت فاصله گرفته و به سمت ادغام و یکی شدن آنان با جامعه حرکت کرده است.

حال اگر بخواهیم به یک مطالعه اجمالی در نگرش عموم جامعه به توانیابان بپردازیم، شاید اولین نکته قابل تامل در برخورد با افراد دارای معلولیت این باشد که شاهد نوعی سرگردانی بین دو رفتار ترحم آمیز افراطی و نیز عدم پذیرش و بی‌توجهی به حقوق فردی افراد دارای معلولیت خواهیم بود، که هر دو این موارد جز برخوردهای آزار دهنده برای افراد دارای معلولیت است.

لازم به ذکر است که تبعیض علیه افراد دارای معلولیت تا دهه ۱۹۶۰ دلیل نگرش منفی نسبت به آنان و عدم آگاهی از مواجهه درست و انسانی با آنها، در اغلب کشورها وجود داشته اما از آن به بعد در کشورهای توسعه یافته به دلیل ظهور نهضت‌های حقوق بشری، از این جمعیت ده درصدی به مرور رفع تبعیض شده است و جوامع با تکیه بر توانمندی‌های افراد

دارای معلولیت به برنامه‌ریزی‌های آموزشی و حمایتی همت نموده است. اما سوال اصلی این نوشتار این است که برای حضور افراد دارای معلولیت در جامعه چه باید کرد؟ یا سوال اصلی‌تر و زیر بنایی‌تر می‌تواند این باشد که برای تغییرنگرش جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت چه می‌توان کرد؟

شاید جواب این سوال مهم را بتوان از نظریه «خود آیین‌سان چارلز هورتون کولی» جامعه‌شناس آمریکایی گرفت. او در این نظریه جامعه‌شناسی و نیز روانشناسی اجتماعی می‌گوید: خود و جامعه دو پدیده همزاد هستند که دارای پیوندی ارگانیک می‌باشند. او بر این عقیده است که تصور هر فرد از خودش بر اساس بازتاب افکار دیگران درباره خود اوست. به زعم هورتون کولی هرگز نمی‌توان از خودهای جدا حرف زد، بلکه انسان‌ها از نگاه دیگران به خود نگاه می‌کنند و از نگاه دیگران خود را ارزیابی می‌کنند و نیز از منظر دیگران به خود، به عنوان موجودی با ارزش و یا موجودی بی ارزش می‌نگرند. در واقع بازخوردهایی که ما از مردم در باره خودمان می‌گیریم، آن بازخوردها به ما می‌گوید و می‌قبولاند که چگونه انسانی هستیم؟

لازم به ذکر است که چارلز هورتون کولی دارای معلولیت فیزیکی بود و از لکننت زبان نیز رنج می‌برد. او سال‌های کودکی و نوجوانی‌اش را با کمرویی و گوشه نشینی سپری کرد ولی بعد از درخشش او در رشته جامعه‌شناسی یک زندگی همراه با آرامش و شادی را تجربه کرد. حال بر اساس نظریه «خود آیین‌سان کولی» که در واقع شاید بیش از هر چیز از تجربه شخصی او نشأت گرفته باشد، افراد از نگاه تک تک آحاد جامعه به خود می‌نگرند و و تعامل فرد با جامعه منجر به شکل‌گیری شخصیت فرد می‌شود. اگر جامعه به افراد دارای معلولیت با نگاه برابر و براساس حقوق و کرامت انسانی نگاه کند، آنان نیز به جای متمرکز شدن بر ناتوانی‌های خود، به توانایی‌های خود و رشد آن نگاه می‌کنند و به خود به عنوان انسان‌های مفید و توانمند خواهند نگرست و از سوی دیگر نگاه با اعتماد به نفس آن‌ها به خود و طی کردن پله‌های موفقیت افراد دارای معلولیت باعث اصلاح نگرش عموم مردم به جامعه افراد دارای معلولیت می‌شود و از طریق تعامل و اصلاح نگاه فرد و جامعه، نگرش کلیه آحاد یک اجتماع، دستخوش اصلاح و تغییر و تحول می‌شود، که چنین اصلاح و تحولی جوامع را به سمت زیستی انسانی هدایت می‌کند.



روزبه پیروز متولد سال ۱۳۵۰ است. او که با مشکل نروماسکولار چشم به این جهان گشود هیچ وقت اجازه نداده که این محدودیت جسمانی اثری در پیشرفتش داشته باشد. او دانش آموخته رشته روابط بین الملل و رشته مدیریت از دانشگاه‌های استنفورد و هاروارد است. پیروز عضو هیئت مدیره شرکت‌های معتبری است که به دست توانای خود تاسیس نموده است.



روزبه پیروز، رییس هیات شرکت فیروزه؛

منافع تک تک ما به منافع کل جامعه گره خورده است

در آن زمان به جز پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری ام کسی را در ایران نداشتیم. ولی وقتی در سال ۱۳۷۶ به ایران برگشتم، عاشق ایران شدم و به فکر ماندگار شدن در کشورم افتادم. البته این عشق مثل هر رابطه عاشقانه در کنار خوبی‌هایی که داشت، مشکلات زیادی را هم به همراه داشت.

به هر حال من وابسته به ایران شدم. البته مدتی بعد به انگلستان برگشتم و با یکی از همکلاسی‌های دوره دکتری در اکسفورد، یک شرکت تکنولوژی در زمینه اینترنت commerce راه‌اندازی کردیم. شرکت ما در مسابقه‌ای که توسط یکی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری در انگلیس برگزار می‌شد شرکت کرد و برنده یک جایزه سرمایه‌گذاری شد. به واسطه همین جایزه توانستیم فعالیت شرکتمان را توسعه دهیم. این اتفاق انگیزه‌ای شد که من تحصیل در دوره دکتری را رها

افرادی که معلولیت دارند باید در متن جامعه باشند و نباید به هیچ وجه در حاشیه قرار بگیرند و این از مسایلی است که باید در ایران رویش کار شود

دانشگاه هاروارد گرفتم و بعد از اخذ بورسیه از دانشگاه اکسفورد برای دوره دکتری، به انگلستان رفتم. با توجه به ایرانی بودن من، در دانشگاه اکسفورد برای دکترا رشته‌ای که انتخاب کردم در زمینه ایران بود. این پیشنهاد باعث شد که پس از ۱۸ سال برای اولین بار به ایران برگردم.

لطفا کمی از خودتان بگویید؟

در سال ۱۳۵۰ در شهر تهران به دنیا آمدم. از همان ابتدای تولد با مشکل نروماسکولار روبه‌رو بودم که با تاثیر در قدرت عضلانی باعث مشکلات حرکتی در من می‌شد. از کودکی تحت مشاوره‌ها و درمان‌های پزشکی بسیاری قرار گرفتم و خانواده پیگیری‌های فراوانی برای درمان من انجام دادند که جوابی نگرفتند و علت این بیماری معلوم نشد. در سن هفت سالگی به همراه خانواده از ایران خارج شده و در ونکوور کانادا اقامت گزیدیم. در آنجا چندین عمل جراحی روی من انجام گرفت که مهم‌ترین آنها قرار دادن یک میله آهنی در ستون فقراتم در ۱۷ سالگی بود. در همان سال به دانشگاه استنفورد وارد شده و لیسانسم را در رشته روابط بین‌الملل از این دانشگاه دریافت کردم. فوق لیسانس را در رشته مدیریت از



کرده و وارد بازار کار شوم. در آن زمان بحث تجارت الکترونیک در اروپا هم به تازگی مطرح شده بود.

شرکت ما در انگلیس، آلمان و فرانسه فعالیت‌های خوبی را شروع کرد. بعد از گسترش فعالیت شرکت، آن را به شرکت مخابرات ایتالیا فروختیم و پول خوبی عایدمان شد. این شد که در همان سن جوانی به امکانات مالی خوبی دسترسی پیدا کنیم و به فکر تاسیس یک شرکت سرمایه‌گذاری در لندن افتادیم. این شرکت را راه انداختیم. با علاقه‌ای که به ایران پیدا کرده بودم، دوست داشتم کاری برای کشورم هم انجام دهم. پس به یکی از بانک‌های معتبر سوئیس مراجعه کردم و گفتم به دنبال راه‌اندازی یک صندوق سرمایه‌گذاری برای ایران هستیم. در ابتدا جواب منفی شنیدم ولی دل‌سرد نشدم و در تماس با یکی از مدیران رده بالای این بانک که یک ایرانی سوئیس بود، قانعش کردم که ایران بازار خوبی دارد و حیفاست که صندوق سرمایه‌گذاری خارجی در آن وجود نداشته باشد. پیشنهاد کردم یک صندوق سرمایه‌گذاری در ایران راه‌اندازی کنیم که هم خودمان در آن فعالیت کنیم و هم بتوانیم سرمایه‌گذاران خارجی را جذب بازار ایران کنیم. نهایتاً با بانک‌های سوئیس خود صندوق سرمایه‌گذاری فیروزه را تاسیس نمودیم. پس از انتخاب آقای احمدی‌نژاد همکاری و فعالیت ما با این بانک سوئیس قطع شد. ولی چون به کار در ایران علاقه‌مند بودم، دفتری در ایران تاسیس کردم و با استخدام تعدادی از افراد کار را ادامه دادم.

به تدریج توانستیم به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در ایران تبدیل شده و وارد بورس تهران شویم. تا امروز هشتاد درصد سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه سرمایه‌گذاری مالی، تحت مدیریت ما است. اگر چه این میزان نسبت به کشورهای مشابه مثل ترکیه بسیار کم است، ولی با توجه به شرایط ایران، قابل قبول است.

به هر ترتیب فعالیت خود را در ایران گسترش دادیم و در یک کارگزاری، شرکت فیروزه آسیا را مشترکاً با بیمه آسیا راه‌انداختیم. شش سال قبل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران را که یک شرکت بورسی بود و

تنوع انسان‌ها

جزیی از زیبایی جامعه است. اینکه آدم‌های متفاوت بتوانند زندگی مسالمت‌آمیزی را در کنار هم تجربه کنند از یکدیگر بهره ببرند و از هم یاد بگیرند

پوشش می‌دهند. از وقتی که در ایران مشغول به کار هستم و در جاهای مختلفی که عضو هیات مدیره بوده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ضعف مدیریت در زمینه اقتصاد است. ایران کشوری پر از مهندس و بدون مدیر است. مهندسی اطلاعات فنی دارند ولی بنگاهداری و سازمان‌داری را نمی‌توانند انجام دهند. برای پر کردن این خلاء دوره‌ای را به نام مدرسه تجارت ایرانیان راه‌اندازی کردیم و از بهترین اساتید مدیریت از سراسر دنیا دعوت کردیم که دوره‌های مدیریتی؛ ام‌دی‌سی را در ایران برگزار کنند. این کلاس‌ها همچنان ادامه دارند.

همانطور که می‌دانید، ده‌الی پانزده درصد از جمعیت ما دارای معلولیت هستند. این در حالیست که متأسفانه به دلایل مختلف، جامعه با این افراد ارتباط برقرار نمی‌کند و افراد دارای معلولیت نیز با جامعه ارتباطی ندارند. شما به عنوان الگویی موفق از فردی که دارای مشکلات جسمی و حرکتی هستید و توانستید بسیار پیشرفت کنید، بگویید چگونه در جامعه‌ای که در آن بزرگ شدید، پذیرفته شدید و توانستید مانند سایرین پیشرفت کنید و به بهترین موقعیت‌ها دست پیدا کنید. این جامعه‌پذیری در مورد شما چگونه شکل گرفت؟

اتفاقاً این موضوع یکی از دغدغه‌های اصلی و یکی از اهداف من در همکاری با موسسه رعده است. من در زندگی این نعمت را داشتم که علی‌رغم معلولیتم هیچگاه منزوی نبودم. من در مدرسه معمولی درس خواندم، به دانشگاه رفتم و در خوابگاه‌های معمولی با سایر دانشجویان زندگی کردم. در دانشگاه‌هایی که در آنها تحصیل کردم همیشه امکانات خاصی برای افراد دارای معلولیت فراهم بود. مثلاً در یکی از دانشگاه‌ها چندین دستگاه ون، مخصوص رفت و آمد معلولان بود. اگر شبی می‌خواستم به رستوران بروم زنگ می‌زد، می‌آمدند من را به رستوران می‌بردند و بر می‌گرداندند. در خوابگاه و محل سکونت هم امکانات خوبی برای افرادی که معلولیت داشتند فراهم بود. مثلاً اگر فردی معلولیت داشت و شرایط برای او مناسب و دسترس‌پذیر

توسط آقای دکتر نعمت‌زاده رئیس ایدرو در سال‌ها قبل راه‌اندازی شده بود را در اختیار گرفتیم. این شرکت بیشترین تعداد سهامدار (حدود دویست و پنجاه هزار نفر) را در بین شرکت‌های دیگر ایرانی دارد. سهام عدالت هم در آن نقش دارد. ما توانستیم شرکت توسعه صنعتی ایران که شرکتی دولتی بود را دگرگون کنیم. این شرکت نمونه‌ای از خصوصی‌سازی موفق در ایران است. شرکت توسعه صنعتی ایران بعد از تغییرات مدیریتی، بهترین سال‌های سود دهی را داشت و منابع مالی‌ش ۵ برابر شد.

آیا تحریم‌ها روی کار این شرکت تاثیر داشت؟

مسئله اثر داشت. تحریم‌ها خصوصاً بر فعالیت‌های خارجی ما بسیار تاثیر گذاشت. بطوری‌که نه می‌توانستیم پول در بیاوریم و نه پولی را جابه‌جا کنیم. به همین دلیل تمرکزمان را روی فعالیت‌های داخلی گذاشتیم. پس از واتو، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی، من یکی از موسسین بانک خاورمیانه بودم و اکنون عضو هیئت مدیره آن هستیم. در صنعت تجارت الکترونیک ایران هم سرمایه‌گذاری کردیم و خودم یکی از بنیان‌گذاران شرکت سراوا که سهامدار عمده دیجی‌کالا، کافه بازار، علی‌بابا و الوپیک و همچنین شیپور است، بودم. شرکت‌هایی که نیازمندی‌های آن لاین را



نبود، به خاطر او محل کلاس را جابه جا می‌کردند.

افرادی که معلولیت دارند باید در متن جامعه باشند و به هیچ وجه نباید در حاشیه قرار بگیرند و این از مسائلی است که باید در ایران رویش کار شود. اتفاقاً برنامه‌ایی که در رعد دارم در همین مورد است. این که در حوزه فعالیت خودم شرایط کارآموزی و اشتغال را برای این افراد ایجاد کنم. با مدیر بانک خاورمیانه صحبت کرده‌ام و آنها هم پذیرفته‌اند که یک سری از افراد دارای معلولیت را برای کارآموزی و اشتغال بگیرند. حتی به بانک پاسارگاد هم چنین پیشنهادی داده‌ام. این توجه باید یک برنامه ملی شود و در سطح ملی رویش کار شود.

من به جداسازی بین افراد دارای معلولیت و افراد تندرست در جامعه اعتقاد ندارم. باید این برنامه از دوران اولیه تحصیل و حتی قبل از آن در مهدهای کودک صورت گیرد. بچه‌های تندرست باید به حضور افراد دارای معلولیت و آنها هم باید به حضور افراد غیر معلول عادت کنند و از یکدیگر یاد بگیرند. تنوع انسان‌ها جزئی از زیبایی جامعه است که آدم‌های متفاوت بتوانند از یکدیگر بهره ببرند، از هم یاد بگیرند و زندگی مسالمت‌آمیزی را در کنار هم تجربه کنند.

به نظر شما نقش خود کسانی که معلولیت دارند در وارد شدن به جامعه و شکستن سدها چیست؟

نقش خود فرد یک نقش کلیدی است. من به این جمله که از تو

در مدتی که در ایران مشغول کار هستم و در جاهای مختلف عضو هیات مدیره بوده‌ام و به این نتیجه رسیدم که واقعا یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کشور ضعف مدیریت در زمینه اقتصادی است. ایران کشوری پر از مهندس و بدون مدیر است

به توانیابان اعتماد بنفس بدهیم که بدانند می‌توانند حرکتی را شروع کنند و جلو بروند و بدانند وقتی اراده وجود داشته باشد حتما موفق خواهند شد.

شعری از گوته است که مضمونش این است که وقتی شما یک خواستی دارید و حرکتی را شروع می‌کنید کل انرژی جهان هستی همسو با هدف شما تغییر می‌کند و راه برای شما باز می‌شود. بنابراین اعتماد به نفس و تقویت اراده در توانیابان خیلی مهم است و باید تقویت شود.

توصیه شما به دیگر سازمان‌ها و شرکت‌ها در خصوص مسئولیت اجتماعی چیست؟

کشور به شدت دولتی است. دولت شاید نیت خوبی هم داشته باشد ولی در عمل با مشکلات زیادی روبه‌روست. چیزی که برای ایران می‌تواند تغییر آفرین باشد، قوی شدن بخش خصوصی مسئولیت‌پذیر است و اینکه بدانیم منافع تک تک ما به منافع کل جامعه گره خورده است. چیزی که در آن از لحاظ فرهنگی به شدت ضعف داریم. باید بدانیم همینطور که مثلاً قانون‌مندی در رانندگی و ترافیک به منافع کل جامعه گره خورده است، عدم تبعیض و ایجاد شرایط برای بهره‌مندی همه آحاد جامعه از امکانات هم، به نفع همه جامعه است. شرکت‌های ما نمی‌توانند توقع داشته باشند که بدون اینکه جامعه بهتر شود، منفعت آنها تامین شود. بنابراین باید بخش خصوصی را تقویت کنیم.

حرکت، از خدا برکت واقعا اعتقاد دارم. اینکه فرد از خودش شروع کند، پیش نیاز همه چیز است. من همیشه به دوستانی که می‌خواهند کسب و کاری راه بیندازند، می‌گویم اول خودتان حرکتی را شروع کنید، شاید به مقصدی که در تصور داشته‌اید نرسید ولی حتما راه‌های جدیدی برایتان باز می‌شود. ولی تا وقتی خودتان قدمی برندارید و منتظر باشید تا اتفاقی برایتان بیفتد چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد. هر کسی قادر است تا حدودی واقعیت‌ها را خودش برای خودش شکل بدهد. من جدا از تجربه خودم، توانیابان زیادی را دیده‌ام که وقتی در جامعه حضور دارند مردم به دیدن آنها عادت می‌کنند و همین حضور در جامعه باعث دیده شدن نیازهایشان می‌شود. مهم است که





سلیم غفوری مستندساز است و تعداد زیادی مستند برای شبکه‌های مختلف ساخته‌است. او از سال ۹۵ مدیریت شبکه مستند سیمای جمهوری اسلامی را برعهده گرفته و امکان نمایش مستندهای قابل قبولی را در این شبکه فراهم نموده‌است. با ایشان در مورد نقش مستند در فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش عمومی در خصوص افراد دارای معلولیت که جمعیت زیادی را تشکیل می‌دهند پرسیدیم که می‌خوانید.

در گفت‌وگو با مدیر شبکه مستند سیمای جمهوری ایران بررسی شد؛

اثرات کار فرهنگی در تغییر نگرش جامعه

را تاسیس کرده و مدیریت یک واحد تولیدی را به‌دست گرفته، در تغییر نگرش جامعه نسبت به معلولان موثر است.

این‌ها از مستندهایی هستند که در مورد افراد دارای معلولیت، تولید و پخش شده‌است. همین الان هم یک مجموعه برنامه روی آنتن داریم تحت عنوان «شهری برای همه» که مشخصا موضوع آن معلولیت است. مستندهایی هم در مورد مبتلایان به سندروم داون که به نوعی معلول ذهنی محسوب می‌شوند ساخته و نمایش داده شده‌است.

در مورد معلولان جسمی و حرکتی مستندهای زیادی تولید شده‌است. آنها در عرصه مدیریت، در عرصه مهندسی، در عرصه هنر، در عرصه صنایع دستی و در عرصه‌های دیگر بسیار موفق بوده‌اند. راجع به همه اینها مستندهای مختلفی تولید شده که البته کافی نیست و نباید انتظار داشت که با ساخت چند مستند و برنامه نگاه جامعه به‌سرعت تغییر کند. ولی می‌توانیم امیدوار باشیم که استمرار چنین تلاش‌هایی به‌تدریج نگاه مردم را تغییر دهد.

مهم‌ترین مانع حضور اجتماعی توانیابان در جامعه، نوع نگاه افراد به آنهاست یعنی اینکه اگر کسی دارای نقصانی در ناحیه دست، پا، چشم یا گوش باشد، جامعه این فرد را فاقد کارایی می‌داند! اگر ما بتوانیم خلاف این را نشان بدهیم، قطعاً نگاه جامعه اصلاح خواهد شد

که با وجود این‌که دو دست ندارد، قلم به دندان می‌گیرد، نقاشی می‌کشد و چون دارای استانداردهای لازم است، نقاشی‌هایش در گالری‌های مختلف به نمایش درمی‌آید. نشان دادن توانایی‌های این افراد حتما می‌تواند تغییر نگرش ایجاد کند. یا نشان دادن مستندی از یک فرد دارای معلولیت توانمند که کارخانه‌ای

آیا در برنامه‌های شبکه مستند جهت‌گیری خاصی درخصوص طرح مسایل افراد دارای معلولیت که بزرگ‌ترین جمعیت اقلیتی کشور هستند، وجود دارد و آیا فیلم‌های مستندی درخصوص این حوزه در این شبکه به نمایش درآمده‌است؟

جامعه معلولان در کشور ما یک جمعیت ده تا پانزده درصدی را تشکیل می‌دهند که طبعاً حضور موثر آنها در جامعه می‌تواند پتانسیل کاری خوبی برای جامعه فراهم کند. مهم‌ترین مانع حضور اجتماعی توانیابان در جامعه، نوع نگاه افراد به آنهاست یعنی این‌که اگر کسی دارای نقصانی در ناحیه دست، پا، چشم یا گوش باشد، جامعه این فرد را فاقد کارایی می‌داند! اگر ما بتوانیم خلاف این را نشان بدهیم، قطعاً نگاه جامعه اصلاح خواهد شد.

در همین چارچوب در شبکه مستند برنامه‌های مختلفی داشته‌ایم. جنس کار مستند، چون واقعیت را برای مخاطب ملموس می‌کند قطعاً می‌تواند تاثیرگذارتر باشد. ما توانیابانی را نشان می‌دهیم



ارتباط بین فعالان حوزه معلولیت و رسانه‌های تصویری از چه طریقی ممکن است بیشتر شود؟

در شبکه‌های صدا و سیما گروه‌های اجتماعی وجود دارند که به همه موضوعات اجتماعی مثل آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد، طلاق، خانواده و قطعا به بحث معلولیت هم می‌پردازند. این بخش‌ها می‌توانند یک معبر و نقطه ورود برای توجه به این موضوع باشند.

اگر مستندسازی بخواهد روی موضوع معلولیت کار کند، آیا شبکه مستند از او حمایت می‌کند؟

حتما حمایت می‌کند، کما این‌که تا به حال هم حمایت کرده‌است. شبکه مستند تولیداتی در این زمینه، به‌عنوان مثال «شهری برای همه» داشته‌است. اگر فردی هم طرح یا ایده خوبی داشته‌باشد، حتما حمایت می‌کند. البته طرح پیشنهادی باید ارائه و مورد بررسی قرار گیرد و پس از انجام این مراحل به مرحله تولید برسد.

موضوعاتی مثل حوزه معلولیت، به تنهایی از عهده یک رسانه، یک نهاد، یک وزارتخانه و یا یک سازمان بر نمی‌آید و یک مشارکت همه‌جانبه و یک بسیج عمومی می‌خواهد. بخشی از آن به تغییر رویکرد و نگرش مردم، بخشی به مشارکت همگانی، بخشی هم به کمک‌های دولتی و دستگاه‌های مربوطه برمی‌گردد که اعتبارات لازم را به این امر اختصاص دهند. همه اینها باید با هم اتفاق بیفتند. رسانه فقط در این حوزه می‌تواند اطلاع رسانی و فرهنگ‌سازی نماید. البته ما وظیفه خود می‌دانیم که چنین کاری را انجام دهیم و تلاش هم کرده‌ایم ولی باز هم نیاز به همفکری و پیشنهادات موثر از طرف فعالان حوزه معلولان داریم.

مستندهای مختلفی در موضوع معلولیت تولید شده‌که البته کافی نیست و نباید انتظار داشت که با ساخت چند مستند و برنامه نگاه جامعه به سرعت تغییر کند

شبکه مستند بر نمی‌گردد. حوزه فعالیت شبکه مستند، تخصصی است و نمی‌تواند سریال پخش کند. البته در بعضی سریال‌ها هم به موضوع معلولیت پرداخته‌شده و هنرپیشه توانیاب نیز در آن ایفای نقش کرده‌است. ولی باید ارتباط بین سازمان‌هایی که در این حوزه تلاش می‌کنند با رسانه‌ها بیشتر شود.

به هر حال وجود چنین فیلم‌هایی نیازمند قصه‌هایی است که از عالم واقعی به دور نباشد. طبعاً اگر فعالان این عرصه ارتباط خود را با رسانه‌ها بیشتر کنند و موضوعات و سوژه‌های تاثیرگذار را در اختیار نویسندگان، کارگردان، فیلمنامه‌نویس، محقق و تهیه‌کننده قرار دهند، آنها هم می‌توانند از این موضوعات استفاده کنند.

بخشی از رویکردهای برنامه ماه غسل هم موضوعات این چنینی بود. شبکه افق هم در مقطعی مجموعه برنامه‌هایی در حوزه معلولان داشت که هفتگی پخش می‌شد. می‌خواهم بگویم که مشابه این برنامه‌ها در رسانه‌ها کم نبوده ولی اگر کمبودی هم وجود دارد، شاید به دلیل ارتباط اندک میان دو طرف ماجرا بوده‌است.

تغییر نگرش نیاز به استمرار دارد. البته به نظر من همین الان هم نسبت به سال‌های قبل نگاه جامعه نسبت به معلولیت تغییر کرده‌است. در حال حاضر شاهد اشتغال افرادی که به هر دلیل دچار نقص عضو هستند در کارخانجات، شرکت‌های خصوصی یا ادارات دولتی هستیم که اتفاق بسیار مبارکی است.

شما به عنوان شبکه مستند سیما از ارتباط با نهادهایی که در حوزه معلولیت مشغول به فعالیت هستند، استقبال می‌کنید؟

حتماً استقبال می‌کنیم. طبعاً وظیفه ما به عنوان رسانه نشان دادن چنین موفقیت‌هایی از افراد ناشناخته به جامعه است. تعدادی از این افراد را ممکن است بشناسیم و تعداد بیشتری را نمی‌شناسیم و این نیازمند ارتباط بیشتر کسانی که متولی کار با توانیابان هستند مثل سازمان بهزیستی یا سازمان‌های مردم‌نهاد فعال، با رسانه‌ها هست.

در جریان معرفی چنین فعالیت‌هایی، یک پیام امید به جامعه منتقل می‌شود و رسانه‌ها از انتقال پیام‌هایی که جامعه را شاداب و سرزنده می‌کنند استقبال می‌کنند.

شبکه مستند موضوعش نمایش فیلم‌های مستند است که در نوع خود بسیار تاثیرگذار هستند. ولی کاش می‌شد، در فیلم‌های داستانی تولید شده در شبکه‌های دیگر افرادی که معلولیت دارند و مثلاً روی ویلچر نشسته‌اند، در گوشه‌ای از داستان نه به عنوان نقش محوری داستان نشان داده‌شوند که حضور چنین افرادی در یک زندگی عادی شود.

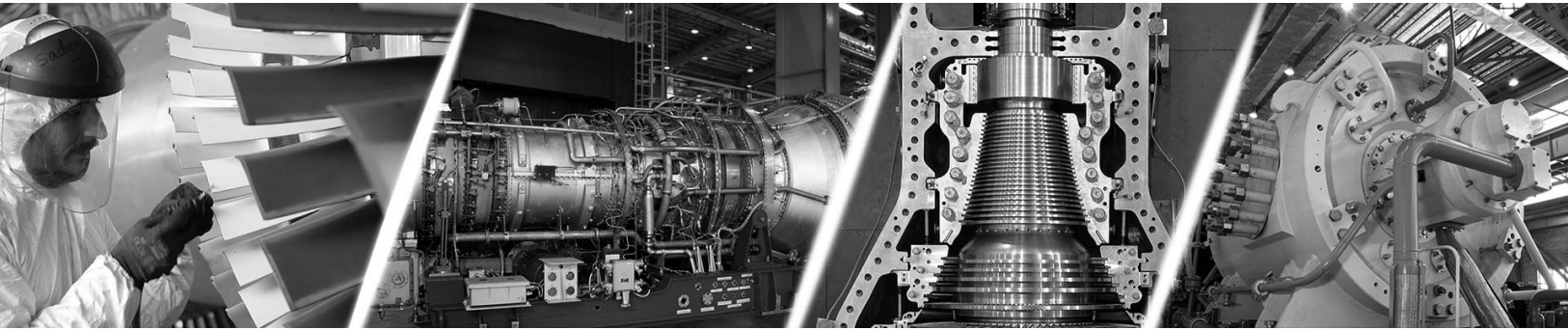
این کار خیلی خوب است ولی همان طور که گفتید صرفاً به حیثه



در گفت‌وگو با مدیر ارتباطات و بازار گروه مپنا و تیم همراه

مپنا و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش

گروه مپنا یک مجموعه بزرگ صنعتی است که فعالیتش را با ساخت پروژه‌های نیروگاهی از دهه هفتاد شمسی در کشور آغاز کرد و حالا در چند حوزه صنعتی دیگر هم به شکل موثر وارد شده است. مدیران مپنا با آشنایی به ضرورت توجه به مسئولیت اجتماعی، در حال مطالعه درباره چگونگی ورود موثر به این حوزه هستند. آشنایی با موسسه رعد و بررسی عملکرد این سمن پرسابقه، مدیران مپنا را بر آن داشت تا در فکر شناخت بیشتر فعالیت‌های این مجموعه باشند و اثراتی را که می‌توانند در ایفای مسئولیت اجتماعی خود در این زمینه اعمال نمایند بررسی کنند. با مدیران این گروه صنعتی به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



مپنا یکی از بهترین سازنده‌های نیروگاهی است و قریب به ۴۰ هزار مگاوات از ۷۰ هزار مگاوات نیروگاه‌های حرارتی کشور ساخت مپناست و تعهد و نگهداری نیروگاه‌ها نیز بر عهده خودش است

حرفه‌ای و خوش‌فکری تشکیل شده بود، به دنبال این بود که علاوه بر تجهیزات اولیه که از خارجی‌ها خریداری می‌شد، بحث دریافت لایسنس را هم دنبال کند و ساخت تجهیزات را بومی کند. به همین منظور، با شرکت‌های مختلفی مذاکره کرده و توانست این

لطفا خودتان را معرفی کنید و در مورد شرکت مپنا و حوزه کاری آن توضیح دهید؟

مهندس بهنام حقیقی: من بهنام حقیقی مدیر ارتباطات و بازار گروه مپنا هستم. گروه مپنا مدیریت پروژه‌های نیروگاهی و کسب و کار در حوزه برق را برعهده دارد. در ابتدای تاسیس، مسئولیت مپنا این بود تا در کنار پروژه‌های نیروگاهی بزرگی که قبلاً صفر تا صد آنها توسط شرکت‌های خارجی انجام می‌شد، فرار بگیرد و به‌تدریج سازنده نیروگاه شود. یعنی مهندسی و ساخت نیروگاه، توسط ایرانی‌ها انجام شود.

در مقطعی نیاز کشور در این حوزه تجمیع شد و در اختیار گروه مپنا قرار گرفت با این هدف که دانش فنی را وارد کند و به سازنده تجهیزات تبدیل شود. بنابراین ساخت ۳۰ واحد توربین گاز به صورت قرارداد تجمیع شده، به شرکتی که در آن زمان «مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران- مپنا» نام داشت واگذار شد. از آنجا که شرکت مپنا از کارشناسان



ظرفیت را در حوزه کسب و کار صنعت برق توسعه دهد تا جایی که امروز به عنوان تولیدکننده تجهیزات نیروگاهی در دنیا شناخته می‌شود. گروه مپنا کارخانجات متعددی در این حوزه دارد که طیف وسیعی از تجهیزات مثل توربین، بویلر، ژنراتور، تجهیزات برق و کنترل، پره‌های داغ و ... را در داخل کشور تولید می‌کنند و پتانسیلی در این سطح در داخل کشور ایجاد شده است.

امروز مپنا در تأمین و ساخت تجهیزات نیروگاهی جزء پنج تولیدکننده برتر دنیاست. کسب و کار در حوزه برق به عنوان کسب و کار اصلی گروه مپنا از سال ۷۲ شروع شده و تا به امروز ادامه دارد. امروز مپنا هم دارای کارخانجات مختلفی است که تجهیزات تولید می‌کنند و هم شرکت‌های مجری پروژه مثل توسعه یک، توسعه دو و توسعه سه را در ساختار خود دارد. مپنا یکی از بهترین سازنده‌های نیروگاهی است و قریب به ۳۹ هزار مگاوات از حدود ۶۴ هزار مگاوات نیروگاه‌های حرارتی کشور ساخت اوست. مپنا علاوه بر این خدمات تعمیر و نگهداری نیروگاه‌ها نیز ارائه می‌کند. مضاف بر این، گروه مپنا مالکیت ده هزار مگاوات نیروگاه یعنی یک هفتم ظرفیت صنعت برق کشور را در اختیار دارد.

مپنا فقط در حوزه ساخت نیروگاه فعالیت دارد یا با وجود دانش فنی بالا در حوزه‌های دیگر هم ورود کرده است؟

از آنجایی که مپنا توانست این مدل را به خوبی پیاده‌سازی کند و در توسعه تکنولوژی از طریق واردات دانش فنی موفق بود، مسئولان ارشد کشور به این نتیجه رسیدند که مپنا می‌تواند در حوزه‌های دیگر هم ورود پیدا کند. بنابراین در زمانی که وزارت راه و ترابری وقت (راه و شهرسازی فعلی) و شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران برنامه توسعه ناوگان کشش ریلی را در پیش گرفت و نیاز به تأمین لکوموتیو از خارج کشور تعریف شد، مسئولین خوش‌فکر آن زمان به این نتیجه رسیدند که به جای واردات لکوموتیو از خارج، از یک شرکت داخلی مثل مپنا بخواهند که لایسنس بگیرد و لکوموتیو را در داخل تولید کند.

به این ترتیب مپنا به عرصه تولید و ساخت لکوموتیو هم ورود پیدا کرد و در فاصله زمانی ۱۸ ماهه کارخانه را از صفر تا تولید اولین محصول تأسیس و

مپنا در کنار سایر حوزه‌های کاری اش نمی‌تواند نسبت به مسئولیت اجتماعی بی‌توجه باشد. مپنا خود را جزئی از یک الگوی توسعه پایدار می‌داند و خودش را در مقابل عناصر توسعه پایدار یعنی اقتصاد، جامعه و محیط زیست مسئول می‌داند

احداث کرد که این یک رکورد در کشور ما محسوب می‌شود. گروه مپنا با ورود به این حوزه کسب و کار، علاوه بر این‌که توانست دانش را از شرکت صاحب تکنولوژی اخذ و آن را بومی کند، لکوموتیوهای جدیدی را هم طراحی کرده است.

به عنوان نمونه ما لکوموتیو تونلی را طراحی و تولید کردیم و تحویل مشتری داده‌ایم. این نوع لکوموتیو، ماشینی است که در حفاری تونل‌ها و معادن مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمونه دیگر طراحی و ساخت لکوموتیو باری است. امروز اولین نمونه لکوموتیو باری به بهره‌برداری رسیده و در حال انجام تست‌های عملیاتی است. علاوه بر این، ما در این حوزه، پروژه‌هایی در حوزه حمل و نقل ریلی درون شهری نیز در دست اجرا داریم. مپنا بر اساس ظرفیت‌های خود در عرصه‌های دیگری هم وارد شد. یکی از پروژه‌های مهمی که در این زمینه با ماهیت ساخت و تولید اجرا کرده‌ایم، ساخت توربوکمپرسورهای انتقال گاز برای نصب در خطوط سراسری انتقال گاز کشور است. ما هم‌چنین در حوزه نفت و گاز، توانایی حفاری در خشکی و دریا را به دست آورده و پروژه‌های حفاری مختلفی را برای مجموعه شرکت نفت اجرا کرده‌ایم. در این زمینه، مهم‌ترین تحولی که در مپنا صورت گرفته، ورود به حوزه اکتشاف و تولید میادین نفت و گاز است.

مپنا، در دو سه سال اخیر، در صنعت سلامت نیز وارد شده تا به جای وارد کردن دستگاه‌های

پیشرفته تصویربرداری پزشکی، تولید این تجهیزات را هم داخلی‌سازی کند. گروه مپنا به عنوان یک توسعه‌دهنده، همیشه در کنار دولت و مردم بوده است.

در حقیقت مپنا پنج بخش اصلی دارد که چهار بخش آن ماهیت کسب‌وکاری دارد. بخش برق، بخش سرمایه‌گذاری، بخش حمل و نقل ریلی و بخش نفت و گاز. در حوزه کسب‌وکارهای جدید هم گروه مپنا به شدت فعال است و خیلی جدی به آن فکر می‌کند.

گروه مپنا یک شرکت دولتی است؟

خیر، مپنا یک شرکت خصوصی است. البته از اول دولتی بود و سهام آن دست وزارت نیرو بود. بعد از واگذاری‌هایی که اتفاق افتاد سهام شرکت توزیع شد. امروز حدود ۲۵ درصد سهام آن در اختیار سهام عدالت، حدود چهل و هفت درصد آن در اختیار شرکت سرمایه‌گذاری صبا، یازده درصد هم در اختیار کارکنان گروه مپنا و ده درصد آن در اختیار مردم در بازار بورس است. بنابراین مپنا یک شرکت سهامی عام است و حدود پنج درصد از سهام آن نیز در اختیار سرمایه‌گذاری بانک پاسارگاد است.

شما به عنوان یک شرکت دوستدار معلولان، در زمینه مسئولیت اجتماعی خود چه فعالیتی در دست اجرا دارید؟

مپنا در کنار سایر حوزه‌های کاری، نمی‌تواند نسبت به مسئولیت اجتماعی خود بی‌توجه باشد. مپنا خود را جزئی از یک الگوی توسعه پایدار می‌داند و در مقابل عناصر توسعه پایدار یعنی اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست احساس مسئولیت می‌کند. البته وقتی شرکتی خود را در مقابل این سه رکن مسئول می‌داند، نمی‌تواند رفتاری بروز دهد که اقتصادی نباشد. بنابراین مپنا به عنوان یک کسب و کار اقتصادی، از یک طرف باید رفتارهایی متناسب با منافع اقتصادی داشته باشد و از طرفی سهامدارانش را تأمین کند و منافع نمی‌تواند اقتصاد را منهای جامعه دنبال کند.

در جامعه ما مسایل متعددی وجود دارد که یکی از آنها معلولیت است. بنابراین در کنار نگاه خاص به معلولیت، خود را به محیط پیرامونی خود، به جامعه و به محیط‌زیست هم مسئول می‌دانیم. وقتی به جمیع این



یکی از سیاست‌هایی که در منابع انسانی می‌گنجد کار داوطلبانه است و این که بتوانیم در یک مسیر طولانی کارکنان را به جایی برسانیم که هر کدام در یک یا چند سازمان مردم نهاد، عضو شوند

موارد فکر می‌کنیم، می‌بینیم که در تعامل با ارکان دیگری که در جامعه نقش آفرینی می‌کنند، باید نقشی ایفا کنیم. طبیعی است که اگر قرار باشد گروه مپنا نقشی در جامعه افراد دارای معلولیت ایفا کند، نمی‌تواند و نباید خودش مجموعه‌ای مثل رعد بسازد. ما می‌توانیم در مواردی در کنار این مرکز قرار بگیریم و در تعامل با آن و با بهره‌گیری از تجربه‌های این مرکز این کار را انجام بدهیم.

البته ما مقطعی و کوتاه مدت فکر نمی‌کنیم. این که پنجاه دستگاه ویلچر بخریم و به جامعه معلولان بدهیم، البته کار خوبی است ولی نگاه ما را تأمین نمی‌کند. باید مسایل بزرگی را در این حوزه شناسایی کنیم و در حد بضاعتمان به حل آن کمک کنیم.

لازمه این کار شناخت بیشتر شما از مجموعه رعد است. ارتباط شما با رعد چگونه است؟

مهندس حقیقی: ما این بحث را شروع کرده‌ایم و دو نشست با مسئولان رعد داشتیم. یک نشست در مپنا مرکز و نشست دیگر را در رعد داشتیم. دوستان ما از مجموعه رعد بازدید کردند و با فعالیت‌های آن از نزدیک آشنا شدند. فعالیت مجموعه‌هایی مانند رعد واقعاً جای تقدیر دارد؛ چه از افرادی که این مرکز را راه‌اندازی کرده‌اند، چه کسانی که از آن حمایت می‌کنند تا رشد کند و چه آنهایی که در حفظ و تداوم آن تلاش می‌کنند. قطعاً چنین کارکردهایی بسیار با ارزش است. ما باید این مجموعه‌ها را بیشتر بشناسیم و وقتی می‌خواهیم بحث مسئولیت اجتماعی خودمان را پیگیری کنیم، بینم در کجاها می‌توانیم موثر باشیم.

ولی به هر حال بضاعت ما هم محدودیتی دارد و ناچاریم بین سه رکن اصلی، با تمرکز به رکن اقتصادی خود تعادلی برقرار کنیم. اینها بحث‌هایی هستند که در مراحل بعدی و در سطح کلان باید در موردش تصمیم‌گیری شود.

مهندس حسین توحیدی: کارشناس شرکت مشاوره مدیریت مپنا و مشاور پروژه مسئولیت اجتماعی گروه مپنا: اگر بخواهیم صحبت‌های آقای حقیقی را تکمیل کنم باید بگویم که ارتباط ما با مؤسسه رعد، نمونه اولیه همکاری ما با یک سازمان مردم نهاد است. به عبارتی بنگاه‌های اقتصادی، اصولاً در حوزه

وضعیت آموزش و پرورش در ایران برگزار کردیم. چون آموزش و پرورش یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار است و اگر جوامع پیشرفته به رشد و توسعه رسیده‌اند، از مدرسه شروع کرده‌اند. امیدواریم نشست دوم را در حوزه معلولان و با مرکز رعد داشته باشیم و این نشست‌ها را ادامه دهیم تا مدیران، کارشناسان و کارکنان مپنا با این موضوعات اجتماعی آشنا تر شوند و صرفاً در حوزه تخصصی خود باقی نمانند و بدانند در بیرون چه اتفاقاتی می‌افتد.

در آمارهای کشورهای پیشرفته و توسعه یافته دیده می‌شود که هر شهروند حداقل عضو سه سازمان مردم نهاد است و در این مراکز فعالیت می‌کند و این چیزی است که با آن فاصله زیادی داریم.

از آنجا که یکی از دغدغه‌هایی که افراد دارای معلولیت دارند، رسیدن به اشتغال پایدار است، فکر می‌کنید آنها چه تخصص‌هایی باید داشته باشند تا بتوانند در مپنا وارد کار و فعالیت شوند؟

مهندس حقیقی: حتماً یکی از بحث‌هایی که در آینده می‌توان به آن پرداخت همین بحث است. ما معتقدیم باید خودمان را در مقابل دغدغه‌هایی از این جنس مسئول بدانیم و فکر کنیم که چه سهمی از این مسئولیت را می‌خواهیم به دوش بکشیم و چه کاری را با توجه به بضاعتمان می‌توانیم انجام بدهیم.

مسایل اجتماعی و محیط زیست تخصص زیادی ندارند و بهتر است با الگوهایی که بقیه تست کرده‌اند و به نتیجه رسیده‌اند همراه شوند و با آنها به یک راهکار تعاملی برسند که هر دو طرف منتفع شوند. اگر به کسب‌وکارهای سنتی نگاه کنیم می‌بینیم که آنها خودشان می‌خواستند به سراغ مسئولیت اجتماعی بروند و خودشان به مقوله‌های مختلف ورود می‌کردند که این یک عدم کارایی به همراه داشت.

دلیلش هم این است که مگر کسب و کار، معلولیت را می‌شناسد یا مگر می‌داند که گرمایش جهانی چیست یا سرطان چیست؟ این مسائل که تحت عنوان موضوعات اجتماعی و محیط زیستی شناخته شده‌اند، متولیانی دارند که به‌طور تخصصی روی آن کار می‌کنند. پس حالت بهینه برای بنگاه‌های اقتصادی این است که این متولیان را شناسایی کنند و وارد یک تعامل استراتژیک با آنها شوند.

همانطور که جناب حقیقی فرمودند مجموعه رعد یکی از این مجموعه‌هاست. ما ذیل پروژه‌های مسئولیت اجتماعی مپنا، نشست‌هایی تحت عنوان نشست‌های مپنا، جامعه و محیط‌زیست طراحی کرده‌ایم که قرار است به موضوعات اجتماعی، محیط‌زیستی و جامعه بپردازد. اگر بخواهیم یک بررسی اولیه انجام دهیم باید بگویم که حدوداً سی موضوع مهم را شامل می‌شوند. ما دی ماه اولین نشست را با موضوع





رویکردهای این‌چنینی، رویکردهای مهمی هستند که ذیل همان الگوی رفتاری هوشمندانه باید انجام شوند. مهندس غضنفری، مدیر امور ارتباط با مشتریان گروه مپنا: همان‌طور که مهندس حقیقی اشاره کردند به دنبال این هستیم که یک روش عملیاتی بین گروه مپنا و مرکز رعد پیدا شود. به نظر می‌آید هر دو مؤسسه باید بیشتر یکدیگر را بشناسند تا بتوانند به یک راهکار عملیاتی با ثبات برسند که جنبه مقطعی و احساسی نداشته باشد. به دنبال این هستیم که در مجموعه مسئولیت‌های اجتماعی‌مان توجه ویژه‌ای به مؤسسه رعد داشته باشیم. اینکه چه زمانی به یک راهکار عملیاتی برسیم هنوز معلوم نیست ولی داریم روی آن کار می‌کنیم و حتماً به نتیجه مطلوب خواهیم رسید.

نگاه به مسئولیت‌هایی که در مقابل اجتماع و محیطی که در آن زیست می‌کنیم، ما را ملزم می‌کند که در تعامل با مجموعه‌های مختلف قرار بگیریم. البته مقطعی و کوتاه مدت فکر نمی‌کنیم. اینکه بیابیم و پنجاه دستگاه ویلچر بخریم و به جامعه معلولان بدهیم، البته کار خوبی است ولی احتمالاً نگاه ما را تأمین نمی‌کند. ما فکر می‌کنیم باید مسایل بزرگ‌تری را در این حوزه شناسایی کنیم و در حد بضاعت‌مان به حل مشکلاتش بپردازیم

کارهای خودمان و مسایلی که درگیرش هستیم برسیم.

مهندس حقیقی: این همان بخش اول یا اندیشه است. یعنی باید در چنین حوزه‌ای به‌گونه‌ای وارد شویم که بعدها بتوانیم از رفتار خود دفاع کنیم. نباید احساسی وارد موضوع شویم. یکی از کارهایی که به‌طور جدی دنبال می‌کنیم ساخت پروتزیهای برای توان‌یابان است. شرکتی به نام پرتو داریم که خیلی پیشرفته است و یکی از کارهای خاصی که می‌تواند انجام دهد ساخت پروتزیهای کلیدی برای مصرف‌کنندگان است. این چیزی است که اگر بتوانیم به آن برسیم، هم اقتصادی است و هم پاسخگوی کسب و کارمان است و هم به مسایل جامعه توجه شده است.

آیا قرار نبود که میان مپنا و مؤسسه رعد تفاهم‌نامه‌ای به امضا برسد؟

مهندس حقیقی: مذاکراتی در این مورد توسط دوستان انجام شده است ولی من شخصاً معتقدم که با امضا تفاهم‌نامه و کاغذ مشکلی حل نخواهد شد. اگر رویکردهای عملیاتی‌تری را دنبال کنیم، احتمالاً موثرتر خواهد بود.

رفتار هوشمندانه رفتاری است که مبنی بر اندیشه، احساس و رفتار باشد و هر سه آنها با هم دنبال شوند. اگر بخواهیم در یک الگوی هوشمندانه در تعامل با مرکزی مثل رعد قرار بگیریم و ظرفیت جدیدی خلق کنیم، باید اول به ابعاد راهبردی موضوع خوب بیندیشیم و به راه‌حل برسیم. آن وقت می‌توانیم ادعا کنیم که این اقدام هوشمندانه بوده و ذی‌نفعان، که توان‌یابان هستند از آن بهره‌برد. در غیر این صورت چیزی بیشتر از حرف و شعار نخواهد بود و در آخر هم کسی که هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد، توان‌یابان هستند.

ارتباطات اولیه شما با رعد چگونه شکل گرفت؟

مهندس توحیدی: آقای مهندس شامخی که از دوستان خوب ما در معاونت تحقیق و توسعه مپنا هستند، ارتباط نزدیکی با رعد دارند. ایشان از ما خواستند که بازدید از مجموعه نیکوکاری رعد داشته باشیم. بازدید انجام شد و متوجه شدیم که این سازمان مردم‌نهاد، نسبت به بقیه سمن‌ها حرفه‌ای‌تر عمل می‌کند، سابقه کاری قابل قبولی دارد و رویه‌هایش شکل گرفته است. بعد از رفت و آمدهایی که با مدیران رعد داشتیم به فکر این هستیم که به مدل و الگویی مناسب برای همکاری برسیم و موضوعاتی را انتخاب کنیم که ربط معنی‌داری به کسب و

شرکت پکتوس اولین موسسه نه فقط در ایران، بلکه در خاورمیانه است که کار بر حوزه تولید نرم‌افزار و سخت‌افزارهای مناسب نابینایان برای دسترسی آنها به فناوری اطلاعات را آغاز کرده‌است. سعید صادقی‌پور مدیر عامل این شرکت، دارای لیسانس برق از دانشگاه صنعتی شریف و فوق‌لیسانس مدیریت از سازمان مدیریت صنعتی است. او از کارهایی می‌گوید که برای اولین بار در این شرکت جامه عمل پوشیده‌است. این گفت‌وگو را می‌خوانید:



سعید صادقی‌پور مدیر عامل شرکت پکتوس

پروژه‌های ما در مورد نابینایان، بنا بر مسئولیت اجتماعی ما است

در بحث کسب و کار در حوزه فناوری اطلاعات بودیم که شرکت به تدریج به سمت فناوری اطلاعات در خدمت نابینایان حرکت کرد. در سال ۷۶ بود که ما جایزه جشنواره خوارزمی را به عنوان واحد نمونه تحقیق و توسعه کشور دریافت کردیم و این جایزه نقطه عطفی برای تمرکز بیشتر ما روی این پروژه شد.

لطفا در مورد کسب و کاری که در شرکت پکتوس با موضوع کمک به نابینایان شکل گرفت توضیح دهید؟

در بحث نرم‌افزاری اولین و مهم‌ترین نکته این بود که نرم‌افزاری که متن را به گفتار فارسی تبدیل کند، در آن زمان وجود نداشت. در انگلیسی هم هنوز خیلی نوپا بود. نیاز بود که چنین نرم‌افزاری وجود داشته‌باشد که در هنگام استفاده از مانیتورهای بینایی، متن را برای دوستان نابینا بخواند، چه موقعی که تایپ می‌کنند و چه بعد از این که متنی تایپ شد و چه این که متن تولید شده کتابی باشد که می‌خواهند بخوانند.

فوایدی که کامپیوتر برای نابینایان دارد، فراتر از خدماتی است که به بینایان دارد

لطفا در مورد نوع کار خود بیشتر توضیح دهید؟

فعالیت ما در حوزه تولید نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مناسب نابینایان برای دسترسی آنها به فناوری اطلاعات است. در ادامه به تولید محتوا و دسترسی آنها به فناوری و تولید محتوا و آموزش هم رسیدیم. یعنی در مدت ۲۶ سال در همه حیطه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات وارد شدیم و خوشبختانه نسبتاً هم موفق بوده‌ایم.

لطفا در مورد تاسیس شرکت پکتوس و انگیزه‌ای که برای تاسیس آن داشتید بگوئید؟

هیات موسس این شرکت چهار نفر از فارغ‌التحصیلان رشته برق دانشگاه صنعتی شریف هستند. سال‌های ۶۷-۶۸ بود که با بحث کامپیوتر در خدمت نابینایان آشنا شدیم. البته در آن زمان که این شرکت را تاسیس کردیم، هنوز بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات مطرح نشده بود. در سال ۶۹ شرکت پکتوس را ثبت رسمی کردیم. خود من قبل از فارغ‌التحصیلی با این بحث آشنا شده بودم که کامپیوتر چه خدمات موثری می‌تواند برای نابینایان داشته‌باشد. واقعیت این است که فوایدی که کامپیوتر برای نابینان دارد، فراتر از خدماتی است که به بینایان دارد. این خدمات برای نابینایان از خواندن و نوشتن شروع می‌شود. به هر حال در سال ۶۹ این شرکت را در زمانی که چنین کسب و کاری در ایران وجود نداشت، تاسیس کردیم. به جرات می‌توانم ادعا کنم که کسب و کار فناوری اطلاعات و ارتباطات برای نابینایان را ما در ایران بوجود آوردیم.



اولین کاری که انجام دادیم و به ثبت اداره انفورماتیک هم رساندیم، تولید اولین نرم‌افزار تبدیل متن به گفتار فارسی به نام «پک جاز» بود که در سال ۷۳-۷۴ انجام شد. که حروف را تک تک می‌خواند مثلاً سلام را «س ل ا م». دوست خوبمان آقای هادیان که رییس دفتر مشاوره دانشجویان نابینای دانشگاه اصفهان هستند، در آن موقع دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی بودند و پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان اولین پایان‌نامه‌ای بود که یک فارغ‌التحصیل نابینا خودش با این نرم‌افزار تایپ و تصحیح کرده بود. روی پایان‌نامه هم ذکر شده بود که تایپ و تصحیح توسط خودم و با نرم افزار «امید» انجام شد.

آن موقع کامپیوترهای ایکس تی و ای تی، کارت صوتی نداشت. ما خودمان کارت صوتی ساختیم و خروجی صوتی را از طریق آن فراهم کردیم. الان کارت صوتی روی همه بوردها هست ولی آن موقع نبود و ما خودمان آن را ساختیم و نصب کردیم.

از دیگر کارهای شرکت ما تامین کیبورد بریل بود که به کارت صوتی وصل می‌شد. این کار را هم ما برای نابینایان انجام دادیم.

اولین دوره کلاس کامپیوتر برای نابینایان را در مرکز نابینایان رودکی ظهیرالاسلام با حضور پنج نفر از آقایان و پنج نفر از بانوان نابینا شروع کردیم. آقای علی صارمی و خانم هنگامه صابری از شاگردان آن دوره بودند. یعنی بحث آموزش را هم به کارهایمان اضافه کردیم چون بدون آموزش، این تجهیزات کارایی نداشتند. همزمان در مرکز ظهیرالاسلام روی چاپ بریل هم کار کردیم. چون آموزش و پرورش استثنایی فقط کتاب‌های کلاسیک دوره تحصیلی را به صورت بریل تهیه می‌کرد. بنابراین تولید کتاب بریل هم از اولین کارهای ما بود که بسیار دشوار بود. یادم می‌آید که مجله صنعت چاپ در سال ۷۴، در روز جهانی نابینایان تیتراژ که «چاپ بریل هم در ایران مکانیزه شد».

بعد از نرم افزار بریل، مهم‌ترین دغدغه ما تولید مانیتور بریل بود. در آن زمان بحث صرفه‌جویی در کاغذ، حفاظت از محیط زیست و گرانی و حجیم بودن کتاب‌های بریل نیز شروع شده بود. چون یک صفحه بینایی با فونت معمول برابر شش تا هشت صفحه بریل با کاغذ بریل ۱۱۰ گرمی به بالا می‌شود. لذا مصرف کاغذ برای کتاب‌های بریل چند برابر کتاب‌های معمولی است و امکان این‌که فونت بریل را کوچک کنیم هم

اولین کاری که انجام دادیم و به ثبت اداره انفورماتیک هم رساندیم، تولید اولین نرم‌افزار تبدیل متن به گفتار فارسی به نام «پک جاز» بود که در سال ۷۳-۷۴ انجام شد

وجود نداشت. بنابراین بحث کتاب الکترونیکی در سراسر دنیا خیلی زودتر از کتاب‌های بینایی باب شد و ما هم وارد این بحث شدیم.

یکی از کارهای موفق ما تولید کتاب الکترونیکی بریل بود. در آن زمان بحث کتاب الکترونیکی به تازگی در دنیا مطرح شده بود و این توسعه و همه‌گیری در جامعه بینایی وجود نداشت. بنابراین بر تولید مانیتور بریل متمرکز شدیم.

مانیتورهای بریل خارجی علاوه بر گران بودن، مشکل وارد شدن به ایران را هم داشتند و البته پشتیبانی زبان فارسی هم نداشتند، در حالی که تبدیل متن به گفتار به زبان انگلیسی و آلمانی و فرانسه از قبل وجود داشت ولی به زبان فارسی چنین امکانی نبود. در مورد مانیتور بریل هم پشتیبانی فارسی وجود نداشت و باید نرم‌افزارهایش را بومی‌سازی می‌کردیم. بنابراین مانیتور بریل را ساختیم و مجموعه فرهاد که شامل مانیتور بریل، پرینتر بریل و کارت صوتی بود، در سال ۷۶ برنده جشنواره خوارزمی شد. این اتفاق توجه سازمان‌های حمایت‌کننده دولتی را به ما جلب کرد.

تا سال ۷۶ هیچ‌گونه توجه اقتصادی برای این کار وجود نداشت. تامین اعتبار پژوهش در دانشگاه‌ها و مراکز دولتی، بر عهده دولت است ولی منابع پژوهشی ما از محل فروش کامپیوتر و نرم افزارهای حسابداری و انبارداری تامین می‌شد و نمی‌توانستیم تمام توانمان را روی بحث نابینایان بگذاریم. در آن زمان هم وارد بحث آموزش و هم وارد بحث تولید محتوا در کتابخانه الکترونیکی شده بودیم و پیشرفت‌مان کندتر شده بود.

پس از جشنواره خوارزمی توجه‌ها به ما بیشتر شد و پروژه‌هایی مثل تهیه کامپیوتر برای نابینایان تامین اعتبار شد.

سازمان بهزیستی هم با ما وارد قرار داد شد و تعدادی از مانیتور بریل را خرید و این به ما امکان مالی داد که بتوانیم روی پروژه‌های دیگر کار کنیم. این نقطه عطفی بود که باعث شد کیفیت تبدیل متن به گفتار بهتر شود. ما مجموعه فرهاد را به ثبت اختراع رساندیم و تا به حال هم ده ثبت اختراع داشته‌ایم. یکی از اختراعات را هم می‌خواهیم در امریکا به ثبت برسانیم.

مشکل دیگری که وجود داشت این بود که نمی‌توانستیم تصویر و گرافیک را از طریق صوت و بریل انتقال دهیم. بنابراین به دنبال انتقال تصاویر رفتیم. کاغذهای خاصی از یک تولیدکننده تهیه کردیم و از شرکت «زایکن» انگلستان نمایندگی گرفتیم و وارد کردیم. حسن این کاغذها این است که به رنگ مشکی حساس است و اگر رویش پرینت بگیریم، کپی کنیم یا حتی متنی را دستنویس کنیم، وقتی از یک دستگاه حرارتی و نوری عبور می‌کنند این خطوط مشکی، برجسته و توسط افراد نابینا قابل لمس می‌شوند. این روش در انتقال مفاهیم تصویری اشکال هندسی و نقشه‌های جغرافیایی نیز قابل استفاده است. برای انتقال مفاهیم تصویری دستگاه سرور را ساختیم و به ثبت اختراع رساندیم. روش کار به این صورت است که وقتی با دست، خطوط برجسته لمس شوند، به صورت صوتی هم مشخصات آن اعلام می‌شود که مثلاً استان تهران با این تعداد جمعیت و این‌قدر مساحت و غیره در این نقطه قرار دارد.

انتقال مفاهیم تصویری را با این ابزار شروع کردیم و توسعه دادیم که الان خوشبختانه حداقل در مراکز استان کشور در بخش فراگیر کتابخانه‌های مخصوص کودکان نابینا در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این تجهیزات وجود دارد.

آیا شما تنها شرکت تولیدکننده این تجهیزات در ایران هستید؟

بله، ما اولین تولیدکننده این تجهیزات در ایران هستیم. ولی از سال‌های ۸۲-۸۳ در نرم‌افزارهای تبدیل متن به گفتار فارسی چند شرکت دیگر هم اضافه شدند. مثل عصر گویش پرواز، خانه نورجانازان پارسا و شرکت گاتا که آنها هم اکثراً همکاران خود ما هستند. ولی در تولید تجهیزاتمانند مانیتور بریل و انتقال مفاهیم تصویری به جز شرکت ما، تولیدکننده دیگری در ایران وجود ندارد.





از همان روز اول که برنامه تبدیل متن به گفتار را تهیه کردیم، تلاش کردیم که مصوبه شورای اجتماعی کشور را بگیریم که دولت این امکانات را فراهم کند تا استفاده‌اش برای متقاضیان رایگان باشد

ما کیبورد مانیتور بریل داریم و خود این دستگاه به عنوان یک همراه هوشمند با وزنی حدود ۷۰۰ گرم و قابل حمل و نقل ارائه می‌شود.

در بحث سخت‌افزاری این دستگاه، سه سال است که کار می‌کنیم و به جرات می‌توان گفت از نظر نرم‌افزار فارسی موجود در جهان، یکی از بهترین‌ها است. برجسته‌نگارها عموماً خروجی صوتی ندارند و فقط خروجی بریل دارند در حالیکه این دستگاه هم خروجی صوتی و هم بریل دارد. نرم‌افزار فروش هم که انتقال مفاهیم تصویری است که با «یو اس پی» به کامپیوتر منتقل می‌شود. پروژه آینده ما این است که مستقل از کامپیوتر و همانند برجسته‌نگار تلفن همراه قابل استفاده در کلاس‌های درس مخصوصاً برای نقشه‌های جغرافیایی باشد.

این سیستم کاملاً فردی قابل حمل و برنامه‌پذیر است و سیستم عامل «لینوکس» دارد. هم‌چنین نرم‌افزار «ای اس پیک» کیفیت صوتی خوبی ندارد و نابینایان به اجبار از آن استفاده می‌کنند. در تلاشیم که بتوانیم با کیفیت «تی تی اس» و ویندوز یعنی کاملاً بر مبنای صدای انسانی و کاملاً شفاف آماده‌سازی‌اش کنیم. منتهی شرایط کسب و کار این فناوری مانند کسب کارهای دیگر خوب نیست و بدون حمایت سیستم‌های دولتی امکان بهتر شدن ندارد.

چگونه با رعد آشنا شدید؟

در اوایل کارمان بودیم که در سال‌های ۷۲-۷۳ از طریق آشنایی با بازارچه نیکوکاری رعد، برای اولین بار به رعد آمدم. پس از آن در سال‌های ۷۶-۷۷ آموزش «ال سی دی ال» برای نابینایان را به مرکز رعد پیشنه‌اد دادم البته میدانم

نابینان ندارد بلکه با بودجه سازمان‌های حمایتی مرتبط است.

ارتباط شما با سمن‌های نابینایان چگونه است؟

ارتباط بسیار خوبی با مراکز مردم نهاد نابینایان داریم. من بیش از پانزده سال است که مشاور و مدیر عامل انجمن نابینایان ایران هستم. شرکت ما در فناوری اطلاعات بازوی اصلی انجمن نابینایان ایران است. ارتباط بسیار نزدیکی با شبکه تشکلهای نابینایان کشور، آقای دکتر معینی و دکتر صابری داریم و تقریباً تمام طرح‌های این شرکت با نظر دوستان پیش می‌رود، طراحی می‌شود و بازخورد گرفته می‌شود تا به تولید برسد. چشم انداز آینده شما چیست و چه برنامه‌های جدیدی در دست اجرا دارید؟ تمام پروژه‌های ما در حال توسعه و بازنگری مطابق با تکنولوژی روز است. مثلاً تا چند سال قبل تبلت و موبایل نبودند ولی الان که این امکانات هست ما هم در صنعت نابینایان به اندروید و تلفن همراه رو آوردیم. برجسته‌نگار کردن تلفن همراه از برنامه‌های جدید ماست. خوشبختانه امسال چندین قرارداد در این حوزه بسته شده که باید به موقع تحویل داده شود.

برجسته‌نگار تلفن همراه امسال تهیه خواهد شد که به صورت بی‌سیم، بلوتوث، وای‌فای متصل به اندروید می‌شوند و به جرات می‌توان گفت که همه دوستان نابینایی که با فناوری اطلاعات سر و کار دارند، می‌توانند از آن استفاده کنند. این دستگاه قابل استفاده در مدرسه و دانشگاه است و قابلیت استفاده هشت ساعت به صورت شارژ شده برای آن وجود دارد. قبلاً برجسته‌نگارهای ما همه متصل به کامپیوتر و تحت ویندوز بودند ولی این‌جا

آیا آماری از تعداد نابینایان در کل کشور دارید؟

آمار ما همان آمار بهزیستی است. آمار بهزیستی هم در دو بخش است، یکی آماری که بر اساس طرح تحقیق سازمان بهداشت جهانی و دانشگاه علوم بهزیستی تهیه شده که می‌گوید هفت در هزار از جمعیت کشور اختلالات شدید بینایی دارند که اگر جمعیت کشور را ۸۰ میلیون نفر در نظر بگیریم این آمار چیزی حدود ۵۶۰ هزار نفر است. آمار دیگری که در روز جهانی نابینایان اعلام شد، حدود ۱۳۲ هزار نفر هستند که در سازمان بهزیستی برایشان کارت معلولیت صادر شده و مشخصات آنها را سازمان بهزیستی وجود دارد. تفاوت بین این دو آمار نابینایی هستند که توسط سازمان بهزیستی شناخته شده نیستند و کارت معلولیت هم برایشان صادر نشده است. قرار بود در سرشماری سال ۹۵ آماری از همه افرادی که به نوعی معلولیت دارند گرفته شود که متأسفانه این کار انجام نشد.

چرخش اقتصادی شرکت پکتوس چگونه است؟ آیا به تعداد نابینایان ارتباط دارد؟

خیر، تعداد افراد نابینا ارتباطی با گردش مالی شرکت ما ندارد. گردش مالی ما به سازمان‌های حمایتی بستگی دارد. متأسفانه نابینایی در جهان و در ایران رو به افزایش است. گرچه علل نابینایی در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه با هم متفاوت هستند ولی به هر حال تعداد نابینایان کشور ما هم بیشتر از قبل شده است این در حالیست که بودجه‌ای که سازمان بهزیستی برای تجهیزات نابینایان هزینه می‌کرد بیشتر از الان بود. بنابراین کسب و کار در حوزه نابینایان ارتباط مستقیمی با تعداد



به عنوان یک شرکت دوستدار معلولان توصیه‌تان به دیگر شرکت‌های مرتبط به تکنولوژی یا اشتغال چیست؟

مسئولیت اجتماعی مستقل از بحث کسب و کار است. در مسئولیت اجتماعی اگر قرار به چرتکه انداختن باشد دیگر مسئولیت اجتماعی نیست. شرکت‌ها و سازمان‌های مستقل در قبال هموطنانشان مسئولیت دارند که به بخشی از هموطنان کمک کنند، آنها را به اشتغال درآورند، آموزش دهند یا حداقل به انجمن‌های مربوط به توانیابان کمک کنند تا آنها توانمند شوند. یکی از موفق‌ترین پروژه‌هایی که داشتیم با شرکت سامسونگ بود که پخش الکترونیک تمام کتابخانه‌های امید سامسونگ برای نابینایان، همان برجسته نگار شرکت ماست.

پروژه‌های ما در مورد نابینایان، بنابراین مسئولیت اجتماعی ما بوده است. نمی‌شود شرکت خودروسازان بگوید آلودگی هوا ربطی به من ندارد. علاوه بر این برای شرکت‌هایی مثل ما که در حوزه فناوری اطلاعات کار می‌کنیم خیلی جالب بود که از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه‌های مختلف علاوه بر اشتغال در ارتقا کیفیت زندگی معلولان و هم وطنان خودمان و دیگر افراد دنیا فعالیت کنیم. پس یکی بحث علمی و حرفه‌ای است و یکی هم بحث انسانی است. متأسفانه در حال حاضر در بخش اشتغال و کسب و کار شرکتها با مشکلاتی روبه رو هستیم و تقریباً پروژه‌های حمایتی در این حوزه در حال حاضر تعطیل است.

امیدواریم وضعیت اقتصادی در حوزه فناوری اطلاعات روزی بهتر شود که شرکت‌های مختلف در این حوزه کار کنند و بتوانند به خدمات اجتماعی بپردازند و ایران هم مثل کشورهای اروپایی به توسعه در حوزه تکنولوژی و «ای سی تی» دست پیدا کند. در حال حاضر نه تنها صنعت فناوری اطلاعات که همه صنایع دچار مشکل هستند.

قاب فناوری اطلاعات برتر
به سامانه خدمات بانکی نابینایان
تعلق گرفت، که من آن را با یک نامه
خدمت آقای مهندس میرزا خانی
تقدیم نمودم

خوبی است.

اگر فرد نابینایی بخواهد این امکانات را از شرکت پکتوس تهیه کند باید مستقیماً با شما تماس بگیرد؟

ما از همان روز اول که برنامه تبدیل متن به گفتار را تهیه کردیم، تلاش کردیم که مصوبه شورای اجتماعی کشور را بگیریم که دولت این امکانات را فراهم کند تا استفاده‌اش برای متقاضیان رایگان باشد. یعنی سازمان‌های حمایتی مثل بهزیستی باید امکانات را تهیه و در اختیار نابینایان قرار دهند. به عبارتی ما باید این تجهیزات را تولید کنیم و وقتی به تایید رسید، واگذاری آن بر عهده سازمان‌های دولتی است.

در مورد نرم افزار «نت تیکر» هم تلاشمان این است که دولت آن را بخرد و نابینایان به طور رایگان از آن استفاده کنند. معمولاً افراد نابینا مثل سایر گروه‌های معلولیتی خانواده‌های متمولی ندارند. حتی یک استاد دانشگاه نابینا در آمدش از یک استاد بینا کمتر است، در صورتی که هزینه‌هایش بیشتر است.

در این مرکز کارآموز نابینا ندارند. به هر حال همیشه در کنار فعالیت‌های رصد بوده‌ایم. یکی از موفقیت‌های ما که امسال در همایش مدیران فناوری در برج میلاد برگزار شد، تعلق گرفتن قاب فناوری اطلاعات برتر به سامانه خدمات بانکی نابینایان بود که من آن را خدمت آقای مهندس میرزاخانی تقدیم کردم. یعنی ارتباط و ارادت ما نسبت به رصد همیشه وجود داشته است.

من در یونیسف در جلسه یونسکو در بحث نابینایان شرکت کردم و طرح‌هایمان را در تکنولوژی و فناوری اطلاعات نابینایان و در بحث آموزش توانیابان شرح دادم که بسیار متعجب شدند. وقتی مانیتور بریل را ارائه کردم خیلی برایشان جالب بود که ما در ایران تولید کننده مانیتور بریل هستیم چون در کشورهای منطقه فقط ما هستیم که تولید کننده این محصول است.

آیا در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای افراد جسمی و حرکتی هم فعالیتی کرده‌اید؟

کارهای زیادی در حال انجام است. الان تکنولوژی تبدیل صوت به متن، برای افرادی که مشکل صحبت کردن ندارند ولی مشکل تایپ کردن دارند، وجود دارد و چندین شرکت در این حوزه فعال هستند. یکی از پیشگامان در این زمینه شرکت «عصر گویش پرواز» است که یکی از فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف، آقای دکتر ویسی مدیریت آن را بر عهده دارد.

گوگل نیز پروژه خوبی را در این زمینه فراهم کرده که صحبت را تبدیل به متن می‌کند. اگر کسب و کار در حوزه فناوری توانیابان از هر نوع چه جسمی و حرکتی و چه ناشنوایی و چه نابینایی رونق داشته باشد، افراد تحصیل کرده ما که در زمینه تکنولوژی خیلی قوی هستند، در این زمینه‌ها فعال می‌شوند و این اتفاق



محمدرضا نجفی امامی از جمله توانیابانی است که سال‌هاست با تلاش و ممارست در رشته کارگردانی انیمیشن و سینما فعال شده و تخصص اصلی او خلق جلوه‌های ویژه است. او در کودکی دچار فلج اطفال شده و از ناحیه دست و پای راست دچار مشکل گردیده‌است. این گفت‌وگو شرح تلاش‌های محمدرضا نجفی امامی است.



محمدرضا نجفی امامی:

رعد ریشه‌های مرا قوی کرد!

ابتدا از تدریس در مجتمع رعد برایمان بگو بید؟

من یکسال در رعد تدریس انیمیشن و جلوه‌های ویژه کردم و می‌خواستم این برنامه را ادامه دهم که متأسفانه نشد. من پیشنهاد دادم همان‌طور که در مرکز علمی کاربردی رعد افراد تندرست و افراد دارای معلولیت کنار هم درس می‌خوانند، در مجتمع رعد هم کلاس‌هایی بگذارید که افراد تندرست و توانیاب کنار هم بنشینند تا به آنها انیمیشن تدریس کنم.

وقتی فردی مثل من با وجود مشکلات جسمی در چنین کلاسی تدریس می‌کند، هم افراد تندرست انگیزه پیدا می‌کنند و هم بچه‌های توانیاب. از طرفی این بچه‌ها در مجاورت با هم ارتباط و دوستی‌هایی پیدا می‌کنند که اتفاق‌های بزرگ‌تری را در پیش خواهد داشت. چون خودم این تجربه را داشتم دوست داشتم، این اتفاق در رعد هم بیفتد. متأسفانه به دلایلی که نمی‌دانم، در آموزشگاه رعد از افراد تندرست ثبت نام نمی‌کنند، که این با ساختار ذهنی من متفاوت است. من همیشه گفته‌ام اگر رعد بتواند ۲۰

من همیشه به شاگردانم این نکته را می‌گویم که اگر می‌خواهید کار بزرگی انجام دهید اول از خودتان شروع کنید و منتظر کمک و حمایت دیگران نباشید

مطالعه کردم و کتاب خواندم و هم به‌طور عملی تجربه کسب کردم. حتی مجانی هم کار کردم تا توانستم به این مرحله برسم و حالا می‌خواهم این تجربه را به دیگران هم منتقل کنم.

از همه مهم‌تر این‌که در رعد بچه‌های بسیار خلاق و وجود دارند. شاگردی به نام علی شکول داشتم که ویلچری بود و با خودکاری در دهان، انیمیشن کار می‌کرد. من دوست دارم که شاگردانم کار را کاربردی یاد بگیرند نه فقط در تئوری. همه فکر می‌کنند خلاقیت به جسم مربوط می‌شود در حالی که خلاقیت به ذهن افراد مربوط است و افراد دارای معلولیت از خلاقیت خوبی برخوردار هستند.

زمانی که در رعد آموزش می‌دیدم مدرسین ما، مهندسين نرم‌افزار و سخت‌افزار بودند که خودشان شرکت داشتند و از نظر مالی هم مرفه بودند. وقتی این افراد را می‌دیدیم انگیزه می‌گرفتیم و به حرفشان گوش می‌کردیم. شما پیشرفت‌های خوبی داشته و به موفقیت رسیده‌اید، از این مسیر نه

کارآموز را در رشته انیمیشن به‌صورت کاربردی و نه به‌صورت تئوری آموزش دهد، وقتی این افراد وارد بازار کار می‌شوند همه جا می‌پیچد که رعد به‌صورت کاربردی آموزش می‌دهد. من خودم کارگردانی را به‌صورت کاربردی و در کنار کارگردان‌های دیگر یاد گرفتم و به دلیل علاقه‌ای که به این حوزه داشتم هم



چندان ساده هم برای ما بگویید. به نظر من اول باید ذهن امثال من درست بشود. وقتی ذهن من درست شد و اعتماد به نفس پیدا کردم، آن وقت است که برادرم، خواهرم، و دیگران به من کمک می‌کنند و من از کمک گرفتن ناراحت نمی‌شوم. پس اول باید ذهنیت افراد دارای معلولیت نسبت به خودشان تغییر کند. اگر آنها بتوانند خلاق باشند و مهارتی را از خودشان عرضه کنند، دیگران هم روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند. برای این‌که بچه‌ها بتوانند خود را به جامعه ثابت کنند، باید از مربیان و مدرسان حرفه‌ای و توانمند بهره بگیرند. اگر چنین مربیانی وجود نداشته باشند، توانیابان پیشرفت نمی‌کنند. رعد زمین حاصلخیزی را ایجاد کرده که باید دانه‌های مستعد در آن کاشته شوند. اگر زمین هم حاصلخیز نباشد، بذرها مستعد از بین می‌روند.

لطفاً در مورد نوع معلولیت خود کمی صحبت کنید؟

من در کودکی دچار فلج اطفال شدیدی شدم، به طوری که تمام بدنم از کار افتاد و پزشکان از من قطع امید کردند. خانواده من که اعتقادات مذهبی داشتند، نذر کردند که هر سال روز تولد امام رضا مرا به مشهد ببرند. بعد از هفت سال من از نظر مغزی و چشمی شفا یافتم و الان هم فقط دست راست و پای راستم دچار مشکل است که با بریس راه می‌روم.

از کودکی به مدرسه عادی می‌رفتم. وقتی که ۱۶ ساله بودم و در دبیرستان تحصیل می‌کردم از طریق یکی از همسایگان که در موسسه رعد، کاردرمانگر بود، با این موسسه آشنا شدم. از وقتی که در کلاس‌های رعد شرکت کردم، اعتماد به نفس من چند برابر شد. تا قبل از آن بسیار خجالتی بودم. ولی حضور در مجتمع رعد و آشنایی با اساتید و روانشناسان این مرکز خصوصاً دکتر افشنگ، باعث شد که زندگیم تغییر کند. الان دوستان به من می‌گویند تو بیشتر از حد اعتماد به نفس داری و مثل افراد تندرست رفتار می‌کنی! به عقیده من همه افراد به‌گونه‌ای معلولیت دارند. بعضی‌ها معلولیتشان به چشم می‌آید و عده‌ای هم معلولیتشان دیده نمی‌شود! پس دلیلی ندارد که احساس تفاوت با دیگران کنیم.

در ابتدای ورود به رعد از چه کلاس‌های آموزشی شروع کردید؟
من به کلاس‌های طراحی،

همه فکر می‌کنند خلاقیت به جسم افراد مربوط می‌شود در حالی که خلاقیت به ذهن افراد مربوط است و افراد دارای معلولیت از خلاقیت خوبی برخوردار هستند

نقشه‌کشی و گرافیک رفتم. در آن زمان نقشه‌ها با دست کشیده می‌شد ولی بعد با کامپیوتر کار کردیم. چون دست من مشکل داشت استادم به من توصیه کرد که با کامپیوتر و به صورت سه بعدی کارکنم، به همین دلیل با نرم افزار «تری دی مکس» آشنا شدم و از اینجا بود که وارد مبحث انیمیشن شدم و مسیر زندگیم تغییر کرد. من در حوزه انیمیشن تا الان بیش از ۵۰۰ کارآموز را تربیت کرده‌ام که شامل افراد تندرست و افراد دارای معلولیت است. من شاگردان قوی خود را در پروژه‌های سینمایی و انیمیشن وارد می‌کنم، تا از این طریق عملاً کار را یاد بگیرند.

چند سال در رعد بودید؟

من ۷ سال در موسسه رعد کلاس رفتم، آموزش دیدم و از محضر اساتید بسیار خوبی بهره‌برد. بعد از آشنا شدن با کامپیوتر پدر و مادرم برایم کامپیوتر خریدند. پس از گرفتن دیپلم بلافاصله وارد بازار کار شدم، البته سختی‌های زیادی در مسیرم بود چون هر کسی حاضر نمی‌شد مرا قبول کند. به خاطر دارم که در یک شرکت معماری که سه نفر را انتخاب می‌کرد، درخواست کار دادم. در امتحان شرکت کردم و زودتر از دو نفر دیگر سوالات را جواب دادم و از جلسه امتحان بیرون آمدم. وقتی مهندس مربوطه کارم را دید به من گفت، کار تو مورد قبول است، تا یک هفته دیگر خبرت می‌کنیم. بعد از یک هفته خبری نشد و برادرم را برای پیگیری فرستادم. او آمد و گفت: شخص دیگری که کارش بهتر بوده را انتخاب کرده‌اند. ولی بعد فهمیدم که علت قبول نکردن من معلولیتم بوده. آنها به برادرم گفته بودند، چون ساختمان پله دارد و این فرد برای بالا رفتن و پایین

آمدن از پله احتیاج به کمک دیگران دارد، ترجیح دادیم که یک فرد تندرست را استخدام کنیم. خیلی به من بر خورد و تصمیم گرفتم کار را از خودم شروع کنم. من همیشه به شاگردانم هم این را می‌گویم که اگر می‌خواهید کار بزرگی انجام دهید از خودتان آغاز کنید و منتظر کمک و حمایت دیگران نباشید. من این را از دکتر افشنگ، استاد روانشناسی رعد در آن ایام، آموختم که باید از خودمان شروع کنیم. این حرف ایشان همیشه در ذهن من باقی مانده است.

من در ضمن گذراندن دوره‌های مختلف در رعد، در شرکت‌های خصوصی و تبلیغاتی هم کار انیمیشن و اتوکد را انجام می‌دادم. مزیت رشته انیمیشن در این است که هر کسی نمی‌تواند در این حوزه وارد شود، فقط افراد خوش‌فکر و خلاق در آن موفق می‌شوند. از طریق انیمیشن می‌توان هر چیزی را خلق کرد و هر ایده‌ایی را به تصویر کشید و این به خلاقیت نیاز دارد.

بعد از اینکه مدتی در شرکت‌های تبلیغاتی کار کردم با برادر بزرگم شرکت سیماپراد را که یک شرکت فیلمسازی تبلیغاتی است را تاسیس کردیم. برادرم مدیر عامل است و تهیه‌کنندگی پروژه‌ها را بر عهده دارد و من هم کارگردانی فیلم‌ها و مدیریت شرکت را برعهده دارم. ما در این شرکت کارهای انیمیشن و جلوه‌های ویژه بسیاری از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی را کار کرده‌ایم. خودم انیمیشن «مبارک» را ساختم که اولین رئال انیمیشن ایران بود. در طول کار، یاد گرفتم که انسان‌های موفق، انسان‌های خلاق و نوآور هستند.

به نظر شما رشته انیمیشن و جلوه‌های ویژه برای توانیابان درآمدزاست؟

حتماً درآمدزاست. انیمیشن و جلوه‌های ویژه یک شغل پر درآمد است. سینما دنیای جذابی دارد. این صنعت کمک زیادی می‌تواند به افراد دارای معلولیت کند، چون نود درصد کارش با مغز است. برای همین خواستم این کلاس‌ها را در رعد برگزار کنم چون می‌دانم که بچه‌های رعد یک سروگردن از افراد دیگر جامعه بالاتر هستند و اگر به شکل صحیح در این رشته آموزش ببینند، جامعه به دنبال آنها می‌آید.

در مورد انیمیشن لطفاً بیشتر توضیح دهید:

وقتی صحبت از انیمیشن می‌شود منظور کارتونی برای بچه‌ها نیست. در



انیمیشن چیزهایی که وجود ندارد را خلق می‌کنیم. من الان با کارگردان‌ها و بازیگران بزرگ کار می‌کنم و به دنبال این هستم که فیلم بعدی خود را بسازم. من حتی اگران خصوصی فیلم «مبارک» را در رعد برگزار کردم و از خانم شاکر دوست که از بازیگران این فیلم بودند هم دعوت نمودم.

وقتی توانیابان کارگردان یا بازیگران را از نزدیک ببینند، انگیزه‌ی کار و تلاش پیدا می‌کنند. فضای انیمیشن و جلوه‌های ویژه و سینما یک فضای هنری است که بچه‌ها در جریان کار با هم مثل یک خانواده می‌شوند. وقتی فرد به موفقیت برسد دیگر مشکل جسمانی‌اش به چشم نمی‌آید. من گاهی خودم مشکل جسمی‌ام را فراموش می‌کنم. در رعد این اتفاق باید بیفتد چون رعد این ظرفیت را دارد و آدم‌های بزرگی از آنجا بیرون آمده‌اند.

ایا یک فرد دارای معلولیت دوست ندارد با فردی که تندرست است در یک کلاس بنشیند؟ آموزشگاه رعدم باید مثل مرکز جامع علمی کاربردی رعد این شرایط را ایجاد کند و عدم جداسازی را از خودش شروع کند. باید شرایطی ایجاد کند که جدا سازی افراد تندرست و توانیاب از بین برود و مردم ببینند که این افراد می‌توانند با هم باشند.

این کار فرهنگ‌سازی است و کسی مثل من در این هم‌جواری یاد می‌گیرم جایی که لازم است از بقیه مردم کمک بخواهم. دوستان دارای معلولیتی را می‌شناسم که خجالت می‌کشند از دیگران کمک بگیرند چون خودشان را متفاوت با بقیه می‌دانند. مثلا اگر جایی پله داشته باشد آنقدر صبر می‌کنند تا

اول باید ذهنیت افراد دارای معلولیت نسبت به خودشان تغییر کند. اگر بتوانند خلاق باشند و خودشان را مطرح کنند، دیگران هم حاضر می‌شوند روی آنها سرمایه‌گذاری کنند

یک نفر بیاید و ویلچر را هل دهد، ولی خودش تقاضای کمک نمی‌کند.

بچه‌ها باید بتوانند از افراد درخواست کمک کنند. من یاد گرفته‌ام از دیگران کمک بخواهم. اگر این کار را نکنیم از زندگی عقب می‌افتیم. تازه مردم از اینکه از آنها کمک خواسته شود خوشحال می‌شوند چون دوست دارند به یکدیگر کمک کنند.

من هر چه یاد گرفته‌ام، از مربیان رعد بوده‌است و برای همین خودم را همیشه مدیون رعد می‌دانم. اساتید و مربیان باید افکار و ذهنیت منفی بچه‌های دارای معلولیت را عوض کنند. واقعا رعد ریشه‌های مرا قوی کرد. اساتید، مربیان، کارشناسان فیزیوتراپی و کار درمانی رعد واقعا عالی هستند و آنقدر به من انگیزه می‌دادند و با من خوب رفتار می‌کردند که فراموش می‌کردم که از نظر فیزیکی مشکل دارم.

من با شاگردانی که راهشان دور است به صورت «فری لانسر» کار می‌کنم و می‌خواستم این کار را با بچه‌های رعد هم انجام دهم. زمانی که من در رعد آموزش می‌دادم از کلاس فیلمبرداری می‌کردم و در اختیار بچه‌ها قرار می‌دادم. در همان دو ساعت صدها نکته را آموزش می‌دادم و بچه‌ها می‌توانستند سر فرصت فیلم را نگاه کرده و در طول هفته تمرین کنند.

بچه‌هایی که انگیزه کار ندارند، مشکلات جسمانی آنها چندین برابر می‌شود که در این صورت هم به خانواده آنها فشار می‌آید و هم بچه‌ها احساس می‌کنند که به درد هیچ کاری نمی‌خورند و دچار روزمرگی می‌شوند و عادت می‌کنند که هر روز به رعد بیایند و بروند بدون هیچ هدفی. در این صورت آنها فراموش می‌کنند که خلاق باشند و روی توانایی‌های خود متمرکز شوند. امیدوارم که در آینده اتفاق‌های خوبی بیفتد.

چه صحبتی با توانیابان رعد دارید؟

-آرزوی موفقیت برای همه توانیابان دارم و همان‌طور که گفتم بچه‌ها باید از خودشان شروع کنند و نباید منتظر معجزه از بیرون باشند. بلکه خودشان باید معجزه زندگی خودشان باشند. من وقتی به انیمیشن‌های اولیه‌ای که ۲۰ سال پیش درست کردم نگاه می‌کنم خجالت می‌کشم! ولی از همان جا شروع کردم و الان به این مرحله رسیده‌ام. بچه‌ها باید از خودشان شروع کنند، تلاش کنند و مهارتی یاد بگیرند و بعد دیگران آنها را می‌شناسند و روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند و روی آنها حساب می‌کنند.



با تعمیرکاران موبایل در کلاس!

اکبر خانی از جمله افرادی است که از سال ۷۸ به عنوان کارآموز به مجتمع رعد مراجعه کرد. او با شرکت در کلاس‌های مختلف رعد، امروز خود به استادی تبدیل شده که کلاس تعمیرات موبایل را برگزار می‌کند و شاگردانش او را استاد خانی صدا می‌کنند. استاد خانی، مربی کلاس والیبال نشسته مجتمع رعد هم هست. با او و هنرجویانش در خصوص کلاس تعمیرات موبایل به گفت و شنود نشستیم.

دو سال قبل از این‌که من در رعد این کلاس را برگزار کنم یک دوره آموزش تعمیرات موبایل برگزار شده بود ولی تداوم پیدا نکرده بود. در سال ۹۲ با توجه به نظر مساعد مسئولان رعد، آموزش این دوره دوباره راه‌اندازی شد. البته بعد از یک ترم وقفه‌ای پیش آمد ولی دوباره کار را ادامه دادیم و تاکنون ادامه پیدا کرده‌است.

کلاس تعمیرات موبایل چگونه ارائه می‌شود و چه مطالبی در آن آموزش داده می‌شود؟

کلاس‌ها هفته‌ای دو روز از صبح تا ظهر برگزار می‌شود. هر ترم آن تقریباً چهار ماه و نیم است و گاهی به دلیل نیاز به کارهای عملی، طول دوره بیشتر هم می‌شود. در این کلاس مبانی الکترونیک و هر آن چه مربوط به موبایل باشد مثل بحث تعریف آی سی و ایرادات مربوط به آی سی را به بچه‌ها آموزش می‌دهیم و در نهایت بحث عیب‌یابی و تعمیرات گوشی موبایل از نوع قدیمی تا گوشی‌های هوشمند امروزی را یاد می‌دهیم. در حال حاضر در این کلاس هفت کارآموز آموزش می‌بینند.

آیا کارآموزان پس از گذراندن یک ترم چهارماهه، می‌توانند در این حوزه کار کنند؟

من سعی می‌کنم در این دوره همه مطالبی را که مربوط به بازار کار است را به بچه‌ها آموزش دهم. سعی می‌کنم مطالب را به صورت عملی نشان دهم تا وقتی وارد بازار کار آمادگی داشته‌باشند. ولی آنچه که من روی آن تاکید بسیار دارم جدی گرفتن، کارورزی است. چون تعمیرات موبایل یک کار عملی است و حتماً باید کارورزی بعد از آموزش انجام

در سال ۹۲ با توجه به نظر مساعد مسئولان رعد، آموزش این دوره راه‌اندازی شد. البته بعد از یک ترم وقفه‌ای پیش آمد ولی دوباره کار را ادامه دادیم و تاکنون ادامه پیدا کرده‌است

منطقه ۴ کار کنم. بعد از مدتی به دنبال کارهای اداری کامپیوتری رفتم و در این حوزه هم فعال شدم. در همان زمان بود که وارد ورزش والیبال نشسته شدم و به‌صورت حرفه‌ای آن را دنبال کردم و عضو تیم ملی جوانان در این رشته شدم. در سال ۸۲-۸۳ بود که به اتفاق یک از دوستان که از کارآموزان رعد بود، یک مغازه خدمات کامپیوتری راه‌اندازی کردیم. در سال ۸۵ وارد حوزه تعمیرات موبایل شدم و در یکی از آموزشگاه‌های بیرون از رعد دوره تعمیرات موبایل را گذراندم و مدرک آن را گرفتم و سه ماه در شرکت ایراتک که از شرکت‌های زیر مجموعه نوکیا بود، کارورزی کردم. پس از آن به‌صورت مستقل در مغازه‌ای شروع به کار کردم. یکی دو سال بعد با اطلاعات و تجربه کاری که پیدا کرده بودم توانستم در همان آموزشگاهی که آموزش دیده بودم، به عنوان مدرس تعمیرات موبایل تدریس کنم.

چه شد که این کلاس را در رعد راه‌اندازی کردید؟

لطفا خودتان را معرفی کنید و نحوه آشنایی خود را با موسسه رعد را بگویید؟

من اکبر خانی هستم و بعد از طی کردن کلاس‌های آموزشی در رعد، از سال ۹۲ به عنوان مدرس کلاس تعمیرات موبایل آموزش به کارآموزان را شروع کردم. علاوه بر این یک ترم هم هست که به عنوان مربی والیبال نشسته در این مرکز با بچه‌ها کار می‌کنم. من خود از کارآموزان مرکز رعد هستم که در سال ۷۸ در زمانی که محصل بودم و هنوز دیپلم نگرفته‌بودم، از طریق یکی از دوستان دارای معلولیت با مرکز رعد آشنا شدم. آن زمان مرکز رعد اتوبوسی داشت که برای حمل و نقل با ویلچر مناسب‌سازی شده بود و من با این اتوبوس از خیابان رسالت به اینجا می‌آمدم و بر می‌گشتم. در آن زمان من در کلاس ماشین‌نویسی ثبت نام کرده‌بودم و بعد دوره‌های اولیه کامپیوتر مثل سیستم عامل «داس و ام سی» را گذراندم. پس از آن هم ویندوز ۹۵ و ۹۸ را در این مرکز آموختم. بعد از گرفتن دیپلم در سال‌های ۸۰ و ۸۱ در کلاس‌های تخصصی اتوکلد و نقشه‌کشی ساختمان با استاد سعادت‌طلب شرکت کردم و مدرک گرفتم. پس از گذراندن این کلاس‌ها وارد بازار کار شدم و تا مدتی ارتباط من با رعد به شرکت در مراسم و جشن‌های مرکز محدود شد.

آیا کاری که به آن مشغول شدید با آموزش‌هایی که در رعد دیده‌بودید، مرتبط بود؟

بله. آن زمان نقشه‌کشی و اتوکلد از کارهای مطرحی بود بازار کار داشت. من در این حوزه وارد شدم و توانستم در یکی از دفاتر مهندسی مربوط به شهرداری





آنچه که من روی آن تاکید بسیار دارم
جدی گرفتن، کارورزی است.
چون تعمیرات موبایل یک کار عملی
است و حتما باید کارورزی
بعد از آموزش، انجام شود

به کار فنی باشند و اصطلاحا دست به آچار باشند. چون ما در اینجا مباحث مورد نیاز را از ابتدا به صورت مبانی الکترونیک به آنها آموزش می‌دهیم و همین آموزش به همراه دوره کارورزی، برای علاقمندان کفایت می‌کند.

آیا اشتغال در این حوزه می‌تواند برای گذراندن زندگی افراد کافی باشد؟

درآمد ماهیانه این کار از دویلمیون تومان به بالاست که این مسئله در شرکت‌هایی که تعمیرات موبایل انجام می‌دهند دیده شده‌است. از طرفی چون این کار مرتب به‌روز می‌شود، تعمیرات آن هم باید به‌روز شود و نرم افزارهایش هم باید به‌روز شود پس طبیعتا درآمد آن هم به مرور بیشتر می‌شود.

آیا مراکزی وجود دارند که آموزش‌های تکمیلی در این رشته را ارائه دهند؟

آموزش‌های تکمیلی در حوزه کاربا موبایل بیشتر به صورت عملی است. یعنی وقتی بچه‌ها وارد فضای کار می‌شوند و در کار تجربه پیدا می‌کنند، خود به خود آموزش‌هایشان تکمیل می‌شود. همیشه به بچه‌ها گفته‌ام که باید در این کار کنجکاو و پیگیر باشند. یعنی اگر ایرادی در گوشی می‌بینند، چه نرم‌افزاری و چه سخت‌افزاری، باید به دنبال حل آن ایراد بروند و پیگیر باشند تا به نتیجه برسند. معمولا در مراکز تعمیرات موبایل چند نفر همکار با هم در ارتباط هستند و تبادل اطلاعات می‌کنند.

با ده جلسه آموزش راننده نمی‌شود. بلکه باید سوار ماشین شود و این طرف و آن طرف برود و تجربه پیدا کند.

آیا از افرادی که در کلاس شما آموزش دیده‌اند، کسانی هستند که به‌طور مستقل کار کنند و به درآمد رسیده باشند؟

بله. از کارآموزان ترم قبل آقای حامد لطفی هستند که قبلا مدتی در یک مغازه کار تعمیرات را انجام می‌دادند و حالا به‌صورت مستقل برای خودشان کار می‌کنند و هر جا که ایراد و اشکالی داشته باشند به صورت تلفنی یا حضوری در مرکز حاضر می‌شوند و رفع اشکال می‌کنند.

یکی دیگر از دوستان هم که لیسانس الکترونیک داشتند و به این کار بسیار علاقه داشتند، به کار بودند، پس از آموزش در این مرکز وسایل اولیه را تهیه کرده و در خانه کار تعمیرات را انجام می‌دهند و بسیار هم موفق هستند. ایشان هم در صورت نیاز برای رفع اشکال به صورت تلفنی یا حضوری اقدام می‌کنند.

دوستانی که می‌خواهند تعمیرات موبایل را یاد بگیرند باید در چه سطحی از سواد اولیه باشند؟ آیا باید تحصیلات آکادمیک داشته باشند و یا مثلا رشته الکترونیک را خوانده باشند؟

خیر. در بحث آموزش در این حرفه فقط لازم است افراد دید فنی داشته باشند و لازم نیست تحصیلات آکادمیک در رشته خاصی داشته باشند. افراد باید علاقه‌مند

شود. بحث تعمیرات موبایل و ای سی‌ها و تعمیرات آنها کار خیلی حساسی است و نیاز به تمرکز و تجربه دارد تا افراد بتوانند در آن موفق شوند.

کارآموزان کلاس شما دوره‌های کارورزی را در کجا می‌توانند بگذرانند؟

در صحبتی که با دوستان داشتیم به این فکر افتادیم که با مراکز تعمیرات موبایل در سطح شهر ارتباط برقرار کنیم که کارآموزان بتوانند پس از اتمام دوران آموزشی، یکی دو ماه در این مراکز کارورزی داشته باشند. از طرف دیگر هر کدامان گوشی‌هایی را که برای تعمیرات به دستمان می‌رسد را به کلاس می‌آوریم و تعمیرات آن را همین‌جا و در حضور بچه‌ها انجام می‌دهیم.

خوشبختانه همه بچه‌های کلاس با هوش و با استعداد و بسیار فعال هستند. آقای بهنام فراهانی یکی از بچه‌های کلاس است که در چند ماهی که به این کلاس آمده، با وجود شرایط فیزیکی خاصش، بارها برای تهیه قطعات مورد نیاز خود به بازار موبایل رفته‌است. به هر حال ما در این کلاس هم بحث آموزش و هم بحث کارورزی را داریم ولی نیاز است که کارآموزان کلاس وقت بیشتری برای کارورزی داشته باشند و بر روی تعداد بیشتری گوشی موبایل کار کنند.

نیاز است که به غیر فضای آموزشی و کلاس، بچه‌ها بتوانند با کار بیرون از مرکز هم آشنا شوند. این کار هم درست مثل آموزش رانندگی است که هیچ وقت فردی



البته جاهایی هم هستند که مباحث پیشرفته‌تر و تخصصی‌تر را به صورت آموزشگاهی آموزش می‌دهند. ولی یکی از ارکان اصلی آموزش در حوزه موبایل، استفاده از اینترنت است. به خصوص در بحث نرم‌افزارهای مختلف موبایل، اپ‌ها، اپلیکیشن‌های مختلف و بحث به روز شدن گوشی‌ها، می‌شود از اینترنت کمک گرفت.

و کلام آخر؟

با توجه به شرایط فیزیکی افراد دارای معلولیت، کار در حوزه تعمیرات موبایل که یک کار فنی و همیشه مورد نیاز جامعه است، من به دوستانی که علاقه‌مند به کار فنی هستند، توصیه می‌کنم که در این حوزه وارد شوند. برای دوستانی که روی ویلچر هستند هم این کار مناسب است و در یک محیط کاری دو در دو متر یا سه در سه متر می‌توانند این کار را

انجام دهند. این کار احتیاج به سرمایه زیادی ندارد. ما از صفر تا صد تعمیرات موبایل را به صورت تئوری و تا حدودی عملی در این‌جا آموزش می‌دهیم و بعد از آن هم بسته به همت و تلاش خودشان می‌توانند وارد بازار کار شوند و به درآمد خوبی هم برسند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی، کار در این حوزه یک کار دائمی و به روز است.

صحبت با کارآموزان کلاس تعمیرات موبایل

او در سال ۹۳ برای تحصیل در مرکز علمی کاربردی رعد وارد این مرکز شد و به تدریج در کلاس‌های آن هم شرکت کرد. حامد می‌گوید: پس از آموزش معرق در جایی کار می‌کردم ولی به دلیل نوسانات بازار، تصمیم گرفتم برای خودم کار کنم. او الان با یکی از دوستان زیر پله‌ای را اجاره کرده و امیدوار است در آینده به درآمد خوبی برسد.

صادق مهدوی، سیزده ساله است که با رعد آشنا شده‌است. او دوره مقدماتی کامپیوتر را در رعد گذراند و دو سال در این مرکز آموزش دید. بعد مغازه‌ای زد و کار کامپیوتری را شروع کرد ولی به خاطر خرابی بازار نتوانست رقابت کند و کارش را ادامه دهد. او دوباره به رعد برگشت و فعلاً در کلاس تعمیرات موبایل مشغول یادگیری است تا دوباره بتواند از این طریق کاری را شروع کند.

مدرس کلاس تعمیرات موبایل در خاتمه می‌گوید: بحث تعمیرات موبایل مانند تعمیرات ماشین و مکانیک است. یعنی تا وقتی که ماشین وجود دارد، مکانیک هم مورد نیاز است. الان بحث گوشی‌های موبایل بحث روز است. تعداد گوشی‌های موبایل خیلی زیاد است و در هر خانه‌ای حداقل دویا سه عدد موبایل هست. ایرادات مربوط به نوسانات برق، خرابی‌ها و شکستگی‌هایی که پیش می‌آید، باعث می‌شود که همیشه نیاز به تعمیرات موبایل وجود داشته‌باشد. بنابراین یک تعمیرکار موبایل همیشه می‌تواند کار داشته‌باشد. برای رسیدن به درآمد هم باید از پله اول شروع کرد که همان بحث آموزش است. آموزشی که با توجه به شرایط بچه‌ها، محیط مناسب، سرویس مناسب و وسایل لازم وجود داشته‌باشد که خوشبختانه در یکی دو سال اخیر که رویکرد اشتغال حمایت‌شده در رعد مطرح شده‌است، در این مسیر گام‌های موثری برداشته شده‌است و بچه‌ها از پله اول تا آخر را در همین مجموعه می‌توانند یاد بگیرند و سر کار بروند.

این کار نیاز به فکر و تخصص دارد و راحت می‌تواند از آن درآمدزایی کرد. با پیشرفت تکنولوژی و گوشی‌های جدیدی که به بازار می‌آید راه برای ادامه کار باز است

هست و حتی بچه‌ها هم تبلت یا موبایل یا اسباب‌بازی‌های اندرویدی دارند و زندگی همه به نوعی به گوشی وابسته شده‌است. بنابراین تصمیم گرفتم در این حوزه آموزش ببینم و کار کنم. اکنون در حال گذراندن دوره آموزشی هستم و در کنار آن گوشی‌های مختلف دوستان و همکارانم در آژانس که نیاز به تعمیرات دارد را به کلاس می‌آورم و در حضور استاد آن را تعمیر می‌کنم و از این طریق هم کسب تجربه می‌کنم و هم با گوشی‌های جدید آشنا می‌شوم. او در خانه هم کار تعمیرات موبایل را انجام می‌دهد و از این طریق هم کسب درآمد می‌کند.

بهنام فراهانی هم از بچگی به کارهای فنی، الکترونیکی و مکانیکی علاقه داشته‌است. او وقتی که شنید این کلاس در مرکز رعد ارائه می‌شود، جهت آموزش مراجعه کرد. می‌گوید: کار در حوزه تعمیرات موبایل برای ما که روی ویلچر هستیم، می‌تواند کار مناسبی باشد. چون می‌توانیم بنشینیم و با دستمان کار کنیم. این کار نیاز به فکر و تخصص دارد و راحت می‌توان از آن درآمدزایی کرد. با پیشرفت تکنولوژی و گوشی‌های جدیدی که به بازار می‌آید راه برای ادامه کار باز است.

حامد لطفی در رعد یافت آباد، کارآموز کلاس معرق و ال سی دی ال بوده‌است.

برای اطلاع از نظرات کارآموزان این کلاس از آن‌ها هم سوالاتی پرسیدیم. حمید ابراهیمی سه ماه است که به رعد آمده‌است. او از طریق اینترنت با رعد آشنا شده و چون به کار تعمیرات موبایل علاقه دارد، در این کلاس ثبت نام کرده‌است. هدفش این است که آموزش‌ها را کاملاً یاد بگیرد و بعد بتواند بعد از گذراندن چند ماهی کارآموزی، مغازه‌ای تدارک ببیند و برای خودش کار کند.

رضا عبادی، ده ساله است که با رعد مرکز آشنا شده‌است. او قبل از این، در رعد شرق دوره «ال سی دی ال» را گذرانده و وارد بازار کار در حوزه کامپیوتر شده، ولی به دلیل پیشرفت بیماری‌اش، نتوانست کارش را ادامه دهد. او در رعد مرکز دوره طراحی وب را شروع کرد ولی چون زمان آن، با کلاس تعمیرات موبایل تداخل داشت، تصمیم به ادامه تعمیرات موبایل گرفت. او به این نتیجه رسید که این کلاس نسبت به سایر کلاس‌ها کاربردی‌تر است و زودتر به درآمد می‌رسد. عبادی هم به لزوم کارورزی تاکید دارد و می‌گوید، درخواست همه کارآموزان این کلاس این است که همزمان با گذراندن آموزش و آشنایی با مطالب به صورت تئوری، فضایی در رعد به وجود بیاید که بچه‌ها بتوانند کارورزی هم بکنند. بهنام عبادی، دیگر کارآموز کلاس، خیلی وقت است که به رعد آمده‌است. او و رضا عبادی از اولین کارآموزانی بودند که در رعد شرق، دوره «ای سی دی ال» را گذرانده و دیپلم کامپیوتر را از آنجا گرفته‌است. او متاهل است و در آژانس با ماشین کار می‌کند ولی به دلیل خستگی در کار با ماشین وقتی مطلع شد که در مرکز رعد مرکز، کلاس تعمیرات موبایل وجود دارد به اینجا آمد و ثبت نام کرد. او می‌گوید: با توجه به پیشرفت تکنولوژی هم اکنون در دست همه افراد یک موبایل





آذر صادقپور جزو ۱۲ نفر از بانوانی است که از ۲۳ سال پیش همکاری خود را با مجتمع رعد آغاز کردند. او اینک انباشتی از تجربه برای ساختن و رشد و نمو یک نهاد مدنی را در توشه دارد. این گفت‌وگو از چند و چون این تجربه جویا شده‌است.

در گفت‌وگو با آذر صادقپور عنوان شد؛

فراز و فرودهای دفتر مشارکتهای مردمی

لطفاً از آشنایی و نحوه شروع همکاری خود با مجتمع رعد بگویید؟

من آذر صادقپور هستم و از حدود ۲۳ سال قبل با مجتمع رعد آشنا شدم. من به همراه تعدادی از بانوان در خیریه کهریزک فعالیت می‌کردیم. بعد از مدتی به دعوت آقای منصوریان که آن زمان مدیر عامل رعد بودند دور هم جمع شدیم و توسط خانم اکبری که از دوستان بودند، به رعد پیوستیم و یک گروه ۱۲ نفره به عنوان گروه «همیاری بانوان» را تشکیل دادیم.

الگوی ما گروه بانوان نیکوکار کهریزک بود. آن زمان فقط یک اتاق کوچک در این ساختمان به ما تعلق گرفت. اولین بازارچه را در سال ۷۳ راه‌اندازی کردیم. در گروه همیاری بانوان، کارگروه‌های مختلفی تشکیل دادیم. گروه مددکاری، گروه مالی، گروه آموزشی که هر کدام از ما در یکی از این گروه‌ها شروع به فعالیت کردیم. هر دوشنبه با آقای منصوریان جلسه داشتیم و مشکلات پیش آمده را پیگیری و حل می‌کردیم. بالاخره طبقه

با آمدن خانم پناهی به عنوان مدیرعامل در دو سال قبل، به تشخیص ایشان دفتر مشارکتهای مردمی به منظور ایجاد تمرکز در ارتباط با خیرین راه‌اندازی شد

این نتیجه رسیده‌بودم که بچه‌هایی که به این مرکز می‌آیند با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند از ابتدا در کار گروه مددکاری مشغول به فعالیت شدم. وقتی که هنوز رعد شناخته‌شده نبود، توان‌یابان چگونه با فعالیت‌های این مرکز آشنا شدند و با آن ارتباط گرفتند؟

بچه‌ها به تدریج اضافه شدند. در آغاز به عنوان گروه بانوان از دوست و آشنا پرس و جو می‌کردیم و توان‌یابان را شناسایی می‌نمودیم. گروه بانوان اولین حضور بیرونی خود را از نمایشگاه بین‌المللی آغاز کرد. غرفه‌ای گرفتیم و با مردم به گفت‌وگو نشستیم. در صحبت با مردم سه موضوع را مطرح می‌کردیم. اول از اهداف رعد می‌گفتیم. این‌که مرکز رعد برای آموزش به افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی تشکیل شده و اگر فردی را با این مشخصات می‌شناسید به ما معرفی کنید. دوم از شرکت‌ها و مدیران کارخانجات می‌خواستیم که پس از طی دوره‌های آموزشی توسط توان‌یابان، به اشتغال

اول این ساختمان و سپس طبقات بعد به مرور ساخته شد. از آنجایی‌که قرار نبود در رعد کمک‌های مالی به توان‌یابان صورت بگیرد، گروه مددکاری راه‌اندازی شد تا با تشکیل صندوق قرض‌الحسنه در هزینه رفت و آمد توان‌یابان به رعد به آنها کمک کند و من چون به



آنها کمک کنند و سوم این که از مردم می‌خواستیم کمک‌های نقدی و صدقات و نذورات خود را در اختیار رعد قرار دهند. هیچ‌وقت در اولین مرحله از کسی کمک مالی نمی‌خواستیم. اولین خواسته ما این بود که افراد دارای معلولیت را به ما معرفی کنند تا آن‌هایی که در کنج خانه‌ها پنهان شده‌اند بیرون بیایند، آموزش ببینند و به اشتغال برسند. البته هدف مرکز رعد در ابتدای راه‌اندازیش آموزش منجر به اشتغال برای افراد دارای معلولیتی بود که در جنگِ دچار معلولیت شده بودند ولی بعداً دایره پذیرش خود را گسترش داد و پذیرای همه جوانان دارای معلولیت شد.

گروه بانوان در حال حاضر چند نفر هستند و چه نوع ارتباطی با رعد دارند؟

گروه بانوان در حال حاضر حدود سیصد نفر هستند که درسه گروه فعالیت می‌کنند. گروه دائمی، گروه افتخاری و گروهی که هرازگاهی کمک‌هایی به ما می‌کنند.

گروه دائمی ۶۰ نفر هستند که هر هفته در روزهای دوشنبه در رعد جلسه دارند. گروه افتخاری، افراد تحصیل کرده‌ای مانند پزشکان و متخصصان، بازیگران، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران هستند که برنامه‌های افتخاری برای رعد برگزار می‌کنند. وجود این افراد برای ما مهم است و در مراسم‌های مختلف با ما همکاری دارند.

دفتر مشارکت‌های مردمی از چه زمانی در رعد راه‌اندازی شد و چه وظیفه‌ای را بر عهده گرفت؟

با آمدن خانم پناهی به عنوان مدیرعامل در دو سال قبل، به تشخیص ایشان دفتر مشارکت‌های مردمی به منظور ایجاد تمرکز در ارتباط با خیرین راه‌اندازی شد. قبلاً هر فردی که می‌خواست کمکی کند، یا به حسابداری می‌رفت و یا به روابط عمومی. در آنجا کارت عضویت ماهانه برایش صادر شده و مبلغی که به پیشنهاد خود او تعیین می‌شد، ماهانه از او دریافت می‌گردید.

مدیریت خیرینی که به رعد کمک‌هایی کرده بودند، اهمیت زیادی دارد، به همین دلیل واحد ویژه‌ای برای این کار تأسیس شد. وقتی به پیشنهاد خانم پناهی دفتر مشارکت‌های مردمی

در راستای یکی از اهداف رعد که تغییر نگرش در مردم نسبت افراد دارای معلولیت است، کار با مدارس را شروع کردیم و گروهی به نام گروه مدارس؛ شامل گروه روانشناسی، مددکاری، آموزش، کارآفرینی و مشارکت‌های مردمی را تشکیل دادیم

راه‌اندازی شد قرار شد همه این ارتباطات در این دفتر متمرکز شود و چون من قبلاً چنین پیگیری‌هایی را انجام داده بودم و با خیرین بسیاری آشنا بودم، خانم پناهی از من خواستند که مدیریت دفتر مشارکت‌ها را قبول کنم. من پیشنهاد ایشان را پذیرفتم و با همکاری تعدادی از بانوان این دفتر را اداره کنیم.

شما دفتر مشارکت‌ها از چه تاریخی شروع به کار کرد؟

من از اردیبهشت ماه سال ۹۴ کارم در این دفتر را شروع کردم. با راه افتادن این دفتر به همه بخش‌های رعد اعلام شد که هر تلفن یا هر مراجعه از طرف خیرین را به دفتر مشارکت‌ها ارجاع دهند. در این دفتر بعد از پذیرایی و آشنایی اولیه با خیری که مراجعه می‌کند، در مورد فعالیت‌های رعد توضیح داده می‌شود و بعد از بازدید از مجموعه و دیدار از کلاس‌های آموزشی، در مورد نوع همکاری که او مایل است با رعد داشته‌باشد از او سوال می‌شود.

در طول ماه افراد زیادی برای همکاری به ما مراجعه می‌کنند. مثلاً ممکن است جوانی بخواهد در گروه جوانان و یا خانمی بخواهد با گروه بانوان همکاری کند. برای آنها شرح داده می‌شود که گروه بانوان یا جوانان چه می‌کنند. عده‌ای علاقه‌مند به تدریس در بخش آموزش یا دانشگاه علمی کاربردی به صورت داوطلبانه هستند که با آنها هماهنگی‌های لازم صورت می‌گیرد. در مورد کمک‌های نقدی به خیرین توضیح می‌دهیم که چه تعدادی کارآموز و دانشجو مشغول به آموزش و تحصیل هستند و هر

کدام چه میزان هزینه لازم دارند و پیشنهاد می‌کنیم که اگر مایلند، به صورت ترمی یا سالی مخارج یک یا چند فرد دارای معلولیت را قبول کنند. این افراد فرم پر کرده و کارت عضویت دریافت می‌کنند و از پرداخت ۵۰۰۰ تومان در ماه تا هر چقدر که بخواهند را تقبل می‌کنند. افرادی که مایلند داوطلبانه در بخش آموزش فعالیت کنند را به این بخش ارجاع می‌دهیم و افرادی هم که بخواهند به صورت داوطلبانه یک یا دو روز در قسمت‌های مختلف کمک کنند را به دفتر مشارکت‌ها، دفتر مددکاری یا روابط عمومی یا سایر قسمت‌های اداری معرفی می‌کنیم. اگر فردی تخصص خاصی داشته‌باشد مثلاً پزشک باشد، می‌توانند هفته‌ای یک روز در اتاق پزشکان، توان‌یابان را ویزیت کند. اگر فردی صاحب آزمایشگاه تشخیص طبی باشد، آدرسش را می‌گیریم و توان‌یابان نیازمند به خدمات آزمایشگاهی را به آنها معرفی می‌کنیم.

حتی افرادی هستند که می‌خواهند نذورات خود را به مرکز بدهند، این امکان را هم برایشان فراهم می‌کنیم.

در سال دو مرتبه سید کالا به خانواده‌های نیازمند می‌دهیم. خیلی از افراد علاقه دارند که در تأمین این سبدهای کالایی شرکت داشته‌باشند. در حال حاضر ۳۲۰ کارآموز داریم که ۸۰ نفر از آنها تحت پوشش ما هستند. مددکاران ما از خانه‌های این افراد بازدید کرده و اگر به این نتیجه برسند که خانواده‌های آنها کم‌بضاعت هستند، تحت پوشش قرار می‌گیرند.

بعضی از کارآموزان هزینه رفت و آمد از منزل به مرکز را ندارند و سامانه حمل و نقل هم فقط یک یا دو روز به آنها ماشین می‌دهد و برای بقیه روزها به آنها هزینه رفت و آمد می‌دهیم. توان‌یابان تا وقتی که بتوانند شاغل شوند و حقوق بگیرند، شش ماه تا یکسال هزینه رفت و آمد دریافت می‌کنند.

بعضی از بچه‌ها نیاز به مصرف دارو دارند که پس از تایید دفتر مددکاری داروها را برایشان تهیه می‌کنیم. یک فرد دارای معلولیت ممکن است بیماری‌های مختلفی داشته‌باشد بنابراین مجبوریم با تمام سمن‌های

سلامت در تماس باشیم تا بتوانیم مشکلات آنها را حل کنیم.

یک صندوق اشتغال‌زایی هم تاسیس کردیم که از محل آن به بچه‌هایی که می‌خواهند کاری را شروع کنند وام می‌دهیم. با چندین صندوق قرض‌الحسنه همکاری داریم تا بتوانیم از آنها وام بگیریم و مشکلات توان‌یابانمان را حل کنیم.

گاهی افراد دارای معلولیت نیاز به عمل جراحی در بیمارستان را دارند ما سعی می‌کنیم که از طریق بیمه سلامت و بیمه خویش فرما آن‌ها را بیمه کنیم. مورد دیگر تهیه ویلچر برای توان‌یابان است. بهزیستی هر سه، چهار سال یکبار، یک ویلچر به بچه‌ها می‌دهد. ما سعی کرده‌ایم وقتی ویلچر بچه‌ها خراب می‌شود به آنها ویلچر مجانی بدهیم. با شرکت هستیما همکاری داریم و به آنها در بطری تحویل می‌دهیم و ویلچر تحویل می‌گیریم.

در جلسه هفتگی با گروه بانوان، وسایل مورد نیاز بچه‌ها را مطرح می‌کنیم که آنها یا خودشان یا از طریق دوستانشان این وسایل را تهیه می‌کنند. البته خیرینی هم به ما مراجعه می‌کنند و این نیازها را برطرف می‌کنند. خیرینی در خارج از کشور هم داریم که بعضی از نیازهای ما را پوشش می‌دهند. همه اینها به دلیل اعتمادی است که به رعده دارند.

نذورات خیرین را به مصرف همان چیزی که نیت کرده‌اند می‌رسانیم. آرزویمان این است که بتوانیم با تمام خیرین تماس تنگاتنگ داشته باشیم و در همه مراسم و جشنواره‌ها آن‌ها را دعوت کنیم.

یکی از فعالیت‌های دفتر مشارکت‌ها تماس با مهدهای کودک و مدارس است. لطفاً در این مورد هم توضیح دهید :

در راستای یکی از اهداف رعده که تغییر نگرش در مردم نسبت افراد دارای معلولیت است، کار با مدارس را شروع کردیم و گروهی به نام گروه مدارس؛ شامل گروه روانشناسی، مددکاری، آموزش، کارآفرینی و مشارکت‌های مردمی را تشکیل دادیم. به مدارس مختلف می‌رویم و در جهت تغییر نگرش دانش‌آموزان به افراد دارای معلولیت با آنها کار می‌کنیم.

دفتر مشارکت‌ها به روی همه باز است. کمک‌های همه را می‌پذیریم از خیرینی که به ما اعتماد کرده‌اند و چنین کمک‌هایی به ما می‌دهند کمال تشکر را داریم

چند نفر از توان‌یابان موفق که سر کار رفته‌اند را به مدارس می‌بریم تا دانش‌آموزان به چشم خودشان ببینند که این توان‌یابان جدای از معلولیت جسمی چقدر از لحاظ فکری، ذهنی و هوشی کامل و موفق هستند. دانش‌آموزان هم خیلی دوست دارند که به رعده بیایند و در برنامه‌های ما شرکت کنند. هدف ما این است که در جهت تغییر نگرش جامعه نسبت به توان‌یابان فرهنگ‌سازی شود و دانش‌آموزان هم با کارآموزان رعده آشنا شوند.

دانش‌آموزان در روز نیکوکاری یا جشنواره غذا یا بازارچه، محصولاتی تهیه می‌کنند و می‌فروشند و درآمد آن را به مرکز رعده اهدا می‌کنند.

با مدارس دولتی و با ادارات آموزش و پرورش هم در ارتباط هستید؟

آموزش و پرورش سخت‌گیری‌های زیادی دارد. برای ارتباط با مدارس دولتی ابتدا باید مجوز بگیریم و مراحل اداری متعددی را طی کنیم. به همین دلیل ما به سراغ مدارس غیرانتفاعی می‌رویم چون این مدارس خیلی راحت‌تر با ما همکاری می‌کنند. امیدواریم روزی بتوانیم با مدارس دولتی هم چنین برنامه‌هایی را اجرا کنیم.

یکی از کارهای دیگری که دفتر مشارکت‌ها شروع کرده است، تقدیر و تشکر از حامیان برنامه‌های مختلف و خیرین است. حتی افراد و حامیانی که در سال‌های قبل با رعده همکاری داشته‌اند تماس گرفتیم و لوح‌های تقدیری از تولیدات کارآموزان مرکز به آنها تقدیم کرده‌ایم.

آیا روش‌های کاری شما در اختیار مراکز رعده در شهرستان‌های دیگر هم قرار می‌گیرد؟

بله. حتماً این کار انجام می‌شود. من اهل قم هستم و شش سال پیش خیری به رعده مراجعه کرد و گفت می‌خواهد مکانی برای توان‌یابان قم بسازد. بر من واجب شد که با چند نفر از دوستانی که در قم داشتم، شعبه رعده را در قم راه بیندازم. خدا را شکر مرکز رعده قم در ساختمانی که از اینجا هم بزرگ‌تر است، راه افتاد و تمام الگوهایی که در رعده مرکز داشتیم را به‌وسیله گروه بانوان و از طریق دفتر توسعه مراکز رعده به آنجا فرستادیم. مرکز رعده الگویی شده که از شهرستان‌های مختلف می‌آیند و بعد از بازدید و آشنایی با فعالیت‌های آن، تقاضای ایجاد چنین مرکزی را در شهرستان خود می‌کنند. دفتر هماهنگی و توسعه رعده هم راه و روش‌ها را به آنها یاد می‌دهد و تا دو سال مشاوره می‌دهد. فرم‌های مختلف را در اختیارشان قرار می‌دهد و آنها به همین راه و روش کار را شروع و ادامه می‌دهند. خدا را شکر مرکز قم اکنون روی روال افتاده و مرکز کرمانشاه هم در حال کار است.

در دفتر مشارکت‌ها به روی همه باز است. کمک‌های همه را می‌پذیریم و از خیرینی که به ما اعتماد کرده‌اند و چنین کمک‌هایی به ما می‌دهند کمال تشکر را داریم.



داستان تغییر نگرش؟!

شاید قبل از ورودم به مجتمع نیکوکاری رعد، نگرش من نسبت به افرادی که معلولیت داشتند، متفاوت بود. شاید به توانایی آنها باور نداشتم و دیدنشان در جامعه برایم عجیب بود و تصویری از پیشرفت، تحصیل و کار آمدی آنها نداشتم.

ولی اکنون پس از سال‌ها کار با این عزیزان، تغییر نگرشی در من ایجاد شد که برای انتقال آن به جامعه، خود را موظف به نشر آن می‌دانم تا شاید بتوانم تغییر نگرشی هم در دیگران ایجاد کنم.

این‌که انسان‌ها با تفاوت‌های فردی به دنیا می‌آیند و گاهی این تفاوت‌ها با مشکلات جسمانی مثل؛ نابینایی، ناشنوایی و مشکلات جسمی حرکتی همراه می‌شوند و گاه افراد در مسیر زندگی با سانه‌های ناخواسته دچار معلولیت می‌شوند، اتفاق بدیع و عجیبی نیست. در طول این سال‌ها افرادی را با توانایی‌های حیرت‌انگیزی دیدم که معلولیت هم داشتند، مانند هنرمندان معرق، هنرمندان نقاش، افراد موفق در مشاغل مهم، برنامه‌ریزان کامپیوتری، قهرمانان پارالمپیک و.... و این آشنایی نگرش‌م را نسبت به معلولیت و افرادی که با آن زندگی می‌کنند، تغییر داد.

حال به عنوان فردی که خودش تندرست است در مقابل چنین افرادی چگونه باید رفتار کنم و چه دیدگاهی باید داشته باشم؟ همراهی؟! همدلی؟! همدردی؟! ترحم یا دلسوزی؟! هرگاه به تفاوت‌های فردی باور داشته باشیم، تغییر نگرش نسبت به دیگران در ما ایجاد می‌شود و نگرش صحیح می‌تواند مسئولیت اجتماعی ما را نسبت به توانیابان باشد. مسئولیت اجتماعی ما تغییر نگرش و رفتار مناسب با افرادی است که در ظاهر با ما متفاوت هستند. در طول سال‌ها تجربه‌ی کاری با افرادی که دارای معلولیت هستند، به این نتیجه رسیده‌ام که آنها از نگاه نادرست جامعه به خودشان بسیار رنج می‌برند. بارها شنیده‌ام که می‌گویند:

- از نگاه‌های دلسوزانه‌ی مردم در خیابان معذب می‌شوم.
 - نگاه‌های متعجب و حتی دلسوزانه‌ی مردم باعث کاهش اعتماد به نفسم می‌شود.
 - بعضی با نگاه‌هایشان وانمود می‌کنند که از من می‌ترسند!
 - جوری نگاهم می‌کنند که انگار از کره‌ی دیگری آمده‌ام!
- برخی از رفتارها و عکس‌العمل‌ها که گاه بسیار عادی و بی‌منظور و حتی با نیت انسان دوستانه بروز پیدا می‌کند، می‌تواند تأثیرات بسیار مخربی بر شخصیت یک انسان داشته باشد به طوری که او را به طرف دوری از اجتماع و انزوا بکشاند. اینجاست که تغییر نگرش و تغییر رفتار ضروری است.

چه رفتاری باعث رنجش و ناراحتی افرادی که معلولیت دارند می‌شود؟

الان چه حسی داری؟
کارهایت را چه کسی انجام می‌دهد؟
می‌توانی ازدواج کنی؟
درآمد داری؟

و آنچه باید بدانیم:

- از اصوات غم انگیز استفاده نکنیم.
- نحوه صحبت کردنمان محکم و با احترام باشد.
- از سوالاتی که به حریم خصوصی وارد می‌شود، خودداری کنیم

و این را همیشه بخاطر بسپاریم:

انسان‌ها با تفاوت‌های فکری و جسمی همه با هم برابرند و ارزش‌های انسانی یکسانی دارند. بیاییم با تغییر نگرش، دنیایی زیباتر برای افرادی که با ما متفاوت هستند بسازیم و توانایی‌های بی‌شمار آنها را باور کنیم.

شهرزاد چهره نگار
کارشناس روانشناس بالینی
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

نگاه کردن با حالت‌هایی از تعجب، دلسوزی، کنجکاوی و ترحم می‌تواند نوعی ورود به حریم خصوصی افراد باشد که خود باعث رنجش و آزدگی شده و موجب کاهش اعتماد به نفس و افزایش اضطراب می‌گردد. بنابراین از دلسوزی و ترحم و نگاه‌های کنجکاو پرهیز کنیم.

بچه‌ها از این رفتارها گله‌مندند:

- چرا افراد هنگام صحبت با من صدای خود را غم انگیز می‌کنند؟!
- صدای آه، نوچ نوچ و گفتن خدارو شکر با دیدن من باعث اضطرابم می‌شود.
- توانیابی که از نظر جثه کوچک و بر روی ویلچر است می‌گوید، چرا هنگام صحبت با من صدای خود را نازک و بچه‌گانه می‌کنند؟ مگر من کودک هستم؟! فقط جثه‌ی من کوچک است، روح و روان من به اندازه‌ی شماست.

- برخی سوالات باعث ناراحتی‌ام می‌شوند، مثل:
چه اتفاقی برایت افتاده؟



او فرزند زن قدرتمندی است که از کودکی به او آموخته است، که هر شکست را سر آگار یک موفقیت سازد. در واقع هر شکست برای زهره طحانی سکوی پرشی بوده که دروازه یک پیروزی را به روی او گشوده است و درهای موفقیت فقط و فقط از طریق تلاش بی وقفه به روی او باز شده است. او که کارشناس ارشد در رشته معماری است، اکنون کارشناس طراحی و نقشه‌کشی و معماری داخلی و دکوراسیون شعب بانک ملت می‌باشد. با این بانوی پرتلاش و خوش روحیه به گفت‌وگو نشستیم و از فراز و نشیب‌های زندگی‌اش پرسیدیم.



در گفت‌وگو با زهره طحانی، کارشناس طراحی و نقشه‌کشی شعب بانک ملت

خدا گرز حکمت ببند دری، ز رحمت گشاید در دیگری!

نروم. چون فرزند اول خانواده بودم و پدر و مادرم نمی‌خواستند اذیت شوم، قبول کردند که مدرسه نروم. البته مادرم خیلی سعی کرد که مرا تشویق به مدرسه رفتن کند ولی من قبول نمی‌کردم. بنابراین یک ماشین ژاکت‌بافی برایم خریدند که در خانه به این کار مشغول شوم. البته یک مربی خصوصی هم به خانه می‌آمد و به من تعلیم می‌داد.

من سه سال در خانه ماندم و از طریق همین کار ژاکت‌بافی با ماشین، درآمد هم داشتم. مادرم مثل سایر بانوان کاشانی در خانه قالی می‌بافت ولی همیشه به من می‌گفت، تو به درد ژاکت‌بافی نمی‌خوری و نباید در خانه بمانی، باید حتما درس بخوانی. یک روز مادرم شنید که یک دکتر اورتوپد خوب به کاشان آمده و با اصرار زیاد مرا پیش این دکتر برد.

آن زمان من به سختی و با کمک دیگران راه می‌رفتم. دکتر که مرا دید گفت من می‌توانم تو را جراحی کنم که بتوانی راه بروی ولی دیگر نمی‌توانی روی زمین بنشینی. مادرم گفت: همین که بتواند راه برود ما راضی هستیم. یک

پروژه پایان نامه‌ام در حوزه اجرای ضوابط شهری در مناسب‌سازی ساختمان‌های عمومی برای استفاده توانبایان است و هدفم بررسی مشکلات مناسب‌سازی در بانک‌ها بود

هوش و استعداد خدا را شکر می‌کنم که هم من و هم خواهر و برادرهایم خیلی خوب بودیم. در کلاس اول راهنمایی، در ایوان خانه خوابیده بودم که از ارتفاع یک و نیم متری ایوان به داخل حیاط افتادم که باعث شد پایم آسیب بیشتری ببیند. پس از این حادثه دیگر می‌ترسیدم راه بروم و پافشاری کردم که دیگر به مدرسه

لطفا خودتان را معرفی کنید؟

ج- زهره طحانی رواندی متولد سال ۱۳۵۳ هستم. در کاشان و در یک خانواده مذهبی متولد شدم. فرزند اول خانواده هستم و یک خواهر و دوبرادر کوچک‌تر از خود دارم. پدر و مادرم فامیل بودند و این باعث شد که علاوه بر من، خواهر و یکی از برادرانم هم دچار مشکل جسمی شوند. بیماری ما نوعی نرمی استخوان شبیه به راشیتیزم است. این بیماری در سال‌های اولیه خود را نشان نمی‌دهد. هر کدام از ما تا حدود ده سالگی رشدمان طبیعی بود. بیماری من این‌طور شروع شد که کم‌کم شکل دست‌هایم تغییر کرد و بعد از آن رشد من متوقف شد و به تدریج محدودیت‌های حرکتی‌ام زیاد شد. این بیماری پیشرونده است و تنها با ورزش، تحرک و شنا می‌توان پیشرفت‌ش را کند کرد. خانواده هر اقدامی در جهت جلوگیری از پیشرفت بیماری را برایم انجام دادند، چند بار در همان دوران کودکی به تهران آمدم و روی پاهایم عمل جراحی انجام شد.

من به مدرسه عادی رفتم و از نظر



عمل جراحی روی پای من انجام شد و بیش از ۴۰ روز از کمر تا کف پایم در گچ بود و بعد از آن با کمک فیزیوتراپی و از آن به بعد فقط با واکر راه می‌رفتم و می‌توانستم روی صندلی بنشینم. مادرم خیلی اصرار داشت که من واکر را کنار بگذارم و خودم راه بروم. مادرم در همان زمان به خاطر من رانندگی یاد گرفت که بتواند خودش با ماشین مرا به فیزیوتراپی ببرد و بیاورد.

اوپا این که تحصیلات عالی نداشت ولی بسیار فهمیده، دانا و با ایمان بود و تلاش می‌کرد تا راه صحیح را به من نشان دهد و من هر چه امروز دارم از زحمات خانواده و خصوصاً مادر فداکارم است.

یک روز مادرم به من گفت بیا با هم به مدرسه برویم. من گفتم تمام دوستانم سه سال از من جلوتر هستند و من حاضر نیستم بروم و سر کلاس دوم راهنمایی بنشینم. بالاخره با اصرار مادرم به مدرسه رفتیم. مدرسه چند پله داشت و من با واکر نمی‌توانستم از پله‌ها بالا بروم. مادرم به من کمک کرد و مرا به داخل مدرسه برد. او با مدیر صحبت کرد و گفت: زهره حاضر نیست به مدرسه بیاید. مدیر و معلم آن روز آنقدر با من خوب رفتار کردند که نظر من تغییر کرد و با تلاش مادرم و با تشویق‌های خانم مدیر به مدرسه برگشتم. ولی از اول به مدیر گفتم: به یک شرط به مدرسه می‌آیم که بچه‌های کلاس متوجه نشوند که من از آنها بزرگ‌ترم و چون جثه‌ام کوچک بود این مسئله مشخص نبود. از آن زمان به بعد من همیشه شاگرد اول کلاس بودم. شاید هم به این خاطر بود که بزرگ‌تر از بقیه بودم و بهتر درس‌ها را یاد می‌گرفتم. مادرم هر روز مرا با ماشین به مدرسه می‌برد، دستم را می‌گرفت که از پله‌ها بالا بروم و باز مرا به خانه بر می‌گرداند. بعد از مدتی واکر را هم کنار گذاشتم و روی پای خودم راه می‌رفتم. دوره راهنمایی را که تمام کردم، با تشویق مادرم در رشته ریاضی فیزیک ثبت نام نمودم. می‌دانستم که رشته ریاضی فیزیک رشته سختی است ولی مادرم به من اعتماد به نفس می‌داد تا تشویق شوم و نترسم. مادرم در مورد من خیلی آرمانگرا بود و آنچه را برای من آرزو داشت، تا جایی که در توان داشت پیش برد.

در سال ۷۲ من دانش‌آموز دبیرستانی بودم که به خاطر کار پدرم به تهران آمدم و در تهران ساکن شدیم. دبیرستان را گذراندم و کنکور دادم و در سال ۷۵ در رشته معلم فنی معماری در دانشگاه شریعتی

جامعه ما نیازمند یک کار فرهنگی جدی است و این رسانه‌ها هستند که باید در این فرهنگ‌سازی نقش اصلی را ایفا کنند. جامعه باید بپذیرد که هر شخصی ممکن است عیب یا نقصی در جسم خود داشته باشد ولی این نقص جسمانی نباید مانع رشد و پیشرفتش شود

درخانی‌آباد قبول شدم. قبول شدگان این رشته در تعهد آموزش و پرورش بودند و باید بعد از فارغ‌التحصیلی به عنوان معلم مشغول به کار می‌شدند. رشته معماری رشته سختی بود و وسایل زیادی هم نیاز داشت که باید با خودمان می‌بردیم و می‌آوردیم. راه دانشگاه هم خیلی دور بود و رفت و آمد برایم خیلی سخت بود. با دانشگاه صحبت کردم و قرار شد به من خوابگاه بدهند. شب‌هایی که صبح زود کلاس داشتم شب را در خوابگاه می‌ماندم. پدرم عصر جمعه مرا به خوابگاه می‌برد و سه روز اول هفته رادر همانجا می‌ماندم و سه شنبه به خانه بر می‌گشتم.

پس خانواده همیشه به عنوان پشتیبان و حامی در کنار شما بودند؟ بله. همین‌طور است. من می‌خواهم این مسئله را به عنوان یکی از معضلاتی که افراد دارای معلولیت با آن روبه‌رو هستند بگویم. من واقعا بیست سال تمام با مشکلات زیادی روبه‌رو بودم. مادر من به لحاظ ایمان و اعتقادی که داشت خودش را موظف می‌دانست که آسایش و آرامش خودش را برای پیشرفت من و خواهر و برادرانم حرام کند. ولی همه افراد، خانواده‌ای که این‌گونه پشتیبان آنها باشد ندارند. اگر مادرم مرا دوباره به تحصیل وادار نمی‌کرد، شاید من یک ژاکت‌باف باقی می‌ماندم.

مشکلی دیگری که برایم پیش آمد این بود که همه کسانی که در رشته معلم فنی معماری تحصیل می‌کردند به آموزش و پرورش تعهد می‌دادند که پس از تحصیل به عنوان معلم فنی در آموزش و پرورش تدریس کنند. محل خدمت را هم آموزش و پرورش تعیین می‌کرد و محل خدمت من اصفهان شد.

بعد از پایان تحصیلاتم، با پدر و مادرم به اصفهان رفتیم و خود را به

اداره آموزش و پرورش معرفی کردم. قبل از استخدام باید توسط پزشک آموزش و پرورش معاینه می‌شدم. وقتی پزشک مرا دید برخورد خیلی بدی با من کرد که هنوز هر موقع به یاد آن روز می‌افتم به سختی می‌توانم جلوی گریه خودم را بگیرم. این پزشک به من گفت: آموزش و پرورش معلمی با این وضعیت را نمی‌خواهد.

در آن لحظه احساس کردم که دنیا برایم تمام شده‌است و تمام امید من و مادرم در آن لحظه ناامید شد. با ناراحتی زیاد به کاشان منزل مادر بزرگم رفتیم. مادرم مرا دلداری می‌داد که مسئولان آموزش پرورش به خاطر خود تواین حرف را زدند چون قد تو کوتاه‌تر از دانش‌آموزان است، آنها تو را مسخره خواهند کرد. ولی من می‌گفتم: من از مسخره کردن بچه‌ها ناراحت نمی‌شوم. من می‌توانم به کلاس بروم و درس بدهم.

در آن زمان فکر می‌کردم، کاری غیر از معلمی نمی‌توانم انجام دهم چون معماری یک رشته مردانه بود که باید سر ساختمان می‌رفتم. آن موقع فکر می‌کردم بهترین کار برای من معلمی است. غافل از این‌که، گر خداوند ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری.

چگونه با رعد آشنا شدید؟

در آن موقع مادرم مرتب به بهزیستی می‌رفت تا بتواند نامه‌ای از بهزیستی بگیرد. در آنجا شخصی به او گفته بود که در شهرک غرب مرکزی است به نام رعد که کلاس‌های مختلف از جمله کامپیوتر را برای افراد دارای معلولیت به‌طور رایگان برگزار می‌کند.

آن زمان کامپیوتر تازه مد شده بود و برای شرکت در این کلاس‌ها باید پول زیادی پرداخت می‌شد. وقتی فهمیدیم که چنین جایی وجود دارد با مادرم به رعد رفتیم و ثبت‌نام کردیم. در آن زمان سرویس رعد یک اتوبوس بنز قدیمی بود که سوار و پیاده شدن برایم سخت بود و من برای این‌که خودم را به سرویس برسانم به میدان انقلاب می‌رفتم و سوار سرویس می‌شدم. بعداً سرویس‌هایی گذاشتند که مناسب‌سازی شده بود و رمپ داشت. در سال ۷۶ دوره ویندوز و همین‌طور کلاس دی مکس و اوتو تک را در رعد گذراندم.

آشنایی با رعد نقطه عطفی در زندگی بود. علاوه بر آموزش‌های مفیدش، تمام نقاط این مرکز دسترس‌پذیر بود و من که تمام دوران تحصیل از دبیرستان و دانشگاه به مانع و پله روبه‌رو بودم، به راحتی به

همه قسمت‌های آن می‌رفتیم. اساتید بسیار خوبی هم داشتیم که زندگیم را تغییر دادند.

در آن زمان آقای بادی که مدرس اتوكد بود مرا تشویق کرد که پروژه فارغ‌التحصیلی دانشگاهم را با اتوكد کار کنم. من هم این کار را انجام دادم و هر جا به مشکل برخورد می‌کردم، یا با ایشان تماس می‌گرفتم و یا به رعد آمده و رفع اشکال می‌کردم. در همان زمان که مشغول پروژه‌ام بودم، در دانشگاه به ما گفتند که هر کسی که اتوكد می‌داند به استاد پیرجلیلی مراجعه کند چون برای دفترش نیرو می‌خواهد. من با ایشان صحبت کردم و قرار شد به دفتر کار ایشان بروم و تست بدهم که پس از تست شروع به کار در دفتر ایشان کردم. با همه مشکلاتی که در رفت و آمد با آن روبرو بودم، به‌رحال مشغول به کار شدم. کار من نقشه کشی بود. آن شرکت خصوصی بود و من در آنجا ساعتی کار می‌کردم و دستمزد نسبت به بقیه کمتر بود. یادم می‌آید روزی که اولین حقوقم را گرفتم شاید حدود چهل هزار تومان می‌شد، شیرینی خریدم و به خانه بردم. آن روز از این که توانسته بودم پولی در بیاورم خیلی احساس غرور می‌کردم. در همان زمان در رشته کارشناسی معماری در دانشگاه خیام مشهود قبول شدم و برای ادامه تحصیل به مشهد رفتم. زندگی در مشهد برای من خیلی سخت بود. خوابگاه دانشگاه پله داشت و خیلی هم دور از دانشگاه بود. بعد از یک ماه احساس کردم که نمی‌توانم با این شرایط ادامه بدهم. به تهران آمدم و گفتم نمی‌توانم در مشهد بمانم و می‌خواهم انصراف بدهم. پدرم با نظر موافق بود و گفت بهتر است به تهران برگردی و به کار قبلی‌ات ادامه دهی. ولی مادرم سخت مخالفت کرد و گفت باید این سختی‌ها را تحمل کنی تا درست تمام شود.

باز هم مادرم با من به مشهد آمد و در کنار دانشگاه برایم خانه‌ای گرفت و به صاحب‌خانه که در طبقه بالا بود سپرد که برایم غذا درست کند و در کارها به من کمک کند تا بتوانم درس بخوانم. دو ترم در مشهد بودم و دو ترم بعد را هم در دانشگاه سوره تهران به صورت مهمان درس خواندم. در آن زمان خواهر و برادرم یک شرکت تبلیغاتی در تهران راه‌انداخته بودند که من هم در همین شرکت با آنها همکاری کردم.

پس از گرفتن لیسانس یکی از اتاق‌های این دفتر را به دفتر معماری تبدیل کردم و کارهای پایان‌نامه و پروژه‌های معماری را

باید آنقدر در جامعه، رفت و آمد کنیم تا مردم ما را ببینند و با حق و حقوق ما آشنا شوند و ما را بپذیرند و از کمک گرفتن از دیگران هم ناراحت نشویم

در آنجا انجام می‌دادم و هم‌زمان برای فوق لیسانس هم درس می‌خواندم. در کنکور فوق لیسانس شرکت کردم که در آن زمان دو مرحله‌ای بود. در مرحله اول قبول شدم و در مرحله دوم که مصاحبه بود قبول نشدم که این موضوع باعث افسردگی من شد. یک روز به همان استاد قدیمی، آقای پیرجلیلی زنگ زدم و گفتم که دنبال کار هستم. ایشان به من پیشنهاد کردند که در دفتر فنی آموزش و پرورش کار کنم. به دفتر نوسازی مدارس آموزش و پرورش در میدان ونک رفتم، آن محل پیاده‌روی زیادی داشت و ساختمان هم پله داشت. بعد از دو روز به آقای پیرجلیلی گفتم که نمی‌توانم به این محل بروم. ایشان هم من را به اداره ساختمان بانک ملت معرفی کردند. روزی که با برادرم برای مصاحبه به بانک رفتم دیدم آنجا هم پله دارد و گفتم بهتر است برای مصاحبه بروم. در آن لحظه اصلاً به فکر آینده نبودم، فقط به این فکر می‌کردم که با وجود پله دوست ندارم آنجا کار کنم.

به اصرار برادرم داخل بانک رفتم و با آقای راسخ مدیر مربوطه ملاقات کردم و رزومه‌ام را به ایشان تحویل دادم. ایشان خانمی را که مسئول بخش معماری بود صدا کردند. این خانم وقتی رزومه‌ام را دید گفت، خوب است. برخورد ایشان باعث شد که حس خوبی نسبت به این محل در من بوجود بیاید و علاقمند به کار در بانک شدم. در آن زمان یعنی در سال ۸۵، استخدام در بانک کار به راحتی صورت نمی‌گرفت. بالاخره با پیگیری‌های زیادی که انجام دادم، مراحل استخدام را طی کردم و باز بحث معاینه پزشکی پیش آمد. به دکتر ارتوپد مورد اعتماد بانک مراجعه کردم. او از من پرسید در کدام قسمت می‌خواهی کار کنی؟ گفتم: اداره ساختمان. گفت می‌توانی در این قسمت

خوب کار کنی؟ گفتم: کارم طراحی است و اگر لازم باشد سر ساختمان هم می‌روم. دکتر گفت: من یکبار در مورد شخصی نظر منفی دادم و هنوز هم عذاب وجدان دارم و برایم نظر مثبت نوشت.

بعد از یکسال ونیم که به صورت آزمایشی کار کردم، رسمی شدم. سال بعد از آن هم فوق لیسانسم را در رشته مدیریت پروژه و ساخت از دانشگاه تهران گرفتم. پروژه پایان‌نامه‌ام در حوزه اجرای ضوابط شهری در مناسب‌سازی ساختمان‌های عمومی برای استفاده توانبایان است و هدفم بررسی مشکلات مناسب‌سازی در بانک‌ها بود. الان یک سال ونیم است که فوق لیسانسم را گرفته‌ام. البته، اداره به من خیلی کمک کرد که بتوانم تحصیلاتم را ادامه دهم چون سیاست مسئولان بانک این است که کارمندان تحصیلات عالی داشته‌باشند.

می‌خواهم بگویم که افراد دارای معلولیت همیشه احتیاج به حمایت دیگران دارند و گرنه کسی نمی‌تواند به این راحتی کار پیدا کند. در مورد من علاوه بر اینکه همیشه لطف خدا با من بوده‌است وجود شخصی مانند استاد پیرجلیلی یک شانس و یک اتفاق بزرگی در زندگی من بوده‌است.

همین الان هم در رفت و آمد به بانک مشکل ندارید؟

متأسفانه ساختمان ما پله دارد و اوایل رفت و آمد از این پله‌ها خیلی برایم سخت بود. آن موقع نرده‌های کنونی هم در کنار پله‌ها هم وجود نداشت. ولی از وقتی ماشین گرفتم، با ماشین وارد پارکینگ می‌شوم و بوسیله آسانسور بالا می‌آیم.

چگونه با همکاران و محیط کار خود کنار آمدید؟

از زمانی که من به اداره ساختمان آمده‌ام، تا به حال چندین رییس عوض کرده‌ام. بعضی از مدیران شرایط من را درک می‌کنند و بعضی هم معتقدند که مشکل جسمی من محدودیتی برای کار من ایجاد نمی‌کند. گاهی از این برخوردها خوشحال می‌شوم چون احساس می‌کنم میان من و سایرین تبعیضی وجود ندارد ولی گاهی هم برایم سخت است چون وقتی سر ساختمان می‌روم خصوصاً اگر پله داشته‌باشد، لازم است یکی از همکاران خانم را با خود ببرم که در بالا رفتن از پله‌ها به من کمک کند.

وظیفه شما در حال حاضر در این اداره چیست؟

من کارشناس طراحی و نقشه‌کشی و



معماری داخلی و دکوراسیون شعب بانک ملت هستیم. ما پنج کارشناس هستیم که شعب بانک ملت را در استان‌های مختلف بر عهده داریم.

با توجه به مسئولیتی که دارید و پاسخگوی دغدغه‌های شخصی خودتان هم هست، آیا اکنون شعب بانک ملت در استان‌های مختلف مناسب‌سازی شده‌اند؟

دست ما تا حدودی برای مناسب‌سازی باز است. چون زیرساختمان باید پارکینگ باشد، ارتفاع شعب بانک باید بالا برود. پس مجبوریم تعدادی پله در مقابل شعب بگذاریم! از طرفی چون نمی‌توانیم وارد محدوده شهری شویم، اگر بخواهیم رمپ استاندارد برای این شعب بگذاریم، فضای زیادی از بنای ساختمان را می‌گیرد. در شهرستان‌ها هم که کمتر با این مباحث آشنا هستند، اگر رمپ هم بزنند یک رمپ با شیب تند و غیر استاندارد می‌زنند که قابل استفاده نیست.

در نقشه‌هایی که برای شعب بانک در شهرستان‌ها تهیه می‌کنیم یک فضای صدویست در بیست به عنوان محل قرار گرفتن بالابر توانیابان در نظر می‌گیریم که بتوانیم مجوز شهرداری را بگیریم. ولی عملاً پس از ساخت شعبه، دستگاه بالا بر تعبیه نمی‌شود اگر هم بشود متاسفانه همیشه یا خراب است یا برقش قطع است که عملاً تبدیل به زباله‌دانی می‌شود!

شما به عنوان کسی که توانستید با وجود همه موانعی که در مسیرتان وجود داشت، در این جامعه پیشرفت کنید و موفق شوید، فکر می‌کنید چه موانعی در پذیرش افراد دارای معلولیت در جامعه نقش دارد؟

به نظر من جامعه ما نیازمند یک کار فرهنگی جدی است و این رسانه‌ها هستند که باید در این فرهنگ‌سازی نقش اصلی را ایفا کنند. جامعه باید بپذیرد که هر شخصی ممکن است عیب یا نقصی در جسم خود داشته‌باشد. بعضی از افراد نقص ظاهری دارند و مردم آن را می‌بینند و برخی از افراد هم هستند که عیب و نقص آنها ظاهری نیست. شخصی که مشکلی در ظاهر یا در جسمش دارد، خودش که در این مشکل دخیل نبوده، پس برای چه باید یک فرد دارای معلولیت خجالت بکشد و خودش را از نگاه دیگران پنهان کند؟

اول رسانه‌ها باید در آگاهی بخشیدن به مردم جامعه نقش خود را ایفا کنند و

من به عنوان فردی که در رعد آموزش دیده و از امکانات این مرکز استفاده کرده‌ام، حاضرم هر کمکی که از دستم برمی‌آید را برای بچه‌های این مرکز انجام دهم. حاضرم در تدریس اتوکد، نقشه‌کشی پایه، طراحی و معماری، دکوراسیون داخلی، همچنین در زمینه کارهای تبلیغاتی مثل فتوشاپ با مرکز رعد همکاری کنم

بعد هم خانواده است که باید فرزندش را با هر شرایطی که دارد قبول کند و به او اعتماد به نفس بدهد. کاری که خانواده‌ام با من کردند.

از طرفی هیچ اشکالی ندارد که یک فرد دارای معلولیت از دیگران کمک بخواهد. من در محیط کاری‌ام در بسیاری از موارد از خانم‌های همکار کمک می‌گیرم و می‌بینم که این دوستان با کمال میل و با خوشحالی به من کمک می‌کنند.

بارها پیش آمده که کودک خردسالی مرا به پدر و مادرش نشان می‌دهد و می‌پرسد که چرا این خانم قدش کوتاه است، یا چرا این جوری راه می‌رود؟ ولی پدر و مادر این بچه، جواب قانع‌کننده‌ای به او نمی‌دهند. من خودم در این جور وقت‌ها به بچه‌ها می‌گویم که در اثر بیماری قدم کوتاه مانده یا مریض شدم و غیره.

برای پدر و مادر این بچه هم کار توضیحی انجام نشده‌است تا بدانند در چنین مواردی چگونه باید رفتار کند. باز این بر می‌گردد به نقش رسانه‌ها. در فیلم‌ها و کارتون‌های خارجی اغلب در کنار کودک تدرست یک کودک ویلچری هم هست. ولی ما این فرهنگ‌سازی را نداریم و همین باعث می‌شود دیدن یک فرد دارای معلولیت برای یک کودک عجیب باشد و پدر و مادر هم نمی‌دانند در این موارد چگونه باید رفتار کنند.

به خاطر عوامل مختلف مثل عدم فرهنگ‌سازی، نبودن مناسب‌سازی‌ها و نگاه ترحم‌آمیز، این افراد بیرون نمی‌آیند. به نظر من باید نگاه کلان در جامعه تغییر کند تا نگاه‌های افراد هم تغییر کند.

این فرهنگ در جامعه ما به وجود نیامده که افرادی که معلولیت دارند هم بخشی از جامعه هستند و مثل دیگران

حق استفاده از مواهب زندگی را دارند. فکر می‌کنند آنها افراد اضافه‌ای هستند و باید در خانه بمانند و با یارانه بخور و نمیر دولتی زندگی کنند.

به جای این که صدا و سیما یک سری برنامه‌های کلیشه‌ای را در روز جهانی معلولان پخش کند که هیچ فایده‌ای هم ندارد، بهتر است کلیپ‌های کوتاه و جذابی در این حوزه بسازد. مثل کلیپ‌هایی که شرکت گاز می‌سازد یا کلیپ‌های «مهربان باشیم» که در حد چند ثانیه در شبکه‌های پر بیننده تلویزیون و در بین سریال‌ها یا فیلم‌های سینمایی نشان داده می‌شود تا روی ذهن و فکر مردم به صورت ناخودآگاه تاثیر بگذارد.

چه صحبتی با دوستانی که این نشریه را می‌خوانند دارید؟

می‌خواهم به دوستان دارای معلولیت بگویم افراد تندرستی که در اطراف خودمان می‌بینم، آن‌طور که به نظر می‌آید بدون عیب و نقص و مشکل نیستند. مشکل ما ظاهری است و مشکل دیگران غیر ظاهری. باید آنقدر در جامعه، رفت و آمد کنیم تا مردم ما را ببینند و با حق و حقوق ما آشنا شوند و ما را بپذیرند. دیگر این که از کمک گرفتن از دیگران ناراحت نشوید. همه ما انسان‌ها احتیاج به کمک همدیگر داریم. یکی ممکن است از نظر فیزیکی بتواند به دیگران کمک کند و یکی هم از لحاظ مالی به دیگران کمک می‌کند. جمعی زندگی کردن مشخصه انسان است و کمک کردن به دیگران وظیفه همه ماست.

و سخن آخر...؟

یکی از مسائلی که دوست دارم با خانم پناهی مدیریت محترم مرکز رعد مطرح کنم، بحث ازدواج توانیابان است. خوب است مرکز رعد که در بحث اشتغال توانیابان فعالیت می‌کند، در این حوزه هم وارد شود. روانشناسان این مرکز با آشنایی و شناسایی که با بچه‌های این مرکز دارند، می‌توانند افراد مناسب را برای ازدواج به یکدیگر معرفی کنند. به نظرم ازدواج هم مانند اشتغال، دغدغه افراد دارای معلولیت است.

نکته دیگر اینکه، من به عنوان فردی که در رعد آموزش دیده و از امکانات این مرکز استفاده کرده‌ام، حاضرم هر کمکی که از دستم برمی‌آید را برای بچه‌های این مرکز انجام دهم. حاضرم در تدریس اتوکد، نقشه‌کشی پایه، طراحی و معماری، دکوراسیون داخلی، همچنین در زمینه کارهای تبلیغاتی مثل فتوشاپ با مرکز رعد همکاری کنم و علاقه مند به این همکاری با رعد هستم.





یکه باید باشد

از آن آدم‌هایی که دلت می‌خواهد اولین خبر هیجان انگیز را به او بگویی، از آنهایی که همه چیز را با آب و تاب برایش تعریف کنی بدون کم و کسری، بدون خجالت زدگی و بدون پشیمانی. از آن آدم‌هایی که هیچ وقت در کنارش احساس بدی بهت دست ندهد. ناراحت کارهایی که کردی و نکردی نباشی. در کنارش همبرگرت را راحت بخوری و تمام صورتت را سسی کنی! و او هم با تمام خونسردی نگاهت کند و با لبخند گوشه لبش را پاک کند و با هم بخندید. از آن آدم‌هایی که صبح زود بیدار شود و با این که بداند خوابی حالت را بپرسد.

همانی که به سرش می‌زند و تا راه‌های دور می‌بردت تا غروب خورشید را از زاویه بهتری ببینی و خودش تمام مدت حرفی نمی‌زند و آسمان را نگاه می‌کند. یکی باید باشد که گاهی که به خودم می‌آیم و فکر می‌کنم همین که کسی باشد که کس باشد برایم کافی است.

کیانوش کجوری



قریب به سه سال پیش، سامانه اسنپ با نام تاکسی‌یاب در شهر تهران آغاز به کار کرد. هسته ابتدایی اسنپ متشکل از گروهی از جوانان نخبه بود که موفق شدند نرم‌افزار اسنپ را با استفاده از توان خود و دانشی که به واسطه تحقیق به دست آورده بودند، طراحی کنند. نرم‌افزار اسنپ الهام‌گرفته از سیستم‌های موفق حمل‌ونقل در دنیاست. علی قاسم‌خانی، مدیر منابع انسانی این سامانه می‌گوید: در شروع تعداد کل کارکنان این سامانه به کمتر از ۱۵ نفر می‌رسید که همگی در یک فضای محدود کار می‌کردند ولی امروز اسنپ در ۱۶ شهر ایران، با بیش از ۸۵۰ نفر کارمند ثابت و ۳۰۰ هزار کاربر راننده فعالیت دارد.



علی قاسم‌خانی، مدیر منابع انسانی اسنپ؛

با آغوش باز پذیرای توان‌یابان، برای فعالیت در این سامانه هستیم

با مهارت‌های جامع و تخصصی باشیم، به مهارت‌های عمومی و تحصیلات دانشگاهی متقاضیان توجه می‌کنیم.

سامانه اسنپ یکی از چندین استارت‌آپ شرکت‌کننده در رویداد توان‌تک که در تاریخ ۲۱ تا ۲۴ آذر ماه در مرکز رعد برگزار شد، بود. مدیر منابع انسانی این سامانه، ایجاد همکاری با مرکز رعد را در راستای تحقق مسئولیت‌های اجتماعی خود می‌داند و از همکاری‌های مستمری که علاوه بر رعد با انجمن کودکان کار، هلال احمر و کمیته امداد امام خمینی داشته‌اند خبر می‌دهد. قاسم‌خانی اعتقاد دارد که با رویداد توان‌تک، ارتباط بین توان‌یابان و کسب‌وکارهای جدید شکل تازه‌ای پیدا کرد و فرصتی فراهم شد تا این دو گروه از نزدیک با ظرفیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر آشنا شوند. او می‌افزاید: در خانواده اسنپ باور داریم که هر شخص جویای کار حق برابری برای فعالیت در اسنپ دارد. به همین دلیل با آغوش باز پذیرای توان‌یابانی هستیم که می‌توانند به عنوان کاربر راننده در

به طور معمول از طریق کانال‌های مختلف کاربابی نظیر ایران تلنت، جابینجا، لینکدین و شبکه‌های کاربابی در خصوص فرصت‌های شغلی موجود در اسنپ، اطلاع‌رسانی می‌کنیم

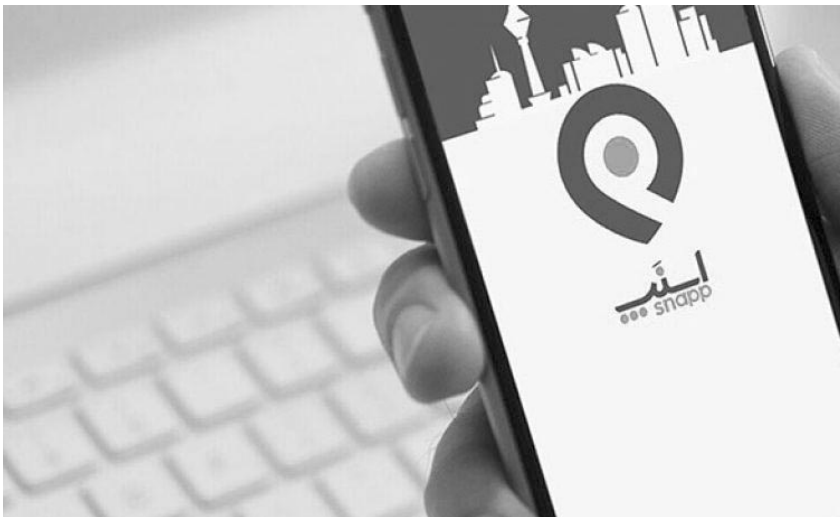
نوبت به انجام مصاحبه با متقاضیان می‌رسد. به گفته قاسم‌خانی، هر فرصت شغلی نیازمند شرایط خاص برای پذیرفته شدن در اسنپ است. وی ادامه می‌دهد: خانواده اسنپ متشکل از جوانانی با میانگین سنی کمتر از ۳۰ سال است، بنابراین بیشتر از آن‌که سابقه کار آن‌ها را مد نظر قرار دهیم و یا به دنبال افرادی

مدیر منابع انسانی اسنپ ادامه می‌دهد: با فراگیر شدن اینترنت در سراسر ایران و افزایش ضریب نفوذ آن در بین کاربران ایرانی، زمینه هوشمندسازی در سیستم حمل‌ونقل کشور به وجود آمد و زمان آن رسیده بود که در جست‌وجوی گرفتن‌های خیابانی از قالب سنتی خارج شده و سازوکار منطقی و روزآمد پیدا کند. در واقع سامانه اسنپ موفق شد از ظرفیت فراگیری اینترنت در ایران برای بهبود خدمات شهری استفاده کند و تحولی در سیستم حمل و نقل عمومی به وجود آورد.

قاسم‌خانی در مورد چگونگی جذب افراد جویای کار و ارتباطشان با سامانه اسنپ می‌گوید: ما به طور معمول از طریق کانال‌های مختلف کاربابی نظیر ایران تلنت، جابینجا، لینکدین و شبکه‌های کاربابی در خصوص فرصت‌های شغلی موجود در اسنپ، اطلاع‌رسانی می‌کنیم. افراد جویای کار از این طریق رزومه‌های خود را به دست تیم منابع انسانی اسنپ می‌رسانند که پس از بررسی رزومه‌ها،



شماره ۱۸۷ بهار ۱۳۹۷



با رویداد توان تک، ارتباط بین توان یابان و کسب و کارهای جدید شکل تازه‌ای پیدا کرد و فرصتی فراهم شد تا این دو گروه از نزدیک با ظرفیت‌ها و توانایی‌های یکدیگر آشنا شوند

علی قاسم‌خانی در خاتمه می‌گوید: اسنپ با اتکا به سرمایه‌های انسانی‌اش هیچ حد و مرزی را در مسیر رشد و توسعه و موفقیت خود نمی‌شناسد و تمام تلاشش این است که به بهترین، جامع‌ترین و راحت‌ترین سیستم هوشمند حمل‌ونقل کشور تبدیل شود. از مهم‌ترین برنامه‌های توسعه اسنپ رساندن خدمات حمل‌ونقلی این سامانه به شهرهای کوچک و بزرگ سراسر کشورمان است. در عین حال در اسنپ نگاهی جدی به بحث بالا بردن کیفیت سفرهای شهری وجود دارد و همواره در پی ارائه راهکارهای تازه برای انجام این سفرها هست. به طور مثال می‌توان به برنامه آتی اسنپ برای ارائه سرویس سفرهای اشتراکی اشاره کرد. این سرویس در آینده نزدیک به عنوان راهکاری مناسب برای حل بحران‌های آلودگی هوا، ترافیک و جای پارک در کلان‌شهرها ارائه می‌شود و در سفر با آن چند مسافر (با مبدا و مقصد نزدیک) به طور همزمان می‌توانند از یک خودروی اسنپ استفاده کنند. همچنین از دیگر دستاوردهای اخیر متخصصان فنی اسنپ می‌توان به ارائه وب‌اپلیکیشن این سامانه اشاره کرد. در نهایت نیز برای حفظ حریم شخصی کاربران راننده و مسافر، قابلیت تماس امن را راه‌اندازی کردیم که به زودی در تمامی شهرهای تحت پوشش اسنپ فعال خواهد شد. با استفاده از این سیستم تماس راننده و مسافر از طریق یک شماره ثابت برقرار می‌شود و شماره تلفن آنها پنهان می‌ماند.

خدمات خود را بر مبنای رضایت کاربرانمان در دستور کار داشته‌ایم. کاربران اسنپ می‌توانند نظرها و انتقادهای خود را از طریق گزارش در اپلیکیشن و یا تماس با پشتیبانی با ما در میان بگذارند و مطمئن باشند که بازخوردهای مختلفشان با دقت مورد پیگیری و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع مهم‌ترین ابزار ما برای بهبود سرویس‌هایمان همین بازخورد کاربرانمان است. این در حالیست که بازخوردهای بسیار مثبتی از مسافرانی که با رانندگان توان‌یاب سفر می‌کنند دریافت کرده‌ایم و جالب است که خیلی از مسافران ما آن قدر از تجربه سفر با یک فرد توان‌یاب احساس رضایت دارند که احساس خود را در این رابطه در شبکه‌های اجتماعی‌شان با سایرین به اشتراک می‌گذارند.

قاسم‌خانی اسنپ را در آغاز راه حمایت از جمعیت توان‌یاب کشور می‌داند و افزایش مشارکت اجتماعی توان‌یابان را یکی از اهداف مدیریت این سامانه برمی‌شمرد. او ادامه می‌دهد: قصد داریم فعالیت‌هایمان را برای افزایش مشارکت اجتماعی این افراد بیشتر کنیم. وی معتقد است: سامانه هوشمند حمل‌ونقل اسنپ برای استفاده همه افراد جامعه طراحی شده است و همه می‌توانند از این طریق کسب درآمد کنند و داشتن معلولیت فیزیکی مانعی برای ورود توان‌یابان به اجتماع نیست. این سامانه با فراهم آوردن زمینه اشتغال برای توان‌یابان از همه این افراد می‌خواهد که در اجتماع فعالیت کنند و اجازه ندهند بازخوردهای منفی مانعی بر سر راهشان باشد.

این سامانه فعالیت کنند. از همین رو بود که به عنوان یکی از حامیان اصلی اولین دوره توان تک، در این رویداد حاضر شدیم و فعالانه به معرفی خدمات خود پرداختیم. در غرفه اسنپ در توان تک، جمعی از راننده‌های توان‌یاب ما حضور داشتند تا به سایر افراد توان‌یاب مشاوره دهند و از تجربه فعالیت در ناوگان اسنپ بگویند. همچنین در زمان برگزاری این رویداد امکانی فراهم آوردیم تا توان‌یابان علاقمند به کار در اسنپ بتوانند رزومه کاری خود را برای ما ارسال کنند.

در مراسم اختتامیه توان تک نیز افتخار این را داشتیم که تندیس مسئولیت اجتماعی مجتمع آموزشی-نیکوکاری رعد را دریافت کنیم. به گفته قاسم‌خانی، نزدیک به ۲ هزار کاربر راننده با پلاک «ژ» در اسنپ فعال‌اند که به پاس قدردانی از تلاش‌های این افراد و همچنین تشویق سایر توان‌یابان به مشارکت بیشتر در اجتماع، هیچ کمیسیونی از آنها دریافت نمی‌شود. او ادامه می‌دهد، اکنون در صدد مناسب‌سازی زیرساخت‌های دفاتر اسنپ هستیم تا فضای مناسب برای نخبگان و متخصصان توان‌یاب فراهم آید و بتوانیم از تخصص این عزیزان به صورت تمام وقت بهره ببریم. با توجه به نگاهی که در بخش مدیریت ما وجود دارد، امیدواریم که در آینده نزدیک این مسئله نیز ممکن می‌شود.

مدیر منابع انسانی اسنپ در مورد بازخوردهایی که از جمع‌آوری نظرات مردم انجام می‌شود می‌گوید: ما همواره بهبود





من کداختصاصی اسنپ دارم!



سه ماه پیش از این خدمات استفاده می‌کنم، اسنپ کارم را راه می‌اندازد.»

امین ادامه می‌دهد: «تا قبل از استفاده از اسنپ به ندرت از خانه بیرون می‌رفتم. حتی پیش می‌آمد در ماه یکبار هم از خانه بیرون نیایم چرا که خدمات سامانه حمل‌ونقل معلولان ناکافی است. باید از روزها قبل برای دریافت خدمات و سرویس نوبت بگیریم و این موضوع باعث شده بود یک جورهایی در خانه حبس شوم، اما از سه ماه پیش هفته‌ای یکبار را بیرون می‌روم و اغلب مقصدم رعد است.»

امین روزهایی که در خانه است تمام وقتش را پای کامپیوترش می‌گذراند. او می‌گوید: «همیشه به دنبال افزایش دانشم در زمینه کامپیوترم، برنامه‌های جدید دانلود می‌کنم و سعی می‌کنم چیزهای تازه را یاد بگیرم اما با این که ده سال پیش مدرک دیپلم کامپیوترم را گرفتم و دانش خوبی در این حوزه دارم تاکنون نتوانسته‌ام کار پیدا کنم. به خاطر شرایط جسمی به ما کار نمی‌دهند تا آنجا که آرزوی من در زندگی داشتن کار ثابت و درآمد ماهیانه شده است.»

حالا امین با رفتن به کلاس طلاسازی در مسیر آرزویش گام برمی‌دارد هر چند مسیر تازه او ارتباط چندانی با دانش و تخصصش ندارد. او می‌گوید: «حتی برای رفتن به شرکت اسنپ و فعال کردن کد تخفیفم هم اسنپ گرفتم. از مسئولان اسنپ، رعد و رویداد توان‌تک برای کمکشان بسیار ممنونم و امیدوارم بعد از گذراندن این کلاس‌ها بتوانم به کار ثابت و درآمد برسیم.»

این مطلب توسط خبرگزاری مهر تهیه شده است

امین صمیمی توان‌نیاب ۳۷ ساله‌ای است که با وجود داشتن مدرک دیپلم کامپیوتر، تاکنون نتوانسته کاری پیدا کند. او از بدو تولد روی ویلچر می‌نشیند.

امین چند وقت پیش تصمیم گرفت به کلاس‌های طلاسازی در کرج برود، شاید بتواند از این راه درآمدی کسب کند، اما مانعی بزرگ پیش رویش بود؛ هزینه بالای حمل‌ونقل. او با حضور در رویداد توان‌تک در مجتمع رعد غرفه اسنپ را دید و تصمیم گرفت برای حل مشکلش از اسنپ کمک بگیرد.

توان‌تک رویدادی بود که با همکاری مجتمع رعد، اسنپ و دیگر استارت‌آپ‌های بزرگ ایران برای کمک به کسب‌وکار توانیابان برگزار شد. او در این رویداد از سوی اسنپ انتخاب شد تا برای یافتن شغل و کسب درآمد حمایت شود. امین یک روز بارانی دی ماه به ساختمان مرکزی اسنپ در جردن رفت و با کد تخفیف ده‌هزار تومانی یک‌ساله برای هر سفر به خانه برگشت.

امین صمیمی منتقد جامعه‌ای است که حق حضور را برای توانیابان به رسمیت نمی‌شناسد. «فضای شهری به‌گونه‌ای است که ما توانیابان نتوانیم در جامعه حضور داشته باشیم از مطب دکتر تا سینما و سالن‌های تئاتر و موسیقی پله دارند و فاقد آسانسور هستند و خیابان‌ها هم مناسب‌سازی نشده‌اند، هیچ امکاناتی برای ما وجود ندارد.» اما این‌ها باعث نمی‌شود او و دیگر توانیاب‌ها متوقف بمانند. آن‌ها به دنبال استفاده از امکانات موجود برای حضور بیشترند و همین پیگیری امین را به مشتری همیشگی شرکت حمل‌ونقل اسنپ تبدیل کرد.

او به موبایلش اشاره می‌کند و می‌گوید: «موبایل جدیدم را برای این خریدم که بتوانم اپلیکیشن اسنپ را وصل کنم و از



یک روز در مهد کودک!



از اسفند ۱۳۹۴ به پیشنهاد مدیریت مجتمع رعده، خانم منصوره پناهی، گروه تغییر نگرش با هدف ایجاد نگاه مناسب به توانیابان و شناخت توانمندی‌های آنان با مشارکت تعدادی از افراد داوطلب آغاز به کار نمود. به این منظور فعالیت‌هایی برنامه‌ریزی شد. یکی از این برنامه‌ها ارتباط با مهدهای کودکی بود که مدیرانشان داوطلبانه در جهت تغییر نگرش کودکان مهدکودکی خود پیشقدم شدند. معصومه جمعه‌زاده، از کارشناسان دفتر آموزش رعده، در روز یکشنبه مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۹۶ به همراه دوتن از کارآموزان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده، عطیه رنج آزاد و محبوبه محمدزاده به دعوت خانم طاهری مدیر مهدکودک لبخند گلها به این مهدکودک مراجعه کردند.

جمعه‌زاده می‌گوید: «با عطیه و محبوبه برای دیدار با بچه‌ها به مهد کودک رفتیم. عطیه رنج‌آزاد که با ویلچر رفت و آمد می‌کند، ویلچر خود را برای جلب توجه کودکان با کاموهای رنگی تزئین کرده بود. مواجهه با چنین ویلچری، برای بچه‌های مهدکودک بسیار جالب و جذاب بود تا جایی که بلافاصله با او ارتباط برقرار کردند و مثل سایر مربیان خود به او هم لقب خاله دادند. بعد از آشنایی اولیه، گفت‌وگو با بچه‌ها و نقاشی از ویلچر و درست کردن کاردستی به صورت گروهی آغاز شد. به کودکانی که در سنین پایین‌تر قرار داشتند مقوایی که طرح ویلچر داشت داده شد تا آنها را رنگ آمیزی کنند و از کودکانی که در سنین بالاتری قرار داشتند خواسته شد که خودشان یک ویلچر را بکشند و رنگ‌آمیزی نمایند.

در بازی با بچه‌ها، از آنها خواستیم که برای دست زدن به ویلچر خاله عطیه، حتماً از او اجازه بگیرند. بچه‌ها این کار را انجام دادند و برایشان بسیار جذاب بود. بازی دیگری که با بچه‌ها انجام شد بادکنک بازی بود. در این بازی خاله عطیه هم شرکت داشت و بچه‌ها متوجه شدند که کسی که با ویلچر رفت و آمد می‌کند هم می‌تواند مثل آنها بازی کند و تفریح داشته‌باشد و چون ویلچر از قبل در معرض دید بچه‌ها قرار گرفته بود توانستند به خوبی با خاله عطیه ارتباط برقرار کنند و بازی کنند. بعد از حدود دو ساعت که در مهدکودک بودیم، از بچه‌ها خداحافظی کردیم و به مجتمع رعده بازگشتیم.

در طول مدتی که در کنار بچه‌ها بودیم احساس بسیار خوب و مثبتی داشتیم و به نظر می‌رسید که بچه‌های مهدکودک هم احساس خوشایند و جدیدی را تجربه کرده‌اند.

به امید روزی که فرهنگ سازی در مورد افراد دارای معلولیت در جامعه از سنین بسیار پایین آغاز گردد تا در بزرگسالی نگرش جامعه به افراد دارای معلولیت به سمت و سوی نگرشی خوب و مثبت برود...
به امید آن روز...

معصومه جمعه‌زاده
کارشناس واحد آموزش مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده





ای دواى درون خسته دلان
 مرهم سینه شکسته دلان
 مرهمی لطف کن که خسته دلم
 مرحمت کن که بس شکسته دلم
 گرچه من سر به سر گنه کردم
 نامه خویش را سیه کردم
 تو در این نامه سیاه مبین
 کرم خویش بین گناه نبین
 گرچه در خورد آتشم چو شرر
 نظری گر به من رسد چه ضرر

کیانوش کجوری
 کارآموز رعد

سنت شکنی باید
 باور نکنم یکدم در وادی شیدای
 کز پیش رقم خورده تقدیر به تنهایی
 سنت شکنی باید، باید که در این باید
 هرکس که نیاساید از مردم غوغایی
 راحت طلبان گویند تقدیر چنین بوده
 هرگز نپذیر این را باید به تلاش آیی
 عمریست بر این باور لبخند به لب دارم
 مادام نخواهد ماند درد و غم دنیایی
 در آتش دیروزت، امروز تو میسوزی
 امروز همه در غم، در حسرت فردایی
 گوید به خدا مولود این مصرع حافظ را
 حکم آنچه تو اندیشی لطف آنچه تو فرمایی

مولود مولوی، کارآموز رعد



عاطفه مهربخش یک خانم دیپلمه و خانه‌دار است. او که از بدو تولد به بیماری فلج اطفال مبتلا شد، ۲۳ سال قبل با غلامرضا حسینی ازدواج کرد. غلامرضا حسینی کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و رییس یکی از شعبات بانک صادرات است. ثمره این ازدواج که با اصرار و پافشاری آقای حسینی صورت گرفت، دو فرزند دختر است. این دو نفر زندگی خوبی را توأم با عشق و مهربانی برای خود و فرزندانشان مهیا کرده‌اند. با این زوج صمیمی به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید:



وقتی کسی را دوست داشته باشی، نقص‌های ظاهری به چشم نمی‌آیند

کلاس والیبال نشسته نام‌نویسی کردم، او بسیار خوشحال شد.

قبل از آشنایی با رعد فکر می‌کردم معلولیت من خیلی شدید است. ولی وقتی به رعد آمدم و افراد مختلف با مشکلات جسمی متعددی را دیدم از خودم خجالت کشیدم که چرا این همه سال خودم را از حضور در بین افراد و چنین مراکزی محروم کرده‌ام.

غلامرضا: ما در سال ۷۲ با هم ازدواج کردیم. در تمام این مدت سعی کردم به همسرم بفهمانم که معلولیت معنایی ندارد و فقط یک برچسب است. هر کسی می‌تواند نقص و کمبودی داشته باشد که خیلی از مواقع این کمبودها دیدنی هم نیستند. سال اول که ازدواج کردیم همسرم خیلی اضطراب داشت و دوست نداشت با هم به خیابان برویم. من از نوع نگاه او به خودش خیلی تعجب می‌کردم! در حالیکه خودم اصلا مشکلی با معلولیت او نداشتم و او را ناتوان نمی‌دیدم. تنها چیزی که از او خواستم کنار آمدن با درس خواندنم بود. چون دوست داشتم ادامه تحصیل دهم.

غلامرضا: چیزی که مرا ناراحت می‌کند این است که خیلی وقت‌ها افرادی که معلولیت دارند، ارتباط طبیعی دیگران با خودشان را از روی ترحم می‌دانند و با در نقطه مقابل، اگر کاری از آنها خواسته شود آن را بی‌رحمی تلقی می‌کنند

به من محول می‌کرد که دوست نداشتم انجام بدهم، مانند مراجعه به ادارات مختلف. البته هدف او بالا بردن اعتماد به نفسم بود. از همان ابتدای ازدواج اصرار داشت ورزش کنم چون خودش هم ورزشکار است. ولی من همیشه در مقابل اصرار او مقاومت می‌کردم. وقتی بالاخره بعد از ۲۳ سال به حرف او رسیدم و در

از چه زمانی با رعد آشنا شدید؟

عاطفه: چند ماه قبل خیلی اتفاقی با موسسه رعد آشنا شدم. با وجود اینکه منزل ما در همین منطقه است ولی تا به حال اسم رعد را هم نشنیده‌بودم. اولین بار که به رعد آمدم خیلی جا خوردم و در روحیه‌ام تاثیر خوبی نداشت. احساس افسردگی کردم و تصمیم گرفتم دیگر به رعد نیایم. ولی به هرحال در کلاس والیبال نشسته ثبت‌نام کردم. از جلسات بعد آن‌قدر به این محیط علاقه‌مند شدم که مایلم هفت روز هفته را این‌جا باشم چون احساس می‌کنم رعد خانه دوم من است.

چرا در ابتدا از رعد خوشتان نیامد؟

عاطفه: از کودکی فکر می‌کردم فقط من هستم که معلولیت دارم. از این مساله خیلی ناراحت بودم و همیشه خودم را از محیط‌های عمومی پنهان می‌کردم. بعد از ازدواج با کمک و پشتیبانی همسرم روحیه‌ام تغییر کرد و اعتماد به نفسم تقویت شد. همسرم همیشه کارهایی را



در این ۲۳ سال همیشه سعی کردم اعتماد به نفس همسرم را بالا ببرم و او را تشویق به حضور در جامعه کنم. خیلی خوشحالم که همسرم بالاخره به این دیدگاه رسید. همیشه خداوند را برای داشتن همسری مهربان و فرزندان خوب شکر می‌کنم.

آیامی توان گفت که یکی از دلایل اصلی عدم حضور افراد دارای معلولیت در جامعه، صرف نظر از عدم مناسب سازی معابر و نگاه مردم و عوامل دیگر، مربوط به طرز تفکر خودشان است؟

غلامرضا: دقیقا همینطور است. خیلی از افرادی که دارای معلولیت هستند چون خودشان را محدود و از نگاه جامعه پنهان می‌کنند، مردم آنها را نمی‌بینند تا حضور آنها در جامعه عادی شود. در خارج از کشور دیده‌ایم که مردم چقدر نسبت به افرادی که مشکل جسمی دارند، مهربانند و داوطلب کمک به آنها هستند. ولی متاسفانه در جامعه ما چنین دیدگاهی عمومی نشده و نگاه درستی از جانب عموم مردم به معلولیت بوجود نیامده‌است. در صورتی که افراد دارای معلولیت مانند دیگر افراد جامعه از توانایی‌های بالایی برخوردارند. من مطمئنم که اگر همسر من درسش را ادامه می‌داد حتما می‌توانست یک مدیر متبحر شود.

از چگونگی آشنایی شما با هم و ازدواجتان بگویید؟

عاطفه: هر دوی ما سال‌ها قبل در گرگان زندگی می‌کردیم. پدر من کارمند شیلات بود و پدر غلامرضا دوزنده بود. دورا دور با هم آشنا بودیم. ولی پدر من در سن جوانی وقتی که من ۱۴ ساله بودم فوت کرد. بعد از دیپلم خواستگاری‌هایی داشتم و فقط یکی از آنها دارای معلولیت بود. مادرم همیشه می‌گفت تو نباید با یک فرد دارای معلولیت ازدواج کنی. در حالیکه خودم عقیده داشتم با کسی مثل خودم راحت‌تر می‌توانم زندگی کنم. تا اینکه با همسرم آشنا شدم و ایشان به خواستگاری من آمد. گرچه خانواده ایشان بسیار مخالف بودند ولی خانواده من خوشحال بودند زیرا ایشان سالم و تندرست بود.

غلامرضا: در آن زمان من دیپلم گرفته بودم و هنوز مشغول به کار نشده‌بودم. عاطفه هم در مغازه‌ای نزدیک مغازه پدر من کار می‌کرد و من برای خرید نخ و یکسری وسایل به مغازه ایشان می‌رفتم. ایشان را می‌دیدم و علاقه‌مند شده‌بودم. پس از مدتی با او صحبت کردم و گفتم

رسانه‌های عمومی خصوصاً تلویزیون می‌تواند در تغییر نگرش، نقش اساسی داشته باشند. متاسفانه رسانه‌های داخلی برای اینکه از افراد دارای معلولیت حمایت کنند سعی می‌کنند حس ترحم مردم را تحریک کنند در صورتی که باید آگاهی مردم را ارتقا دهند

که قصد ازدواج دارم.

عاطفه: من اوایل باور نمی‌کردم که ایشان واقعا قصد ازدواج دارند. چون با موارد زیادی روبه‌رو شده بودم که قصد سوءاستفاده از وضعیت جسمی مرا داشتند. وقتی غلامرضا به من پیشنهاد ازدواج داد خیلی ناراحت شدم و احساس کردم او هم قصد سوء دارد. همان ایام من برای عمل پاهایم به تهران رفتم و غلامرضا که از این موضوع بی‌خبر بود به مغازه آمده بود و از صاحب مغازه سراغ مرا گرفته بود. صاحب مغازه دلیل این‌که از من پرسیده بود را سوال کرد که او گفته بود که به آن دختر علاقه مند شده‌ام و قصد ازدواج با او را دارم. صاحب مغازه به او گفته بود چرا می‌خواهی برای خودت درد سر درست کنی؟ بالاخره با اصرار غلامرضا آدرس بیمارستان را به او داد. وقتی او در بیمارستان به دیدن من آمد هم تعجب کردم و هم خوشحال شدم و احساس کردم که واقعا به من علاقه‌مند است. در آن زمان من با دو عصا در زیر بغل راه می‌رفتم ولی با وجود مخالفت خانواده‌اش، او اصرار زیادی بر ازدواج با من داشت. از آن به بعد مطمئن شدم که به من علاقه دارد و خدا را شکر که این اطمینان تا امروز هم ادامه یافته‌است.

پس شما به این نتیجه رسیدید که ازدواج با فردی که معلولیت ندارد خیلی هم سخت نیست؟

البته سخت هست ولی غیرممکن نیست. برای خیلی از دوستان در رعد عجیب است که من با یک مرد تندرست ازدواج کرده‌ام و از من در باره چگونگی ازدواجم سوال می‌کنند.

غلامرضا: چیزی که مرا ناراحت می‌کند این است که خیلی وقت‌ها افرادی که معلولیت دارند، ارتباط

طبیعی دیگران با خودشان را از روی ترحم می‌دانند و یا در نقطه مقابل، اگر کاری از آنها خواسته شود آن را بی‌رحمی تلقی می‌کنند. من به همسرم همیشه می‌گویم تو باید بتوانی یک سری کارها را خودت انجام دهی چون ممکن است شرایطی پیش بیاید که من درکنار تو نباشم.

عاطفه: در سال‌های اول ازدواجمان وقتی با هم به خیابان می‌رفتیم همیشه از او در مورد راه رفتنم می‌پرسیدم و این‌که آیا من خیلی پد راه می‌روم و او همیشه می‌گفت: اصلا متوجه این مسئله نیستم و معلولیت تو را نمی‌بینم. سال‌ها بعد به من ثابت شد که وقتی کسی را دوست داشته باشی این مسایل اصلا به چشم نمی‌آیند.

غلامرضا: هر شخصی ممکن است مشکل یا نقصی داشته باشد که همیشه هم در ظاهر نمایان نمی‌شود. ولی جامعه باید نگاهش را اصلاح کند و به افراد با انواع تفاوت‌ها، نگاه برابر داشته باشد تا کسانی که با معلولیت بزرگ می‌شوند، حس نکنند با دیگران فرقی دارند. رسانه‌های عمومی خصوصا تلویزیون می‌تواند در این تغییر نگاه، نقش اساسی داشته باشند. متاسفانه رسانه‌های ما برای حمایت از افراد دارای معلولیت، سعی در تحریک حس ترحم مردم را دارد در صورتی که باید آگاهی مردم را ارتقا دهند.

مردم باید بفهمند که این افراد علی‌رغم مشکلات جسمانی دارای توانایی‌های منحصر به فردی هستند. در طول سال‌هایی که با عاطفه زندگی می‌کنم به این مسئله کاملا واقفم که اگر همسرم کارمند بانک بود، حتما عضو هیات مدیره شده بود چون قدرت مدیریت و صلابت رای او بسیار بالاست. در حالی‌که من این اندازه در مدیریت تسلط ندارم و شاید این ایرادی باشد که دیده نمی‌شود.

آیا شما برای تردد در شهر دچار مشکل می‌شوی؟

عاطفه: بله متاسفانه شهر ما اصلا مناسب برای رفت و آمد افرادی که معلولیت دارند نیست. من تا به حال تحت پوشش سازمان بهزیستی نبودم و کارت معلولیت هم نداشتم. ولی برای گرفتن طرح ترافیک به تازگی در بهزیستی تشکیل پرونده دادم تا بتوانم کارت معلولیت و آرم طرح ترافیک گرفته تا بتوانم با ماشین تردد کنم. چندی پیش برای ملاقات یکی از دوستانم به بیمارستان رفتم و چون نتوانستم در

اطراف بیمارستان محل پارک پیدا کنم از نگهبان بیمارستان خواستم اجازه دهد که ماشین را در داخل بیمارستان پارک کنم. با این که به او گفتم معلولیت دارم، قبول نکرد. من آنقدر ناراحت شدم که به او گفتم آیا از معلولیت چیزی می‌دانی؟ به او گفتم: من معلولیت دارم و نمی‌توانم مسیر زیادی راه بروم ولی باز هم قبول نکرد.

شما دارای دو فرزند هستید، آیا در دوران بارداری و بچه‌داری با مشکلی مواجه نشدی؟

عاطفه: بالاخره طی دوران بارداری در حالی که معلولیت هم داری مشکلات خودش را دارد ولی در دوره‌های مختلف زندگی همیشه همسرم همراه و یاور من بوده‌است. بدون کمک‌های او شاید زندگی برایم خیلی دشوار می‌شد. در بچه‌داری هم همیشه از کمک‌های ایشان برخوردار بودم. همین حالا هم در کارهای منزل خیلی بیشتر از دخترهایم به من کمک می‌کند. همان روزی که همسرم در بیمارستان به دیدن من آمد، به او گفتم که ممکن است شرایط من بدتر هم بشود ولی او گفت: اگر روی ویلچر هم بنشینم باز با تو ازدواج می‌کنم. بارها در مقابل خانواده و بچه‌ها اعلام کرده که اگر بار دیگر به دنیا بیایم، باز هم انتخاب من تو هستی. من واقعا به داشتن چنین همسری افتخار می‌کنم.

دوران تحصیل خود را چگونه گذراندید؟

عاطفه: من در مدرسه عادی درس خواندم ولی خیلی زمین می‌خوردم و می‌افتادم. در روزهای زمستانی و سرد مادرم مرا به مدرسه می‌برد. من دختر بزرگ خانواده بودم و دو خواهر و یک برادر کوچک‌تر داشتم. پدرم را در ۱۴ سالگی از دست داده‌بوم. در دوره دبستان در جزیره آشورا ده، در حوالی شهر گرگان زندگی می‌کردیم. محیط زندگی ما کوچک بود و همه بچه‌های جزیره با هم دوست بودند. اگر بعضی از بچه‌ها مسخره‌ام می‌کردند،

این یک مشکل فرهنگی در کشور ماست که فکر می‌کنیم فردی که به ظاهر سالم است نسبت به فردی که در ظاهر دارای معلولیت است، برتری دارد

تمایل به ازدواج دارد و هم خیلی مردد و نسبت به عاقبت این ازدواج نگران است. توصیه‌ام به کسانی که قصد ازدواج با افرادی که نقص جسمانی دارند این است که اصلا از دریچه معلولیت به فرد نگاه نکنند. وقتی دو نفر بخواهند ما بشوند و یک خانواده را تشکیل بدهند نباید به این ظواهر توجه کنند. چون این نوع نگاه سدی در مقابل خوشبختی آنها می‌شود. آنچه در زندگی مهم است درک و شناخت دو نفر از یکدیگر است. مسیر زندگی آن‌قدر پر پیچ و خم و سنگلاخ است که اگر بخواهند به این مسایل فکر کنند، زندگی خوبی نخواهند داشت. با کمک متقابل و همفکری راه حل هر مشکلی پیدا می‌شود. افراد سالمی را می‌بینیم که بعد از ازدواج در اثر تصادف دچار معلولیت می‌شوند ولی زندگی‌شان را ادامه می‌دهند و مشکلاتشان را با کمک به همدیگر حل می‌کنند. برای هر کدام از ما این امکان وجود دارد که در اثر حادثه‌ای دچار معلولیت شویم.

چه برنامه‌ای برای آینده زندگی‌تان دارید؟

عاطفه: من مصر هستم که والیبال نشسته را ادامه دهم و در این رشته به جایی برسم. دیگر آن‌که می‌خواهم در کلاس‌های آموزش معرق در موسسه رعد ثبت نام کنم و همان‌طور که گفتم دوست دارم هر کمکی که از دستم برمی‌آید در این مرکز انجام دهم.

چه توصیه‌ای به توانیابان دارید؟

من به آنها می‌گویم معلولیت واقعا محدودیت نیست و حواسشان باشد که خودشان را از آن‌چه هستند محدودتر نکنند. من در رعد توانیابان بسیار موفق را می‌بینم که در تلاش برای زندگی بهتر و افزایش توانمندی‌های خودشان هستند. حتما در جامعه افراد توانای بیشتری هم هستند که من آنها را نمی‌شناسم. من به این توانیابان توانمند افتخار می‌کنم و رعد را خانه دوم خودم می‌دانم.

بچه‌هایی هم بودند که کمک می‌کردند. پس از اینکه سطح آب جزیره بالا آمد و جزیره زیر آب رفت، از جزیره خارج شدیم. پس از دیپلم علاقه داشتم کار کنم ولی مادرم مخالفت می‌کرد. ولی بالاخره دوره خیاطی و دوره آموزش تزریقات را گذراندم و به اصرار خودم در مغازه شروع به کار کردم و همان کار کردن باعث شد که با همسرم آشنا شوم.

در خصوص ازدواج چه توصیه ای به افرادی که معلولیت دارند، دارید؟

به آنها می‌گویم فکر نکنند که امکان ازدواج خوب و مناسب برایشان فراهم نیست و مثل من، خودشان را دست‌کم نگیرند. توصیه‌ام به آنها این است که انتخاب اولشان برای ازدواج، یک فرد سالم و تندرست باشد ولی اگر انسان خوبی در مسیرشان قرار گرفت که معلولیت هم داشت، آن را رد نکنند. مهم این است که دو نفر بتوانند در زندگی کمک حال یکدیگر باشند. ولی اگر معلولیت دو طرف شدید باشد، زندگی طاقت‌فرسا می‌شود و نیاز به کمک و حمایت دیگران خواهند داشت. غلامرضا: زمانی که من به خواستگاری عاطفه رفتم دیدم که او هم،



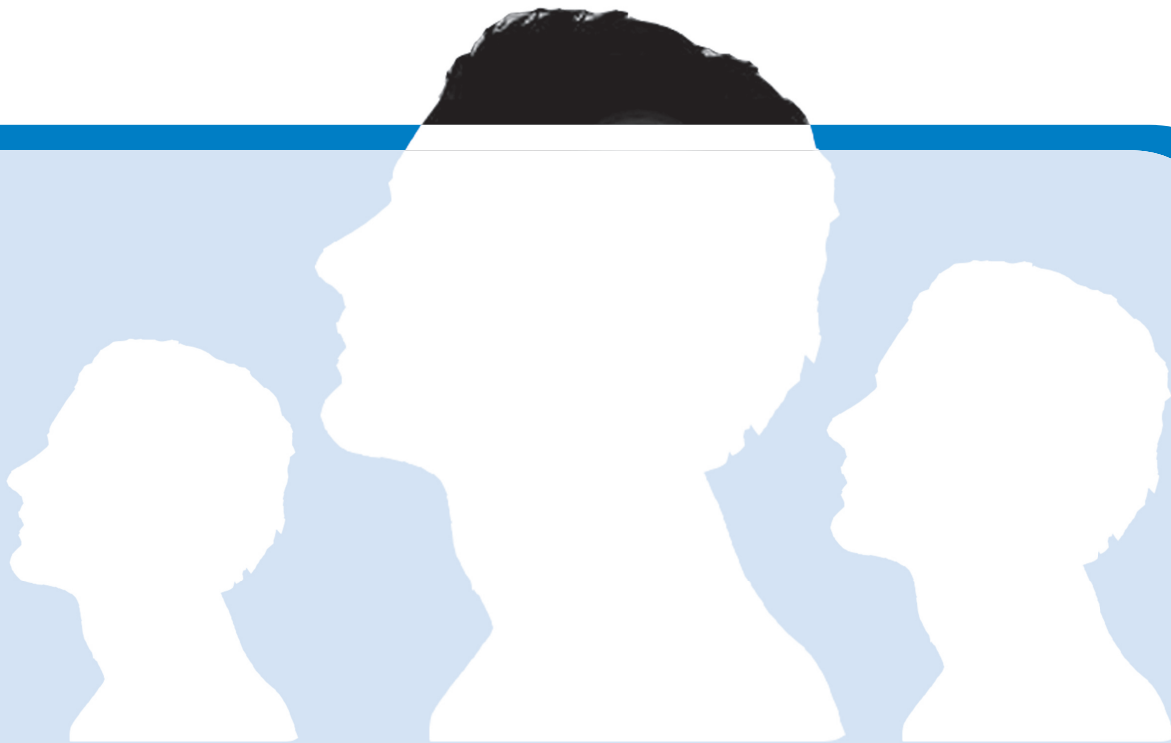
شومان، رُبرت (۱۸۱۰-۱۸۵۶ م.) موسیقیدان ، فلج انگستان

رُبرت شومان در ششم ژوئن سال ۱۸۱۰ م. در تسویکا از شهرهای کوچک آلمان به دنیا آمد. پدرش کتابخانه‌ای داشت و ناشر کتاب بود و به این جهت رُبرت از کودکی به کتاب و ادبیات توجه پیدا کرد و در سال‌های اولیه جوانی شعر می‌سرود. در پانزده سالگی شومان انجمنی تاسیس کرد و با عده‌ای از جوانان همسن خود آثار گوته، شیلر، بایرون و والتر اسکات را مورد بحث و مطالعه قرار داد. ضمناً به فکر افتاد ارکستر کوچکی تشکیل دهد و به کمک دوستان خود به ایجاد آن توفیق یافت. مادرش مایل بود که او در رشته حقوق تحصیل کند. به همین سبب شومان در ۱۸۳۸ م. پس از مرگ پدر به دانشگاه لایپزیک رفت و در آن شهر به تحصیل در این رشته پرداخت. در این دوره شومان آثار فیلسوفان آلمان را مطالعه می‌کرد و اشعار خود را در بعضی از رونامه‌ها به چاپ می‌رساند. یک شب در ضیافت یکی از استادان دانشگاه باکلارویک آشنا شد، این دختر که در آن زمان بیش از نه سال نداشت به خوبی پیانو می‌نواخت. پدرش رئیس ارکستر و موسیقیدان بود. به همین جهت از کودکی او را تعلیم داده بود. این ملاقات چنان اثر عجیبی در شومان گذاشت که تصمیم گرفت نزد پدر کلارا به تحصیل موسیقی بپردازد و از آن وقت به عالم موسیقی قدم گذاشت. اولین درس موسیقی را شومان در هیجده سالگی از ویک پدرکلارا یاد گرفت. ابتدا آثار باخ و بتهوون را تمرین کرد و در این ایام نخستین اثر خود «اپوس یک» را نوشت. شومان از مشاهده استعداد کلارا به فکر افتاد که در پیانو به درجه استادی برسد. اما یکی از انگشتانش از کار افتاد و ناگزیر از آن خیال منصرف شد و به تصنیف آهنگ پرداخت. در سال ۱۸۳۴ م. با انتشار نامه جدید موسیقی به نقد آثار موسیقی پرداخت و در این مجله بعدها برلیوز و واگنر هم مقالاتی نوشتند. شومان زندگی تازه‌ای یافته بود. با آنکه او از دانشگاه نیا به دریافت درجه دکترای فلسفه نایل شده بود، از انتخاب رشته موسیقی بسیار راضی بود او به کلارا که به سن جوانی رسیده بود، دل باخت و از عشق او بیش از همه در شعر و موسیقی الهام می‌گرفت. کم‌کم عشق شومان به مرحله جدی‌تری رسید، زیرا کلارا هم به او عشق می‌ورزید و هر دو به فکر ازدواج بودند. اما این امر با مخالفت شدید پدرکلارا مواجه شد. ویک می‌پنداشت که شومان قادر به اداره امور خود نیست و شخصیت اجتماعی او نامعلوم و مبهم و از همه مهم‌تر جسمنا علیل و ناتوان است. هیچ یک از این دلایل برای کلارا و رُبرت منطقی نبود و آنها حاضر نبودند از ازدواج صرف نظر کنند. عاقبت کار به محاکمه کشید ولی محکمه به نفع کلارا و شومان رای داد و آنها توانستند در دوازدهم سپتامبر ۱۸۴۰ م. شب بیست و یکمین سال تولد کلارا ازدواج کنند. تا این زمان شومان آثار برجسته‌ای در موسیقی به وجود نیاورده بود، اما از سال ۱۸۴۰ م. دست به فعالیت‌های خستگی‌ناپذیری زد چنان‌که بهترین لیده‌های او در مجموعه‌ای به نام عشق و زندگی و یک زن و عشق‌های شاعر منتشر شد. در ۱۸۴۱ م. به آثار مجلسی پرداخت و سه کوارنت و یک کوئنتت به وجود آورد. در ۱۸۴۳ م. در کنسرواتور لایپزیک که به ریاست مندلسون تأسیس شده بود مقام استادی یافت و اراتوریوی «بهشت و پری» را تصنیف کرد. شورمان روز به روز بر میزان

کار خود می‌افزود و در هر رشته از موسیقی آثاری به وجود می‌آورد و بالاخره در سال ۱۸۴۹ م. بیش از سی اثر مهم به وجود آورد که از بین آنها «مناظر جنگل» و «مانفرد» شاهکار اوست. کلارا مانند دوست فداکاری به شومان کمک می‌کرد، و در همه کنسرت‌های شوهرش شرکت می‌نمود و اجرای پیانو را به عهده می‌گرفت. اما هر اندازه که شومان به کار خود می‌افزود از سلامت کاسته می‌شد. در سفر برلین و بار دیگر در پترزبورگ و مسکو شومان گرفتار بیماری عصبی شد، کلارا با وجود مشکلات مادی از او پرستاری کرد. کلارا هفت فرزند آورد که خانواده بزرگ شومان را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۸۰۵ م. شومان به دوسلدرف مسافرت کرد و در آن شهر سمفونی «زمان» و اورتور «نامزد مسینا»، «ژول سزار» و «هرمان» و «درته» را تصنیف کرد. سال ۱۸۵۳ م. سخت‌ترین ایام عمر شومان بود. بیماری عصبی او شدت یافت، حس بینایی و شنوایی او مختل شد و قدرت تکلم خود را از دست داد. گاهی به خیال آنکه شوهرت به او تم‌هایی دیکته می‌کند نتهایی یادداشت می‌کرد و زمانی بر می‌خاست تا به استقبال باخ و بتهوون برود. یک شب در فوریه ۱۸۵۴ م. با وجود سرمای زمستان بدون آنکه کسی مطلع شود از خانه بیرون رفت. وقتی از حرکت او آگاه شدند در پی او دویدند اما شومان رفته بود که خود را در رودخانه راین غرق کند. اتفاقاً وقتی خود را از فراز پل به آب انداخت چند قایقران او را دیدند و نجاتش دادند، شومان دیوانه شده بود. به دستور پزشک او را به آسایشگاه ایدنیخ نزدیک شهر بن بردند. در آنجا دوستانش یواخیم، بتینا آرینم، برامس به عیادت او می‌آمدند. حتی در آن دقایق سخت هم شومان آثاری به وجود آورد، ولی عاقبت پزشکان او را از دید و بازدید منع کردند. روبرت شومان در حالی که زن خود را بر بالین خود نمی‌شناخت در بیست و نهم ژوئیه ۱۸۵۶ م. زندگی را بدرود گفت و در بن شهری که بتهوون به دنیا آمده بود به خاک سپرده شد. شومان با آنکه در بعضی از آثار خود تحت تأثیر باخ، بتهوون و شوهرت بوده مع هذا در موسیقی لحن خاصی دارد که او را از دیگر آهنگسازان متمایز می‌کند. قطعاتی که شومان برای پیانو یا آواز نوشته بسیار پخته و عمیق است. همسر او کلارا که از نخستین روز آشنایی شومان او را به شاهراه هنری هدایت کرده بود، پس از مرگ شومان بزرگ‌ترین وظیفه زن وفادار را انجام داد و طی چهل سال که از عمرش باقی بود با کنسرت‌های متعددی که برگزار کرد، شوهر خود را که تا آن وقت تقریباً ناشناس بود را به دنیا معرفی کرد. در حقیقت کلارا زنی بود که شومان را به وجود آورد و او را در ردیف بزرگ‌ترین آهنگسازان آلمان جای داد.

کتاب نوابغ و مشاهیر معلول جهان
گردآورنده: مهندس منصور برجیان





من برتر

تفکر مثبت و قانون جذب

چیزهایی که در ذهن ما می‌گذرد، زندگی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در واقع ما به سمت چیزهایی می‌رویم که بیشتر در موردشان فکر می‌کنیم. پس باید همواره در زندگی از تفکر مثبت و قانون جذب استفاده کنیم. حتی اگر به چیزهایی فکر کنیم که مورد علاقه‌ی ما نیستند، باز هم به سمت آن‌ها کشیده می‌شویم. علتش این است که مسیر ذهن انسان‌ها همواره در جهت افکارشان حرکت می‌کند، نه در مسیر گریز از آن‌ها. ما به سمت افکار و اندیشه‌های غالب خود، می‌رویم.

ذهن انسان نه می‌تواند، نه می‌خواهد و نه هرگز خواهد توانست که در جهت عکس یک فکر عمل کند. بنابراین بهتر است از کلمات و عباراتی استفاده کنیم که نتیجه‌ی دلخواه را در ذهنمان ترسیم کند و ما را به آرامش برساند. مثلاً به جای این که فکر کنیم که نباید هرگز حتی یک خط روی ماشین من بیفتد، بهتر است فکر کنیم که من به آرامی و با احتیاط رانندگی خواهم کرد. تفکر مثبت و قانون جذب همواره سازنده است، زیرا افرادی که افکار مثبت دارند، ذهنشان را متوجه چیزهایی می‌کنند که واقعا می‌خواهند، در نتیجه الزاماً به سمت اهداف خود کشیده می‌شوند. بنابراین همیشه به چیزهایی که می‌خواهید بیندیشید.

مواظب افکارتان باشید

هر چیزی که ضمیر ناخود آگاه شما باور داشته باشد، همان چیزی است که شما به آن دست خواهید یافت. تاثیر و نیروی ضمیر ناخودآگاه، آن چنان حائز اهمیت است که ویلیام جیمز پدر علم روانشناسی آمریکا، کشف آن را مهم‌ترین کشف صد ساله‌ی اخیر بشریت می‌داند. بنابراین مواظب افکارتان باشید، از ذهنتان همان طوری استفاده کنید که همه‌ی انسان‌های شاد و موفق استفاده کرده‌اند. همواره در فکر و تصوراتان خود را سرشار از اعتماد به نفس مجسم کنید و قبل از این که به اهدافتان برسید آن‌ها را در ذهنتان به دست آمده تصور کنید. به خود بگویید من از همین حالا طعم شیرین موفقیت و ثروت را می‌چشم و احساس می‌کنم. تخیل کلید همه‌ی یادگیری‌ها و حل تمامی مسائل است.



تخیلات و رویاها

در واقع تخیل مهم‌تر از دانش است (انیشتین) و تخیل فرمانروای جهان است و به همین دلیل هم ادیسون‌ها و هم انیشتین‌های دنیای ما همگی دارای قدرت تخیل بسیار بالایی بوده‌اند. پس ما باید از قوه‌ی تخیل و رویاپردازی‌های خود مراقبت کنیم و آن‌ها را محترم بشماریم .
لئوناردو داوینچی در سن ۱۲ سالگی با خود پیمان بست که از بزرگترین هنرمندان جهان خواهد شد و ناپلئون در دوران پسر بچگی به تسخیر اروپا می‌اندیشید.

تمرینات ذهنی

همه چیز از یک رویا آغاز می‌شود پس از رویاهای خود حمایت کنید و به آن وفادار بمانید. تمرینات ذهنی نتایج چشمگیری به ارمغان می‌آورند و سریع‌ترین راه پیشرفت در هر زمینه‌ای به کارگیری همزمان تمرینات فیزیکی و ذهنی منظم است، تا این که هر کاری را با کیفیت بهتری انجام دهیم.
قبل از انجام هر کاری آن‌ها را به گونه‌ای که با موفقیت انجام شده است، در ذهنتان مجسم کنید. ما چیزی که انتظارش را داریم به دست خواهیم آورد.
مراقب باشید شما تحت تاثیر افکارتان مسیر زندگیتان را مشخص می‌کنید. ذهن انسان همانند آهن‌ربا عمل می‌کند و هر چیزی را که به آن فکر می‌کند به سمت خود می‌کشد. انسان هر چیزی را در ذهن داشته باشد، همان را به طرف خود می‌کشد و همان را جذب می‌کند پس همواره تفکر مثبت و قانون جذب را در زندگی خود عملی کنید.

ما به سمت چیزی که می‌ترسیم، کشیده می‌شویم

افکار انسان همچون ابرهای نامرئی و باروری هستند که در آسمان زندگی باریدن می‌گیرند تا نتیجه دلخواهتان را بدست آورید. با منظم کردن افکارتان می‌توانید نتایج بهتری بگیرید.
اگر از چیزی بترسید به سمت آن کشیده می‌شوید، ترس از بیماری، ترس از دست دادن، به چیزهایی که دارید فکر کنید و لذت ببرید و هرگز نگران از دست دادن آن‌ها نباشید، وقتی ما با ترس‌هایمان روبه‌رو شویم آن‌ها ناپدید می‌شوند، در واقع وقتی جرات مقابله با مشکلات را پیدا کنیم، آن‌ها محو می‌شوند.
قانون هستی، همواره ما را به این که اعتماد به نفس داشته باشیم و روی پاهای خود باشیم تشویق می‌کند. هر کلمه‌ای بر زبان جاری کنیم، همان در موردتان اجرا خواهد شد. هرگز خودمان را تحقیر نکنیم، ناله و شکوه نکنیم، واژه‌های ما بر روی حافظه ما تاثیر می‌گذارد و کلمات نیروی تشخیص ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند پس بیایید از تفکر مثبت و قانون جذب استفاده کنیم.

بیان مثبت

مثلا بگویید یک بازی عالی خواهم کرد نه این که بگویند سعی می‌کنم که خوب بازی می‌کنم، چون معنای آن این است که هنوز به اندازه‌ی کافی توانا نیستیم و به خود شک داریم.

شکرگزاری

اگر بخواهیم از زندگی همواره لذت ببریم و احساس شادمانی کنیم باید اول خودمان احساس شادی و سعادت کنیم و باید نسبت به چیزهایی که داریم شکرگزار باشیم، اگر شاکر باشیم و زندگی را پر از نعمت‌های الهی ببینیم، در واقع ناخودآگاه چیزهای خوب به سمت ما سرازیر می‌شود.
اما اگر دائما شکوه و ناله کنیم و همیشه به انجام کارهای جزئی و پیش و پا افتاده مشغول می‌شویم، از نعمت‌هایمان کاسته می‌شود. اگر سردرد دارید بگویید از سردرد دارم می‌میرم، بلکه بگویید، در عوض قلبم، معده و همه‌ی اعضای بدنم سالم است.



نوروز

نماد رستاخیز حیات

نویسنده: سعیده طوفی

می‌زدند. چنان‌که گویا سیاوش، زنده شده باشد. آریایی‌ها که وارد منطقه شدند بن مایه‌هایی مانند فروهرها و بازگشت ارواح را با خود آورده و بتدریج آیین خود را با باورهای قبلی رایج در منطقه ادغام نمودند. از جمشید، پادشاه مشهور پیشدادی به عنوان بنیان‌گذار این جشن یاد گردیده‌است. از پژوهش‌هایی که در تطبیق نوروز ایرانی و نوروز قبطی (نوروز مصری) و تأثیر و تأثر آن دو، به عمل آمده، بر می‌آید که نوروز ایرانی در زمان داریوش بزرگ و توسط او در مصر رایج گردید. درباره نوروز و سنت‌های وابسته بدان تا چند دهه قبل منابعی قدیمی‌تر از ایام ساسانیان که به دست نویسندگان مسلمان نوشته شده بود، وجود نداشت. اما با کشف بایگانی‌های دولتی اشکانیان در تاجیکستان معلوم گردید که نوروز در دوران شاهنشاهی اشکانیان و ایامی قدیمی‌تر از دو هزار سال پیش در آغاز بهارن بوده‌است. در تمام دوران ساسانی نوروز جشن ملی همه ایرانیان به‌شمار می‌رفته‌است. به همین جهت حتی مردمی که پیرو آئین زرتشت نبوده‌اند اما در حوزه حکمرانی ایران زندگی می‌کردند، نیز در آن شرکت داشتند. عید نوروز جشن باستانی ایرانیان...

جشن همتای واژه (عید) در زبان های ایرانی (جشن) یا (یسن) است. از ریشه YAZ به معنای ستایش، نیایش و پرستش؛ (ایزد) به معنای ستایش شده و نیایش شده نیز از همین ریشه است. (جشن) واژه ای ایرانی، مذهبی و بسیار کهن است. این واژه که باری گران از معناها و سنت‌های ویژه ایرانی را بر دوش دارد، در اصل عبارت بوده است از برپایی مراسم نیایش و سپاس به مناسبت رخداد یک پیروزی، یک واقعه اجتماعی یا یک معجزه آسمانی که سودی برای اجتماع داشته باشد. مردم به هنگام برپایی بزرگداشت گردهم جمع می‌آمدند و خدای را با مراسم ویژه مذهبی نیایش می‌کردند، و این نیایش و سپاس همه ساله به عنوان قدرشناسی از موهبتی که از سوی خداوند ارزانی شده بود تکرار می‌گردید. همین جشن‌ها در دوره‌های مختلف زندگانی اقوام ایرانی، آغاز سال را اعلام می‌کردند. این جشن کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است که پژوهشگران بنیاد آن را هند و ایرانی ندانسته‌اند، بلکه با قید احتمال آن را به اقوام بومی نجد ایران پیش از مهاجرت و آریاییان، منسوب می‌دانند. همچنین دو جشن مهرگان و نوروز از طریق سومریان به بین النهرین راه یافته و در آنجا دو جشن (ازدواج مقدس) و (اکیتو) را پدید آورده که بعدها در بین النهرین این هر دو جشن به صورت جشنی واحد در آغاز سال نو برگزار گردیده، ولی در نجد ایران همچنان تا دوره اسلامی به صورت دو جشن مستقل بر قرار مانده است. بنابراین سه جشن «نوروز»، «مهرگان» و «سده» بیشتر در زمره اعیاد ملی ایرانی قرار می‌گیرند تا جشن های مذهبی.

هر سال با نزدیک شدن مراسم عید نوروز حال هوای مردم هم عوض می‌شود و خانه تکانی و زدودن گرد غبار از خانه‌ها، زدودن گرد کینه کدورت از دل‌ها، خرید مایحتاج شب عید، خیابان‌ها و کوچه‌ها مملو از حضور مردم گاهی بصورت تنها و گاهی هم بصورت دسته جمعی. لذت بخش‌ترین قسمت آن، چیدن سفره هفت سین است که هر ساله مردم قبل از تحویل سال آن را می‌چینند، لباس نو بر تن می‌کنند، اسپند دود می‌کنند و در کنار سفره هفت سین به انتظار حلول سال نو می‌نشینند. سفره هفت سین سفره‌ای خیالی و پوچ و بی معنی نیست، بلکه نشانه آغاز سالی نو است. سین‌های سفره دارای نماد خاصی است؛ سنجد را بر این باور سر سفره می‌گذارند که هرکس با خویشتن عهد کند هر کاری را سنجیده انجام دهد. سیب: نماد سلامتی و عشق است. سبزه: نشانه خرمی و شادابی است. سمنو: مظهر مقاومت، عدالت و قدرت است. سیر: نماد مناعت طبع است. سرکه: نماد پذیرش ناملایمات است. سماق: نماد صبر بردباری و تحمل دیگران است. بسیاری از مردم تخم مرغ را به نشانه زایش، ماهی را به نشانه سرزندگی و نان سنگک هم به نشانه برکت بر سر سفره خود می‌گذارند. سفره شام خانواده‌های ایرانی در شب عید مملو از غذاهای مختلف است و هر شهر و هر روستا بر اساس سنت و باورهای خودشان غذاهای مربوط به خود را در این شب می‌پزند. البته غذای اصلی اغلب خانواده‌های ایرانی سبزی پلو با ماهی است که برخی همراه آن کوکو سبزی هم می‌خورند. بسیاری از مردم رشته پلو می‌خورند و بر این باورند که در شروع سال، سر رشته کارها به‌دستشان می‌آید. همراه آن انواع آش‌ها را هم طبخ می‌کنند. سبزی در آش نشانه برکت و موفقیت و آبادانی در زندگی است. از بامداد نوروز، دید و بازدیدها آغاز می‌شود. رسم بر این است، که به دیدار کسی که از نظر سن و سال بر همه مزیت دارد، بروند، تبریک بگویند و و عیدی بگیرند.

نوروز در ایران باستان

در روز نخست فروردین، اهورامزدا، آفرینش آسمان را آغاز کرد. نوروز در ایران باستان به پیشینه، مراسم و رویدادهای مربوط به نوروز در ایران باستان می‌پردازد. قدمت نوروز و وجود این جشن به زمان‌های پیش از شکل‌گیری ایران و قبل از دوره مادها و هخامنشیان برمی‌گردد، ولی نام آن در اوستا نیست. از سه هزار سال پیش از میلاد، در آسیای میانه و آسیای غربی دو عید، رواج داشته‌است، عید آفرینش در اوایل پاییز و عید رستاخیزی که در آغاز بهار، برگزار می‌شده‌است. بعدها دو عید پاییزی و بهاری به یک عید تبدیل گردید و آغاز بهار جشن گرفته می‌شد. در ایران آیین مرگ و رستاخیز سیاوش با نوروز پیوند خورده است. به این ترتیب که چند روز پیش از عید، به سوگ سیاوش می‌نشستند و با فرارسیدن نوروز، به جشن و شادی دست





به فرمان اورمزد از آسمان باران، برف و تگرگ را فرو می‌باراند. سبب این که ایرانیان در نوروز غسل می‌کنند آن است که این روز به الهه آب تعلق دارد. از این رو، مردم در این روز هنگام سپیده دم از خواب برمی‌خیزند و با آب قنات و حوض خود را می‌شویند و گاهی نیز آب جاری بر خود از راه تبرک و دفع آفات می‌ریزند. در این روز مردم به یکدیگر آب می‌پاشند و درباره سبب این کار برخی گفته‌اند علت آن است که در کشور ایران دیرگاهی باران نبارید و سپس ناگهان سخت ببارید و مردم به آن باران تبرک جستند و از آن آب به یکدیگر پاشیدند و این کار هم‌چنان در ایران مرسوم بماند.

نوروز بیروز

نوروز همچنین نمادی است از پیروزی نیکی بر بدی. از همین رو آیین نیایش ریپتون در نوروز برگزار می‌شود. ریپتون، سرور گرمای نیمروز و ماه‌های تابستان است. با یورش دیو زمستان به زمین ریپتون به زیر زمین فرو می‌رود تا با گرم نگاه‌داشتن آب‌های زیرزمینی، گیاهان و ریشه درختان را از مرگ نجات بخشد. بازگشت سالانه او در بهار نمادی است از پیروزی نهایی خیر بر شر، به همین مناسبت جشن و نیایشی ویژه در مراسم نوروزی به ایزد مذکور تعلق داشته است.

نوروز و سلیمان

در روایات ایرانی آمده است که چون سلیمان بن داوود انگشتر خویش را گم کرد سلطنت از دست او بیرون رفت. اما پس از چهل روز بار دیگر انگشتر خود را بازیافت و پادشاهی و فرماندهی به او بازگشت و مرغان به دور او گرد آمدند، و ایرانیان گفتند: نوروز آمد.

نوروز روز دین و روز پادشاهی

در ماه فروردین، روز خرداد، فریدون جهان را تقسیم کرد. روم را به «سلم»، ترکستان را به «تور» و ایران‌شهر را به «ایرج» داد، کیخسرو و سیاوشان را به لهراسب سپرد، زردشت دین مزدیسنان را از اورمزد پذیرفت و کی‌گشتاسپ شاه دین را از زردشت و در این روز پشوتن رواج دین خواهد کرد. و نیز روایت شده است که کوروش پس از پیروزی بر بابل، پسر خود کمبوجیه را در جشن نوروز گموک بابلی به عنوان پادشاه بین‌النهرین معرفی کرد.

نوروز و فروهر

ماه فروردین به فروهرها و یا فروشی‌ها تعلق دارد. جشن نوروز نیز نمادی از سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی است که به رستاخیز و حیات منتهی می‌شود. فروهر یکی از نیروهای غیر مادی در وجود انسان است و نوعی همزاد آدمیان که پیش از آفرینش مادی مردمان در جهان مینوی به وجود می‌آید و پس از مرگ آدمیان نیز دوباره به جای نخستین خویش باز می‌گردد. در عقاید باستانی‌تر، ایرانیان تنها قهرمانان را دارای فروهر می‌دانستند، اما بعدها پرهیزگاران نیز از این موهبت بهره‌مند می‌شوند. آنان سالی یکبار برای دیدار بازماندگانشان به خانه‌های خویش فرود می‌آیند و ورود آنان برکت را به همراه خواهد داشت، آن زمان که خانه را پاکیزه و درخشان ببینند. ولی چنانچه آن را آشفته در هم و پاکیزه نشده ببینند برکت برای آن نخواستار است، آن را رها می‌کنند. حضور فروهرها از طلوع فروردین و نوروز آغاز می‌شود و تا دهم فروردین و به روایتی تا نوزدهم آن ادامه می‌یابد. از این جهت مراسم آتش افروزی بر بالای بام‌ها انجام می‌پذیرفته تا راه خانه‌ها را به فروهرها نشان دهند.

نوروز کوچک و نوروز بزرگ

نوروز در گذشته

عنوان نوروز در فرهنگ ایرانی به دو روز تعلق داشته است. یکی روز اول فروردین، که خورشید به برج حمل می‌رسد و به آن نوروز کوچک یا (عامه) می‌گویند و دیگری نوروز بزرگ یا (نوروز خاصه) است که روز خرداد از ماه فروردین است. گفته اند: نوروز سالروز آفرینش جهان و انسان است و نوروز بزرگ روزی است که در آن جمشید بر تخت نشست و خاصان را طلبید و رسم‌های نیکو گذاشت، و گفت خدای تعالی شما را خلق کرده است. باید که به آب‌های پاکیزه تن را بشویید و غسل کنید و به سجده و شکر خدا مشغول باشید و هر سال در این روز به همین دستور عمل نمایید.

نوروز و آب: همه نیکی‌ها چون از ابرکران (عالم اعلی) به گیتی آید، به خرداد روز آید. باشد که همه روز آید، اما آن روز بیش آید. پیداست اگر آن روز بر تن جامه‌ای نیکو بدارند. و بوی خوش بویند و مروای نیک تقا ل کنند و. آن سال نیکویی بدیشان رسد و بدی را از ایشان دور می‌سازد. از آنجا که نوروز در آغاز فصل بارش باران های بهاری قرار دارد می‌توان ردپای اردویسور اناهد را نیز در آن یافت. اردویسور اناهد الهه آب است. اوست که



راهی به سوی اشتغال سریع

تالیف: منصوره پناهی
ناشر: سازمان بهزیستی کشور
چاپ اول ۱۳۹۶

این کتاب دارای دو مقدمه است که نویسنده مقدمه اول دکتر انوشیروان محسنی بند پی، رییس سازمان بهزیستی کشور است. در این مقدمه دکتر محسنی بند پی با اشاره به توانبخشی حرفه‌ای و ناکارآمدی آن از دیدگاه فرد محوری، به بررسی اشتغال حمایت شده (supported Employment) پرداخته و عنوان می‌کند، این روش روشی کارآمد و مفید در دنیاست که برخلاف روش‌های دیگر با نگاهی به توانمندی‌های افراد دارای معلولیت و شناخت علاقمندی‌های آنها، به دنبال حضور موثر این افراد در مشاغل مختلف و به دنبال آن در جامعه می‌باشد. در این روش، همیار شغلی (job coach) نقش اصلی و محوری را ایفا می‌کند.

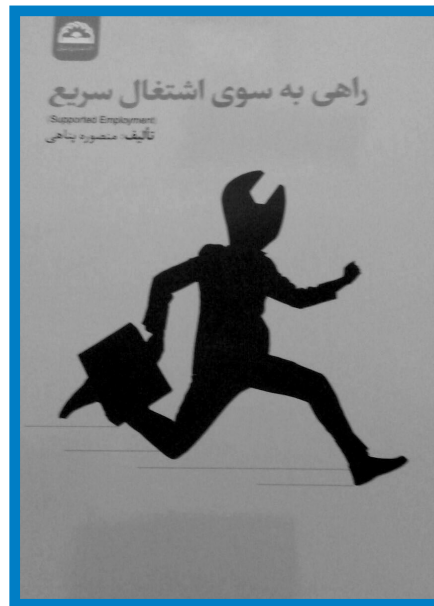
در مقدمه دوم، مولف کتاب، با اشاره به عدم گسترش این روش در آسیا، درباره موانع انجام این روش توضیح داده و اظهار امیدواری می‌کند که این کتاب در تمامی سازمان‌های مرتبط با معلولان، آموزش داده‌شود و مورد بهره برداری قرار گیرد.

مولف در بخش دیگر درباره اشتغال حمایت شده، مزایا و ارزش‌های این روش و فلسفه آن توضیحات مفصلي راعنوان می‌کند. به گفته او روش اشتغال حمایت شده، راه کاری است با آن، افراد با توانایی‌ها و ناتوانی‌های مختلف را برای تصاحب کار مناسب، حمایت می‌شوند و این حمایت باید به گونه‌ای باشد که توسط همیار شغلی هم در کسب يك شغل مناسب و هم در حفظ آن به فرد کمک می‌کند.

در بخش دیگر درباره پنج گام روش اشتغال حمایت شده که شامل: توافق نظر، پرونده شغلی، جستجوی کار، تماس با کارفرما و پشتیبانی در محل کار و خارج از آن است، بحث می‌شود.

در بخش‌های دیگر مولف مشخصات همیار شغلی که شامل شخصیت مثبت، قدرت حل مشکل و عدم محدودیت در انجام کار و... است را بر شمرده و درباره موانع و راهکارهای کسب شغل در ایران به بحث می‌پردازد.

مولف در بخش دیگر درباره کارکردن از طریق روش سه گام که این روش شامل ارزیابی، کارآموزی و کار است مطالبی راعنوان کرده و در نهایت به معرفی شغل مربی و وظایف وی می‌پردازد. کتاب حاضر دارای هشت ضمیمه و جداول و نقشه‌های مختلف است که به درک بهتر مطالب کتاب کمک می‌کنند.





حوزه معلولان، افزود: فرد محوری، عدم بهره‌مندی از خرد جمعی، عدم وجود برنامه‌های بلند مدت عدم ثبات مدیریت، عدم تأمین منابع و مصارف از عمده‌ترین مشکلات مؤسسات فعال حوزه معلولان است.

وی افزود: با این وجود ظرفیت‌های سازمان‌های مردم نهاد شامل: مشارکت طلبی و همکاری جمعی، سرعت عمل، حساسیت به حل مشکلات انسانی و اجتماعی مهم‌ترین سرمایه‌های این گونه سازمان‌ها محسوب می‌شود.

در این مراسم علاوه بر هنرنمایی هومن لطفعلی و نواختن ۲ قطعه از آثارش، گروه نمایش هنرجویان رعد نمایشنامه آسانسور را اجرا کردند.

در پایان این مراسم از اعضای شورای کارآموزان و هنرمندان خوشنویس که آثارشان در نمایشگاه پارارت توکیو ۲۰۱۷ به نمایش گذاشته شده بود، تجلیل شد.

همچون سال‌های قبل مراسم گرامی داشت روز جهانی معلولان با حضور جمعی از نیکوکاران، همکاران، مربیان، مسؤولان دستگاه‌های اجرای مرتبط و نیز کارآموزان مجتمع رعد در سالن همایش این مؤسسه برگزار شد.

مراسم روز جهانی معلولان با اجرای موسیقی سنتی گروه هنرجویان آغاز و در ادامه محمد رجایی مقدم مدیر مرکز اطلاع‌رسانی و نماینده دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران ضمن قرائت پیام دبیر کل، گفت: تاب‌آوری در مرکزیت دسترسی به توسعه پایدار قرارداد در سال‌های اخیر جامعه بین‌الملل پیشرفت چشمگیری در پیشبرد حقوق یک میلیارد انسان دارای معلولیت داشته است در عین حال افراد دارای معلولیت هنوز غالباً محروم از طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی هستند که بر زندگی آنان اثر دارند. آنان معمولاً در بازارهای کار و دسترسی به آموزش و سایر خدمات با تبعیض روبه‌رو هستند.

سپس مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد با اشاره به فعالیت سی و سه ساله رعد در مورد فعالیت‌های اخیر این مجتمع گفت: با هدایت منصوره پناهی مدیرعامل رعد، فضای جدیدی به وجود آمده که تمرکز اصلی بر روی اشتغال توان‌یابان است. در واقع ما با نگاه به بازار کار، اشتغال و مهارت‌آموزی دسترسی توان‌یابان به زندگی و کار را تسهیل می‌کنیم.

وی افزود: رعد با اقبال بسیار خوبی مواجه شده است و این مسؤلیت ما را سنگین‌تر می‌کند و ما برای ادامه حیات و اثرگذاری بیشتر برنامه‌ریزی کرده‌ایم، روی تحقیقات کار کنیم. ما در تمام اجزای زندگی افراد دارای معلولیت باید کارهای جدی پژوهشی انجام دهیم. همچنین ارتقای فرهنگ عمومی از طریق ورود تعداد بیشتری از توان‌یابان به جامعه باید پدید آید.

مهندس میرزاخانی در پایان افزود: آرزوی شخصی من این است که روزی یکی از توان‌یابان موفق شود پا جای پای مریم میرزاخانی بگذارد و جایزه فیلدز را دریافت کند.

در قسمتی دیگر از این مراسم دکتر کامران عاروان مدیرعامل جامعه معلولین ایران با حضور در جایگاه ضمن بر شمردن مشکلات سازمان‌های فعال در



مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد در مراسم افتتاحیه مرکز اشتغال حمایت شده عنوان کرد:

تجربه موفق جهانی را در ایران پیاده کرده ایم

۱۴ نفر خوداشتغالی و ارتباط با بیش از ۳۰۰ کارفرما بوده است. پناهی ضمن تشکر از همراهی و حمایت همه‌جانبه مسوولان سازمان بهزیستی کشور، دست یافتن به این اهداف گسترده در ارائه خدمات را بدون همراهی ایشان غیرممکن خواند و افزود: هنگامی که از سوئد به ایران بازگشتم و استقبال مسوولان و توان‌یابان را از این روش دیدم، دریافتم که اکنون بهترین فرصت برای راه‌اندازی و توسعه اشتغال حمایت شده در ایران است.

در ادامه با حضور مهمانان ضمن بریدن روبان افتتاحیه مرکز اشتغال حمایت شده رعد توسط دکتر محسنی‌بندی رئیس سازمان بهزیستی کشور، کیک این مرکز توسط برخی مدعوین بریده شد.

گفتنی‌ست، اشتغال حمایت شده روشی است برای تأمین شغل پایدار برای افراد دارای معلولیت است. این روش، کلید پیدا کردن مشاغل مناسب بر اساس مهارت‌ها و محدودیت‌های افراد است.

بعد از ملاقات کارجو با مشاوره که در آموزش کارکنان دارای معلولیت تخصص دارد، یک نفر به عنوان همیار شغلی به کارجو معرفی می‌شود. نقش همیار شغلی، منطبق کردن مهارت‌ها و توانایی‌های یک کارجوی دارای معلولیت با مشاغل است که می‌تواند بر عهده بگیرد و همیار شغلی در فرآیند پیدا کردن شغل، کارجو را همراهی می‌کند و پس از آن نیز برای کمک به فرد، در محل کار وی حاضر شده و به صورت شخصی با او همراهی می‌کند تا کارمند به استقلال لازم برسد.

استخدام یک فرد دارای معلولیت، معامله‌ای برد - برد است، شرکت کارمندی متعهد و سخت‌کوش به دست آورده و کارجوی توان‌یاب هم فرصت می‌یابد ارزش‌های خود را در محیط شغلی بروز دهد.

مراسم افتتاحیه مرکز اشتغال حمایت شده رعد با حضور مسوولان و مردم در محل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.

در این مراسم ابتدا منصوره پناهی، مدیرعامل مجتمع به میهمانان خیرمقدم گفته و پس از آن، فرجاد بابازاده یکی از نمونه‌های موفق رعد در زمینه پیاده‌سازی اشتغال حمایت شده به بیان تجربه خود از این روش پرداخت. بابازاده که با گذراندن یک دوره کارآموزی یک هفته‌ای در استارت‌آپ چیلپوری موفق شده بود نظر مساعد مدیران شرکت را جلب نماید، اکنون به استخدام این استارت‌آپ درآمده و از وضعیت شغلی پایداری برخوردار است. سپس سعید ایپچی‌لر یکی از مدیران ارشد چیلپوری ضمن تقدیر از همت و پشتکار فرجاد، تعهد کاری وی را مثال‌زدنی عنوان و شرکت‌های دیگر را نیز به همکاری با افراد دارای معلولیت ترغیب کرد.

در ادامه مراسم، دکتر انوشیروان محسنی‌بندی رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به تاریخچه ورود روش اشتغال حمایت شده به ایران ضمن تأکید بر نقش کلیدی منصوره پناهی در انتقال دانش و تجربه جهانی گفت: ما در سازمان بهزیستی، حمایت از اشتغال پایدار و مولد افراد دارای معلولیت را یکی از مهم‌ترین وظایف خود به شمار می‌آوریم. محسنی‌بندی با ذکر خاطراتی از بازدیدهایی که توسط مدیرعامل رعد در کشور سوئد هماهنگ شده بود، افزود: مایه خوشحالی و افتخار ماست که در ایران ظرفیت‌های لازم برای پیاده‌سازی به‌روزترین روش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت فراهم شده است.

مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با اشاره به این که پیش از افتتاح رسمی این مرکز، فعالیت‌های فراوانی توسط مجتمع رعد انجام شده، گفت: در مدتی که مرکز فعال بوده، دستاورد ما ۲۷ شغل پایدار، ۳۷ نفر حضور در دوره کارورزی،

اهدای تندیس کارهای داوطلبانه به مجتمع رعد



همزمان با روز جهانی داوطلب به همت دبیرخانه ترویج کارهای داوطلبانه، بزرگداشت روز بین‌المللی کار داوطلبانه برگزار شد و ضمن دعوت از اکثر مؤسسات خیریه، انجمن تخصصی و مؤسسات مردم‌نهاد، برخی از این مؤسسات با اهدا لوح سپاس و تندیس تشویق شدند که پرهام پاکزاد نماینده مجتمع رعد و عضو شورای مرکزی گروه همیاری جوانان با حضور در این مراسم لوح سپاس و تندیس اهدایی به مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد را دریافت کرد.



شماره ۶۱ بهار ۱۳۹۷

گردهمایی رؤسای مراکز علمی کاربردی استان تهران در خیره رعد



علمی کاربردی نیکوکاری رعد مباحث تحصیلات دانشگاهی در حوزه معلولان، درخواست دوره‌های تحصیلی، رسیدگی به مشکلات ایاب و ذهاب و سایر مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشجویان توان‌یاب را تشریح کرد.

پس از پخش نماهنگی از مرکز رعد، مهندس احمد میرزاخانی رئیس هیأت مدیره مجتمع رعد با اشاره به اهداف مرکز علمی کاربردی رعد، افزود: نقش مجتمع رعد در ایجاد دوره‌های فنی و حرفه‌ای در سطوح مختلف برای معلولان و هم چنین ایفای نقش در حوادث طبیعی مانند: زلزله، سیل و کمک به ساخت و ساز منازل آسیب دیده چشم‌گیر بوده است.

در ادامه جلسه دکتر فرامرز اکرمی با توجه به نظر مدیران مراکز و نطقه نظر دکتر علی زنوزی «عضو هیأت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران» مقرر کرد کمیته تخصصی برای رسیدگی به مباحث کارمندی و کاربینی ایجاد شود. در انتها شرکت‌کنندگان بازدید از بخش‌های مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به عمل آوردند.

به‌منظور بررسی و آشنایی مدیران مراکز آموزش علمی- کاربردی با مشکلات متقاضیان (معلولان جسمی حرکتی) برای ادامه تحصیل و طرح مباحث کاربینی و کارورزی در دانشگاه جامع علمی- کاربردی سومین گردهمایی رؤسای مراکز استان تهران به میزبانی مرکز آموزش علمی- کاربردی نیکوکاری رعد برگزار شد.

در این نشست ابتدا دکتر فرامرز اکرمی سرپرست دانشگاه جامع علمی کاربردی استان تهران ضمن خیرمقدم و خوش آمدگویی به حضار و تشکر از میزبانی مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد، افزود: این مرکز با هدف تسهیل‌گری در امر تحصیلات دانشگاهی توان‌یابان تاسیس شد اما برای پر کردن شکاف اجتماعی عدم شناخت توانایی‌های افراد دارای معلولیت جذب دانشجویان غیر معلول را هم انجام داده است.

در ادامه دکتر حسین علاقه‌بند رئیس مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد تاریخچه مرکز علمی کاربردی رعد و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد را به آگاهی شرکت‌کنندگان رساند. سپس سید حمید میرابوالقاسمی کارشناس مرکز آموزش

امضا تفاهم‌نامه همکاری مشترک مجتمع رعد و

انجمن اطلاع‌رسانی دیابت «گابریک»



دو مؤسسه تنظیم شده است، از این رو برای اجرایی کردن آن هیچ مبلغی رد و بدل نخواهد شد.

تفاهم‌نامه همکاری مشترک بین مجتمع رعد و انجمن اطلاع‌رسانی دیابت «گابریک» با حضور نمایندگان رعد در ساختمان این انجمن مبادله شد.

در پی ملاقات چند ماه پیش مدیران عامل مجتمع رعد و انجمن گابریک و توافق صورت پذیرفته مبنی بر توسعه همکاری‌های مشترک در قالب تنظیم سند تفاهم‌نامه، گروهی از مسؤولان مجتمع رعد با حضور در ساختمان انجمن گابریک پس از امضاء، تفاهم‌نامه تنظیم شده را مبادله کردند.

براساس این گزارش در بخشی از تفاهم‌نامه ۶ ماده‌ای در خصوص تعهدات متقابل هر ۲ مؤسسه به تشکیل کارگروه تنظیم جدول همکاری‌های مشترک، ارایه اخبار و گزارش‌ها از فعالیت مشترک، تلاش برای بهبود کیفیت زندگی مددجویان هر دو مؤسسه، تهیه پیش‌نویس شیوه‌نامه «شهروند مسؤل» برای آشنایی اشخاص گروه هدف از حقوق اجتماعی خود و ارایه راهکارهای پیشگیری از گسترش معلولیت و دیابت، اشاره کرد.

شایان ذکر است اجرا این تفاهم‌نامه در راستای وظایف ذاتی این



سازمان بهزیستی از تلاش‌های علمی در حوزه معلولان تجلیل کرد



همزمان با هفته گرامی داشت روز افراد دارای معلولیت، کتاب «راهی به سوی اشتغال سریع» اثر منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد رونمایی و از زحمات وی در زمینه انتشار این کتاب قدردانی شد.

درنشستی با حضور رئیس سازمان بهزیستی کشور، معاون توانبخشی، مدیرکل دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی، مدیرعامل مجتمع رعد به اتفاق جمعی از کارشناسان و کارکنان سازمان بهزیستی و مؤسسه خیریه رعد ضمن رونمایی از کتاب راهی به سوی اشتغال سریع از کوشش‌های منصوره پناهی برای تألیف این کتاب قدردانی شد.

در بخشی از این مراسم دکتر زهرا نوع‌پرست مدیرکل وقت دفتر امور توانبخشی روزانه و توانپزشکی سازمان بهزیستی ضمن تأکید بر حمایت سازمان بهزیستی از تولیدات فکری مؤسسات خیریه در حوزه توانبخشی و توانمندسازی افراد دارای معلولیت، افزود: کتاب راهی به سوی اشتغال سریع تنها یک گزارش علمی از یک روش کاری نیست، این کتاب یک برنامه اجرایی برای حمایت از توانیابان و دستیابی به اشتغال پایدار افراد دارای معلولیت به حساب می‌آید.

دکتر انوشیروان محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی هم در این مراسم با تأکید به استفاده از شیوه‌های علمی در حل مشکلات افراد دارای معلولیت، افزود: اگر برای حمایت از معلولان برنامه داشته باشیم و با یک نگاه علمی و کارشناسی وارد این حوزه شویم، هرگز توان‌یابان عزیز با یأس و ناامیدی مواجه نخواهند شد.

وی افزود: براساس محاسبات کارشناسی باید ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیون هزینه کرد تا یک شغل پایدار ایجاد کنیم اما با راه حل‌های مانند اشتغال حمایت شده و مشارکت کارفرمایان می‌توان این رقم را تا حد زیادی کاهش داد.

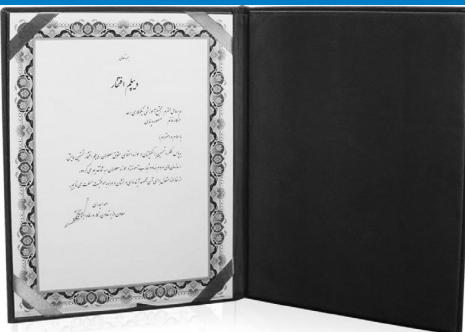
منصوره پناهی مدیرعامل مجتمع رعد نیز ضمن تشکر از حمایت‌های سازمان بهزیستی و همکاری با مراکز غیر دولتی، افزود: سازمان بهزیستی با پشتیبانی از مراکز فعال در حوزه توانمندسازی افراد دارای معلولیت می‌تواند نقش مهمی در احقاق حقوق این گروه از شهروند ایفا کند.



وی با اشاره به اجرای روش اشتغال حمایت شده طی ۲ سال گذشته در مجتمع رعد، افزود: با اجرای این روش ۴۰ نفر توان‌یاب به اشتغال پایدار فردی و نه گروهی رسیده‌اند.

شایان ذکر است در این مراسم بسته جامع توانبخشی مؤسسه توانبخشی ولی عصر (عج) حاوی ۵ جلد گزارش کاربردی از شیوه‌های توانبخشی کودکان کم‌توان ذهنی با مدیریت دکتر سید مجید میرخانی رونمایی و از دست اندر کاران این سند علمی تجلیل شد.

اهدای دیپلم افتخار همایش تجارب آموخته در حوزه معلولان به مجتمع رعد



همایش سازمان‌های مردم‌نهاد و تجارب آموخته در حوزه معلولان با محوریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و همراهی سازمان بهزیستی کشور و معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و مشارکت اغلب تشکل فعال حوزه معلولان در سالن تلاش برگزار شد.

در این همایش که مدیران برخی از خیریه‌ها، مسئولان و دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مجلس در بخش پرسش و پاسخ آن حضور داشتند، مهم‌ترین مسائل جامعه توان‌یابان از جمله: آغاز بررسی لایحه قانونی حمایت از حقوق معلولان، مشکلات مناسب‌سازی و دسترس‌پذیری، تأمین تجهیزات توانبخشی، اشتغال توان‌یابان، توانمندسازی تشکل‌های حرفه‌ای و تخصصی، ناوگان حمل و نقل معلولان و جانبازان و ... مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در این همایش عملکرد ۳۰۰ تشکل فعال حوزه معلولان در ۸ محور به ترتیب: ۱- بهداشت، درمان و توانبخشی ۲- مدرسه و آموزش ۳- کارآفرینی و اشتغال ۴- حمایت از خانواده ۵- تجهیزات

۶- حقوق شهروندی و قوانین مرتبط آن ۷- انتشارات، فرهنگ و رسانه ۸- تربیت بدنی و گردشگری مورد بررسی قرار گرفت که از این میان ۱۸ مؤسسه به مرحله پایانی راه یافتند و به ۸ مؤسسه خیریه که بالاترین امتیاز را کسب کردند، دیپلم افتخار همایش اهدا شد.

شایان ذکر است در دیپلم افتخاری که به امضا احمد میدری معاون وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی رسیده بود از مجتمع رعد برای عملکرد تحسین برانگیزش در اعتلای حقوق معلولان قدردانی شده است.



آموزش تعامل رانندگان سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان با توان یابان



خدمات بهتر به توان یابان پرداختند. منصوره پناهی مدیر عامل مجتمع رعد با اشاره به این که برگزاری یک دوره آموزشی با این محتوا در نوع خود بی سابقه است، گفت: در زمان برگزاری رویداد توان تک، ما توانستیم ارتباط خوبی با مدیران سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان برقرار کنیم و نگاه مثبت ایشان باعث شد بتوانیم سرفصل های همکاری مشترکی را تعریف کنیم. مدیرعامل رعد افزود: این که یک مجموعه که تأثیر قابل توجهی در تسهیل و بهبود کیفیت زندگی توان یابان دارد، آماده است نیروهای خود را در این سطح آموزش دهد و با مجموعه های دیگر تعامل سازنده داشته باشد، نویدبخش اتفاقات بسیار مثبتی در آینده است. وی ابراز امیدواری کرد نگرش و عملکرد سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان برای سایر سازمان های اثرگذار در حوزه معلولان الگو قرار گیرد و با ایجاد همکاری های بین سازمانی، ارتقاء کیفیت زندگی توان یابان با شتاب بیشتری صورت گیرد.

با همکاری مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و سامانه برگزار شد مجتمع رعد با همکاری سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان، دوره آموزشی دو روزه ای را برای رانندگان سامانه برگزار کردند.

در این دوره که با توجه به نیازسنجی انجام شده از توان یابان طراحی و اجرا شد، مباحث متنوعی شامل: آشنا کردن رانندگان سامانه با انواع معلولیت ها، شناخت الزامات و استانداردهای خدمات رسانی و ایمن سازی وسایل نقلیه برای توان یابان، روش های تامین امنیت فیزیکی در تردد توان یابان، مبانی روان شناسی و نحوه برخورد و رفتار رانندگان با توان یابان و خطوط قرمز و روش های برقراری ارتباط مؤثر و بهینه به رانندگان آموزش داده شد.

در این دوره ۲ روزه، ۱۶۰ نفر از رانندگان سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان با حضور مدیران ارشد این سازمان و اساتیدی از مجتمع رعد در کنار هم به بحث و تبادل نظر در مورد ارائه

نمایش آثار خوشنویسی توان یابان ایرانی در پار آرت توکیو اکران شد



در چهارمین دوره حضور هنرمندان توان یابان ایرانی در نمایشگاه پار آرت آسیایی ژاپن ۳ اثر خوشنویسی از فرشته جمشیدی، فاطمه اسلامی، محمد رضا عبادی به توکیو ارسال شد که پس از گذراندن داوری و همزمان با ایام روز جهانی معلولان مصادف با سوم دسامبر در شهر توکیو به نمایش درآمد.



فناوری اطلاعات، فصلی نوین در اشتغال توان یابان



حوزه فناوری اطلاعات نظیر: کارگاه‌های برنامه‌نویسی، مهارت‌های راه‌اندازی کسب‌وکار، تولید محتوا، بازاریابی دیجیتال و مذاکرات استخدام توسط افراد سرشناس برگزار شد.

در بخش مسابقه نیز، استارت‌آپ‌هایی که بنیان‌گذارشان توان‌یاب بوده یا استارت‌آپ‌هایی که خدماتی برای توان‌یاب‌ها ارائه کرده و ایده‌هایی برای ارائه خدمات به توان‌یاب‌ها دارند به رقابت پرداختند.

منصوره پناهی مدیر عامل مجتمع رعده در زمینه برگزاری رویداد توان تک گفت: مفهوم اشتغال حمایت‌شده که در اروپا و آمریکا به شکل گسترده در توانمندسازی و اشتغال افراد دارای معلولیت از طریق آموزش‌های حرفه‌ای به کار گرفته می‌شود و نگرش ما به اشتغال افراد دارای معلولیت، نگرش شهروندی است؛ یعنی ما این افراد را دقیقاً به شکل سایر شهروندان می‌بینیم که توانایی‌های لازم را برای مهارت‌آموزی و اشتغال دارا هستند. در این نگرش، ما افراد را از منظر توانمندی، آرزوها و علاقه‌مندی‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم و آموزش‌های حرفه‌ای لازم را برای آغاز اشتغال به آن‌ها ارائه می‌کنیم. این نیمی از راه است، پس از اشتغال هم حمایت و آموزش‌های حین کار بین یک تا ۳ سال ادامه پیدا خواهد کرد تا فرد دارای معلولیت به طور کامل بتواند در جامعه حضور داشته باشد و اثربخشی لازم را ایجاد کند.

وی در ادامه افزود: ما به فناوری اطلاعات از دو منظر نگاه می‌کنیم؛ نخست وجه اطلاع‌رسانی به توان‌یابان و دوم بهره‌گیری از مهارت‌های مرتبط به فناوری اطلاعات به منظور اشتغال‌زایی برای افراد دارای معلولیت. البته مسؤولیت اجتماعی شرکت‌ها، منت و لطف آن‌ها به اجتماع نیست، بلکه بخشی از وظایف اساسی و یکی از معیارهای برتری و شایستگی آنهاست که در رویداد توان تک فاصله میان توان‌یابان و محیط کار را از طریق شبکه‌سازی و مهارت‌آموزی در حوزه فناوری اطلاعات کم می‌شود.

دبیر اجرایی جشنواره توان تک با اشاره به نگرش توانمندسازی، گفت: با توجه به همین نگرش، کارگاه‌های

جشنواره توان تک، با هدف فرهنگ‌سازی اشتغال توان‌یابان و ایجاد زمینه‌های ارتباط مؤثر استارت‌آپ‌ها با جامعه افراد دارای معلولیت از ۲۱ تا ۲۴ آذر در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده برگزار شد.

از آنجا که یازده درصد از جمعیت کشورمان را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند، فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر با نفوذ در تمام جوانب زندگی بشر هم نوآوری‌های بی‌شماری در ارائه خدمات بهتر به جامعه پدید آورده و هم فرصت‌های شغلی فراوانی خلق کرده است که با توجه به تغییر الگوی اشتغال از کارگران بدنی به کارگران دانشی، این دوره می‌تواند فرصتی تاریخی در اشتغال توان‌یابان و شکوفایی توانایی‌های آنان باشد. تجربه‌های چند استارت‌آپ ایرانی نشان می‌دهد داشتن معلولیت جسمی، تأثیری در کارایی ذهنی و بازدهی کاری توان‌یابان دارای مهارت در حوزه فناوری اطلاعات ندارد. در واقع مسأله اصلی این افراد عدم فرصت حضور در جامعه بوده نه ناتوانی در ارائه توانمندی‌های خود.

از اهداف رویداد توان تک، آموزش دادن به توان‌یابان و خانواده‌های ایشان و هم‌چنین فرهنگ‌سازی در کارفرمایان برای استفاده از سرمایه‌های انسانی این بخش از جامعه بود.

یکی از بخش‌های اصلی رویداد، نمایشگاه توان تک بود. در این نمایشگاه، استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهایی که در حال حاضر با توان‌یابان همکاری دارند یا تمایل به استخدام ایشان دارند حضور داشتند و در کنار آن‌ها، استارت‌آپ‌هایی که توسط توان‌یاب‌ها راه‌اندازی شده نیز به ارائه خدمات و محصولات خود خواهند پرداختند. برگزاری نمایشگاه با حضور استارت‌آپ‌ها موفق باعث شد کسب‌وکارها با توان‌یابان و مهارت‌هایشان بیشتر آشنا شوند و از سوی دیگر توان‌یابان هم با موقعیت‌های شغلی و فضای کاری استارت‌آپ‌ها ارتباط مؤثر برقرار کنند.

همچنین کارگاه‌های آموزشی تخصصی متعددی نیز با هدف افزایش مهارت‌های توان‌یابان و در راستای توانمندسازی و آشنا کردن آن‌ها با الزامات اشتغال در



در بخش فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش در جامعه نیز کمپین «هستمت» که با اجرای بزرگ‌ترین و فراگیرترین کمپین محیط زیستی ایران که با شعار احترام به محیط زیست و احترام به انسان‌های دیگر تلاش کردند تا مردم را در حفاظت از محیط زیست همراه کنند و در کنار این هدف، با درآمد حاصل از فروش درهای پلاستیکی و خرید ویلچر، نقشی پررنگ به این کمپین اهدا شد.

بر اساس گزارش تیم اجرایی رویداد، توان‌تک در مجموع ۲۰ استارت‌آپ و ۳۰ کسب‌وکار اینترنتی موفق مشارکت داشتند و در بخش مسابقه نیز، ۲۲ ارائه انجام شد. در نمایشگاه توان‌تک و منطقه ویژه اشتغال و کارآموزی طی ۳ روز ۲۵۶ فرصت شغلی توسط کسب‌وکارها معرفی شده و توان‌یابان هم ۱۶۸ رزومه شغلی تکمیل کردند. در زمینه پوشش رسانه‌ای رویداد بیش از ۸۰ رسانه مکتوب و آنلاین اخبار توان‌تک را پوشش دادند. در شبکه‌های اجتماعی هم در همین مدت کوتاه مخاطبان بسیاری را جذب کردند به طوری که در توییتر بیش از ۲۰۰ هزار، در اینستاگرام بیش از ۶۵ هزار بار، در آپارات ۱۲ هزار و در تلگرام نزدیک به ۳۰۰ هزار بار مطالب مربوط به توان‌تک دیده شده است.

در بخش برگزیدگان استارت‌آپ‌ها، رتبه‌ی اول این مسابقه به «همیار بینا» تعلق گرفت؛ دستگاهی که به منظور تشخیص موانع معلق طراحی شده که عصای سفید نمی‌تواند آنها را تشخیص دهد. این دستگاه به واسطه لرزش می‌تواند فاصله اجسام روبروی خود را با حس لامسه به کاربر منتقل کند. «ویتامید» به عنوان سازنده بازی‌های توانبخشی برای توان‌یابان، رتبه دوم را کسب کرد. در نهایت رتبه سوم از آن «به‌توان کالا» و «همیار مهر» شد. به‌توان کالا، اولین مرجع مجازی کالاها و خدمات مخصوص توان‌یابان و همیار مهر، درگاه واحد ارائه خدمات و کالاهای مناسب برای توان‌یابان هستند.

آموزشی ویژه‌ای اجرا شد، در یک کارگاه استارت‌آپ پازلی، آموزش‌هایی را در مورد طراحی و تولید اپلیکیشن و راه‌اندازی کسب‌وکار ارائه کرد که مخاطب این کارگاه هم افراد دارای معلولیت و هم افراد غیرمعلول بودند. همچنین دومین کارگاه، پونیشا که یک بستر فریلنسینگ است آموزش‌هایی را در زمینه روش‌های آزادکاری موفق را به شرکت‌کنندگان آموزش داشت.

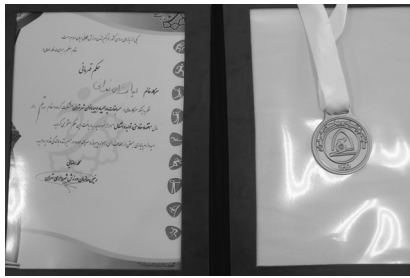
یک کارگاه دیگر هم توسط مجموعه کافه بازار برگزار شد که تمرکز این کارگاه آموزشی بر دسترسی‌پذیری بود. کسب‌وکارها در این کارگاه روش‌هایی را آموختند که توسط آنها، اپلیکیشن‌ها و سرویس‌های خود را برای افراد دارای معلولیت قابل استفاده کنند.

در آیین پایانی جشنواره توان‌تک مدیرعامل مجتمع رد با اشاره به ابعاد گسترده این رویداد و اثری که در جامعه خلق کرد، افزود: از کسب‌وکارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌هایی که در برگزاری این رویداد مشارکت داشته‌اند قدردانی کرده و تندیس مسؤلیت اجتماعی رد به کسب‌وکارهایی که بیشترین تأثیر را در بهبود زندگی توان‌یابان داشته‌اند، اهدا می‌شود. این تندیس، یک افتخار بین‌المللی و نشانه تعهد این مجموعه‌ها به مسؤلیت اجتماعی‌شان است.

سپس تندیس مسؤلیت اجتماعی در بخش افزایش مشارکت توان‌یابان در جامعه به تاکسی آنلاین اسنپ بابت استخدام نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از توان‌یابان و کمک به اشتغال افراد دارای معلولیت، افزایش میزان مشارکت اجتماعی این عزیزان اهدا شد. همچنین در بخش ارتقاء کیفیت زندگی توان‌یابان، شرکت دانش‌بنیان پکتوس به دلیل تولید تجهیزات کامپیوتری و الکترونیکی ویژه نابینایان برای بیش از ۲ دهه و فراهم آوردن امکان استفاده افراد نابینا از کامپیوتر و اینترنت و در نتیجه ارتقاء دانش و آگاهی افراد نابینا و بهبود کیفیت زندگی ایشان تندیس رد اهدا شد و



ورزشکاران رعد در پارالمپiad ورزشی شهرداری تهران درخشدند



دوم، امیرشیرزاد در کلاس ۲ مقام دوم و عباس عباسی در کلاس ۳ مقام سوم را در بخش آقایان به خود اختصاص دادند، همچنین لیدا شریفی تهرانی در کلاس یک به مقام دوم و سحر مسعودپور در این کلاس به مقام سوم رسیدند.

پارالمپiad ورزشی شهرداری تهران در رشته بوچیا با حضور توان‌یابان مناطق ۲۲ کلان شهر تهران برگزار شد و توان‌یابان مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با مربیگری محمد بیگدلی در بخش آقایان و بانوان شرکت کردند که در پایان امیر دهقان در کلاس یک مقام

نگاهی به سی و چهارمین بازارچه خیریه

شب یلدا در خیریه رعد همراه با نیکوکاری

مورد نظرشان باعث تشویق هنرجویان می‌شدند. درکنار غرفه‌های کارآموزان، بخش‌های ثابت و پرمراجه همه بازارچه‌ها رستوران غذاهای خانگی گروه همیاری بانوان بود که اگر دیر می‌جنبیدید با عبارت «غذا تمام شد» مواجه می‌شدید و باید با برای یک غذای خاطره انگیز تا بازارچه بعدی صبر کنی.

غرفه کالاهای صد در صد اهدایی هم حال و هوای خود را داشت، تمام کسانی که سابق آشنایی با رعد را دارند به خوبی می‌دانند این قسمت به دوستانی اختصاص دارد که با اهدا کالاهای نو و با کیفیت از توان‌یابان و استقلال اجتماعی آنها حمایت می‌کنند.

خلاصه اینکه دوستانی که حضور در بازارچه‌های رعد را تجربه نکرده‌اند بهتر است فرصت را از دست ندهد و برای شرکت در بازارچه نوروزی خیریه رعد گوش به زنگ باشند.

سی و چهارمین بازارچه خیریه رعد به مناسبت روز جهانی معلول به مدت ۴ روز از تاریخ ۲۸ آذر تا اول دی در محل ساختمان مجتمع رعد برگزار شد. این بازارچه که بیشترین تلاش برای معرفی توانایی‌های کارآموزان و کارآموختگان بود در حالی که با مراسم شب یلدا همزمان شده بود، حال و هوای خاصی داشت.

اجرای برنامه هنری گروه موسیقی هنرمندان توان‌یاب رعد در حاشیه برنامه بسیار مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت و برای نخستین بار ابتکاری جالب و بیانگر گوشه‌ای از توانایی‌های کارآموزان رعد بود.

اختصاص قسمتی از بازارچه به محصولات هنری و دست ساخته‌های هنرجویان در زمینه‌های متنوع از قبیل: معرق، نقاشی، عروسک بافی، مشبک، سفال، زیورات، و... مورد توجه بازدیدکنندگان نیکوکار قرار گرفت و مردم با خرید محصولات

پازلی‌ها



اکران فیلم پازلی‌ها در رعد

استارت‌آپ پازلی ساخته شده است. چند دانشجوی بیرجندی می‌خواهند با یک ایده تازه در صنعت رایانه، کسب و کار جدیدی راه‌اندازی کنند، برای تحقق این هدف به تهران می‌آیند تا به آرزویشان جامه عمل بپوشانند و بپوشانند، ببینید و لذت ببرید.

همزمان با روز جهانی معلولان، فیلم مستند پازلی‌ها برای توان‌یابان و کارآموزان مجتمع رعد در سالن همایش این مؤسسه اکران شد. این فیلم بر اساس زندگی واقعی مصطفی لطفی، حسین آریان، محمدحسین محسنی و حمیدرضا قادری، مؤسسان



شماره ۸۷ بهار ۱۳۹۷

and professional success and says that he is always considers himself deeply indebted to Ra'ad.

He dreams that a day will come when physically challenged people will be able to sit next to non-physically challenged people and the distance between them will disappear.

▲ Along with cell phone repairmen in the class!



A conversation with Akbar Khani, the instructor of the cell phone repair class and with a few trainees of this class

Once a Ra'ad trainee, Khani is now a teacher of this class and also a coach of sitting volleyball.

▲ The rises and slumps of the office of popular contributions

In conversation with Azar Sadeghpour -the director of this office- she mentioed the necessity of the establishment of this office and referred to the various activities that are done under the directorship of this office.

▲ Where one door shuts another opens

A conversation with Zohreh Tahani - the designing and architectural expert of different bureaus of Mellat Bank

Zohreh Tahani is a strong woman who, despite suffering from physical disability since childhood, has tried hard and has been able to turn every failure into the rise of a success.

In fact, every failure for Zohreh has served as a stepping stone to success. She has an MA in Architecture and is currently an expert in design, architecture and interior design of different bureaus of Mellat Bank.

We sat down to a cozy chat with this sedulous and light-hearted lady and asked her about the rises and slumps of her life.

▲ Murmur

▲ We welcome with open arms the physically challenged people who can work with us as an employee or a driver in this system

A report of the transportation system Snapp

According to Ali Ghasemkhani; the manager of Snapp human resources. About two thousand drivers are working for Snapp with license plate «J» from whom no comission is received to appreciate their efforts and also to encourage other physically challenged people to participate in the society.

▲ The story of changing the outlook

A note

▲ Murmur

A poem

▲ When you love someone, their physical deficiencies do not come to your attention



A conversation with Atefeh Mehrbakhsh and Gholamreza Hasini - a happy couple despite Atefeh's physical challenge.

The fruit of this marriage - which took place upon the persistence of Mr Hosseini - is two daughters of theirs.

▲ Luminaries with disabilities

Robert Schumacher; musician, with paralyzed fingers

▲ Superior me

Health

▲ A path to speedy employment

Introducing a book

▲ The prosperous Norouz

A note on Norouz and its rituals

▲ Whats the news in Ra'ad?



▲ Editorial

▲ **The interests of each and every one of us is tied to the interests of the entire society**



A conversation with Roozbeh Pirooz, one of the founders of Khavarmianeh Bank and a current member of its board of directors

He was born with neuromuscular disorder, nevertheless, he has never let this physical challenge get in his way. Pirooz is a Stanford and a Harvard graduate in International Relations and Management.

He's a member of the board of directors of reputable companies which he himself has founded. This entrepreneur has also invested in the electronic commerce industry and is one of the founders of Sarava Company which is a major shareholder of Digikal, Cafebazar, Alibaba, Alopayk and also Shaypoor, all of which render online services.

▲ **The effects of cultural works on a change in outlook**

A conversation with Saleem Ghafouri, the director of the documentary channel of the television about the responsibility that this channel takes upon itself for making changes in the outlook of the society on people with disabilities and for creating the right culture in this regard

He says, "the most important barrier for the social presence of the people with disabilities in the society, is the way the society looks at them; that is, if anyone has any sort of disability in their arms, legs, eyes or ears, they are deemed to be devoid of efficiency by the society and if we can prove this otherwise, the way that the society looks at them will definitely change."

▲ **Mapna and its social responsibilities in a conversation with the managers of the company**

Mapna Company is a large industrial unit that began

its activities in the 1990's by building powerplants projects and has now effectively involved itself in several other industrial areas.

Being familiar with the necessity of paying attention to social responsibilities, the managers of Mapna are busy studying how to effectively involve themselves in this area.

Being acquainted with Ra'ad Institute and looking into the impacts of this highly experienced NGO, made the managers of Mapna think more about knowing the activities of this organization, and check and evaluate the effects they can produce in performing their social responsibility in this area.

We sat down to a conversation with the managers of this industrial group.

▲ **Our projects about the blind, is due to our social responsibility**

A conversation with Saiid Sadegh Poor, the executive manager of Pektos Company

Pektos Company is the first institution, not only in Iran, but also in the Middle East, which has started working on the field of producing suitable softwares as well as hardwares for the blind, so that they will be able to have access to the information technology.

Saiid Sadegh Poor, the executive manager of this company, has a BA in Electrical Engineering from Sharif University of Technology, and an MA in Management from Industrial Management Institute. He talks about whatever done in this company for the first time.

▲ **Ra'ad strengthened my roots**



A conversation with Mohammad Reza Emami, a trainee and a teacher at Ra'ad and a professional animator

In this conversation, Emami talks about the effects of the trainings in Ra'ad Institute on his personality

